تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان





جلد ۲۳

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳ ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
درآمد ----- ۷
سیمای سوره توبه ----- ۹
لغو تعهد و پیمان با مشرکان پیمان شکن ----- ۱۰
پیشوایان کفر را بکشید ----- ۱۴
آزمایش الهی و اهداف آن ----- ۱۶
تقدم پیوند مکتبی بر پیوند خویشاوندی ----- ۱۹
جریان جنگ سخت حنین ----- ۲۰
وظایف مسلمانان در برابر کافران ----- ۲۱
جهانی سازی مهدوی ----- ۲۴
ممنوعیت گنج اندوزی ----- ۲۵
بسیج برای جهاد ----- ۲۸
نشانه های منافقان ----- ۳۰
رابطه سرنوشت و کوشش های ما ----- ۳۴
نشانه های دیگر منافقان ----- ۳۵
موارد مصرف زکات ----- ۳۷
نشانه های دیگر منافقان ----- ۳۸
از سرنوشت گذشتگان عبرت آموزید ----- ۴۲
ویژگی های مومنان ----- ۴۳
جایی که استغفار پیامبر (ص) نیز سودی ندارد ----- ۴۸
چه کسانی از جنگ معاف هستند؟ ----- ۵۱

اقسام پیروان اسلام ----- ۵۵

ماجرای مسجد ضرار ----- ۶۰

ماجرای متخلفان از جنگ تبوک ----- ۶۷

گروهی برای جنگ و گروهی برای علم ----- ۷۰

تاثیرات قرآن ----- ۷۲

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۷۸

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ – عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر: سوره توبه ویژه جوانان/ محمدعلی رضایی اصفهانی؛ با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری : ۲۶۱ ص. شابک : ۱۴۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی : برون‌سپاری یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۴۹] – ۲۶۱ ؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع : تفاسیر (سوره توبه) رده بندی کنگره : BP۱۰۲/۲۹۵/ر۶ت۷ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۸ شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۳۷۰۵۳

درآمد

بسم اللَّه الرحمن الرحیم قرآن کریم چشمه سار زلال و نورانی حق است که قرن‌هاست زمزم معارفش احیاگر دل‌هاست و هرکس به اندازه ظرفیت خود، از آن بهره می‌برد. از آنجا که قرآن به زبان عربی می‌باشد و برخی عبارت‌های آن نیازمند توضیح است «۱»، لازم است که قرآن به زبان‌های دیگر ترجمه و تفسیر شود. در این راستا، درطول تاریخ اسلام ترجمه‌ها و تفسیرهای متعددی از قرآن صورت گرفته است؛ که هرکدام روش خاصی را دنبال کرده‌اند و نظر مخاطبان ویژه‌ای را جلب نموده‌اند و تلاش همه آنان قابل تقدیر و ارزشمند است. اما قرآن کریم در هر عصر بلکه در هر سال نیازمند تفسیر جدید است. «۲» ما نیز براساس نیاز عصر بویژه جوانان بر آن شدیم تا با همکاری برخی اساتید و دوستان به نگارش ترجمه و تفسیر جدیدی اقدام کنیم. در این زمینه حجج اسلام آقایان: حسین شیرافکن، غلامعلی همائی، محمد امینی، محسن اسماعیلی و محسن ملاکاظمی ما را یاری کردند. این کار بزرگ با عنایت الهی از عید غدیر ۱۴۲۰ ق (فروردین ۱۳۷۸ ش) شروع شد و تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲ همزمان توسط رادیو قرآن «۱» و برخی سوره‌ها توسط سیمای قرآن، پخش شد. و نیز بخش‌هایی از آن در حوزه و دانشگاه ارائه و تدریس گردید و بازخوردها گرفته و اصلاحات اعمال شد. ویرایش نخست این دوره تفسیری، در سال ۱۳۸۳ ش به اتمام رسید سپس از نظرات اساتیدحوزه و دانشگاه بویژه حضرت آیت اللَّه العظمی معرفت، در تکمیل آن استفاده کردیم، و ویرایش دوم برخی مجلدات آماده گردید، که اکنون با درخواست طلاب عزیز درس تفسیر مدرسه مبارکه فیضیه، سوره توبه و یوسف آن به صورت آزمایشی منتشر می‌شود. ساختار تفسیر: الف: نمای کلّی هر آیه: این نما به صورت مقدمه‌ای یک سطری، قبل از هر آیه بیان می‌شود که موضوع یا موضوعات‌اصلی آیه را بیان می کند. ب: ترجمه‌ای دقیق و برابر از قرآن: ترجمه‌ای که براساس روش جمله به جمله (هسته به هسته) و درکمال دقت است و تلاش شده، که حتی حرفی از قرآن بدون ترجمه نماند و درهمان حال پیام رسانی و روانی مطلب حفظ شود.» در این زمینه به حدود ۲۰ ترجمه مشهور توجه شده واز واژگان آن‌ها استفاده شده است. «۳» ج: شأن نزول: (در صورتی که آیه شأن نزول داشته باشد.) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳ مقصود از شأن نزول (: سبب نزول) واقعه یا حادثه یا پرسشی است که به‌دنبال آن، آیه یا آیاتی فرود آمده است. از آنجا که معمولًا شأن نزول‌ها سند روائی معتبر ندارد، از آن‌ها به عنوان مؤید و شاهد برای روشن شدن فضای تاریخی و جغرافیایی نزول آیه، استفاده می‌شود. البتّه یادآوری این نکته لازم است که معمولًا شأن نزول‌ها موجب انحصار معنای آیه درمورد خاص نمی‌شود. (مگر در مواردی اندک همچون آیه تطهیر). د: نکات و اشارات: مقصود از این عنوان، «نکات» استفاده شده از الفاظ و ترکیبات آیه با توجه به لغت، سیاق، شأن نزول، تاریخ، احادیث، آیات دیگر قرآن، قرائن عقلی، علوم قطعی تجربی و علوم قرآن است. این عنوان را از حدیث امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام الهام گرفتیم که از ایشان حکایت شده: «کتاب اللَّه عزوجل علی أربعهٔ أشیاء: علی العبارهٔ والاشارهٔ واللطائف والحقائق،

فالعبارة للعوام والاشارة للخواص واللطائف للأولياء والحقائق للأنبياء. «۱»» «کتاب خدا (قرآن) بر چهار چیز است: عبارت، اشاره، لطایف، حقایق؛ و عبارات (قرآن) برای عموم مردم است، و اشارات (قرآن) برای خواص مردم است، و لطایف (قرآن) برای اولیای (الهی) است، و حقایق (قرآن) برای پیامبران است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴ البتّه دراین مورد از آراء مفسران شیعه و اهل سنّت استفاده کرده‌ایم و به مهم‌ترین تفاسیر مراجعه کرده و نکات و نظرات آنان را مورد دقت، توجه و استفاده قرارداده‌ایم. لازم به یادآوری است از آنجا که مخاطبان ما جوانان و دانشجویان هستند از نکات عرفانی (بویژه از امام خمینی قدس سره) و اشعار متناسب با موضوع آیات استفاده کرده‌ایم، تا بر لطافت آن افزوده شود. ه: آموزه‌ها و پیام‌ها: مقصود از این عنوان، بیان اهداف اصلی آیه برای نسل‌های بعدی است، که از سنخ دلالت التزامی کلام است. یعنی جدا نمودن و مجرد کردن آیه از زمان و مکان و شخصیت‌ها و مخاطب خود، و برداشت قاعده کلی از آیه، که قابل انطباق بر زمان‌ها و مکان‌ها و افراد و مصادیق جدید باشد، به‌طوری که مفاد آیه بازندگی مخاطب ارتباط پیدا کند و بتواند از آن پیام‌ها، در زندگی شخصی و اجتماعی خود استفاده کند. البتّه این کار با توجه به بطون قرآن (براساس رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام) و قاعده «الغاء خصوصیت» صورت گرفته و با تدبّر و تفکر در الفاظ آیه (با توجه به همان نکاتی که در شماره د گفته شد) بدست آمده است. از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله منه قد مضی ومنه ما لم یکن یجری کما تجری الشمس والقمر.» «ظاهر قرآن همان چیزی است که نازل شده است، اما باطن قرآن تأویل آن است، که برخی از آن‌ها گذشته و برخی هنوز نیامده است. قرآن مثل تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵ خورشید و ماه جریان دارد (وهر زمان مصادیق جدید پیدا می‌کند.) «۱»» و نیز از امام باقر علیه السلام حکایت شده که حضرت فرمودند: «ولو ان الآیة اذا نزلت فی قوم ثم مات اولئك القوم، ماتت الآیة ولما بقی من القرآن شیء.» «هنگامی که آیه‌ای درمورد ملتی نازل می‌شود، اگر با مرگ آن مردم، آیه نیز بمیرد چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند «۲».» و امام صادق علیه السلام فرمودند: «لأنّ‌اللَّه تبارك وتعالی لم‌یجعله‌لزمان دون‌زمان ولاللناس دون ناس فهو من کل زمان جدید وعند کل قوم غض الی یوم القیامة.» «۳» امام صادق علیه السلام (درپاسخ پرسشی درمورد قرآن) فرمودند: «خدای تبارك و تعالی قرآن را برای یك زمان و مردمی خاص، قرار نداده است، بلکه آن در هر زمانی جدید و نزد هر ملتی تازه و شیرین است. «۴»» روش تفسیر: در این تفسیر از روش‌های متعدد و معتبر استفاده کرده‌ایم یعنی روش ما یك «روش جامع» بوده که شامل «روش قرآن به قرآن، روائی، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶ عقلی، علمی، باطنی» می‌شود. البتّه از روش «تفسیر به رأی» کاملًا پرهیز شده است، در این راه براساس مبانی تفسیر معتبر و ضوابط اصول الفقه و قواعد روش‌های صحیح تفسیر عمل شده است. «۱» منابع: مهم‌ترین تفاسیر شیعه و اهل‌سنّت که مورد توجه ما بوده‌است عبارتنداز: مجمع البیان، ابو الفتوح رازی، شبّر، صافی، نور الثقلین، البرهان، المیزان، نمونه، الدّر المنثور، کشّاف، کشف الاسرار، راهنما، نور، من وحی القرآن و .... در واژه‌شناسی از مفردات راغب، مقاییس اللغه، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مجمع البحرین و ... استفاده شده است. «۲» تذکر: در تفاسیر دیرین مرسوم نبوده است که منبع مطالب را ذکر کنند، از این رو بسیاری از مطالب هر تفسیر از تفسیرهای قبلی گرفته شده بدون آنکه منبع اصلی ذکر شود، ولی ما در این نوشتار تلاش نمودیم هر کجا از منبع خاصی، مستقیم یا غیرمستقیم استفاده کردیم نشانی آن را در پاورقی بیاوریم. مخاطبان: مخاطبان تفسیر قرآن می توانند گروهای زیر باشند: الف: کودکان ب: نوجوانان تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷ ج: جوانان (با سطح علمی حدود دیپلم تا کارشناسی) د: میان سالان فرهیخته ه: کهنسالان مخاطب این تفسیر جوانان (گروه ج) درنظر گرفته شده است. بنابراین مطالب با نثری روان و رسا، و به دور از اصطلاحات علمی و فنی، بیان شده است و در ضمن دقت علمی فدای پیرایه‌های ادبی نشده است و هرگاه مطلب سنگین یا مشکل بوده آن را به پاورقی منتقل کرده‌ایم «۱» یا ارجاع‌داده‌ایم تا علاقمندان، مطالب را در منابع دیگر پی گیری کنند. توجه به ویژگی‌های روانشناختی و جامعه شناختی جوانان مخاطب، به این تفسیر رنگ خاصی بخشیده است، یعنی از ادبیات خاص آنان (بویژه در حوزه شعر و نکات عرفانی و علمی)

استفاده کرده‌ایم. برای مخاطبان گروه «الف» و «ب» تفسیر ویژه‌ای لازم است و همچنین برای مخاطبان گروه «د» و «ه» نیز تفسیری تخصصی و عمیق همراه با نقد و بررسی آراء مفسران قرآن، لازم است. قرائت: قرآن کریم به صورت متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله نسل به نسل نقل شده است. بنابراین مبنای این تفسیر، همین قرآن متواتر بین مسلمانان است که در میان قرائات مشهور، بیشترین تطابق را با قرائت حفص از عاصم دارد. یادآوری: هر چند که برخی از بخش‌های این تفسیر چندین بار در حوزه و دانشگاه تدریس شده، و ویرایش نخست آن از طریق «رادیو قرآن» پخش تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸ شده، و تفسیر برخی سوره‌ها از «سیمای قرآن» ارائه گردیده و بازخوردها گرفته شده و اعمال شده است اما باز هم، از انتقادات قرآن پژوهان دلسوز و منصف استقبال می‌کنیم و از نظرات و پیشنهادات آنان جهت تکمیل کار استفاده خواهیم کرد. والحمد للّه‌رب العالمین قم- ۲۱/ ۱/ ۸۴ در آستانه تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹

سیمای سوره توبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم به نام خدای مهرگستر مهرورز شمارگان سوره توبه در مدینه فرود آمد و دارای ۱۲۹ آیه و ۴۰۹۸ کلمه و ۱۰۴۸۸ حرف است. نزول این سوره صد و سیزدهمین سوره نازل شده بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ یعنی بعد از سوره مائده و در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و در ترتیب فعلی قرآن نهمین سوره به شمار رفته است. مفسران آغاز نزول سوره توبه را در سال نهم هجری می‌دانند، و مطالعه آیات آن نشان می‌دهد که قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک و قسمتی پس از مراجعت از جنگ نازل شده است، و ۲۸ آیه آغاز این سوره به وسیله علی علیه السلام در مراسم حج به مردم ابلاغ شد. «۱» نام‌ها نام‌های این سوره عبارت‌اند از: توبه، برائت، فاضِحَه، حافِرَة، العذاب، سَیف، مُخْزِیه، مُنَکِّلَة، المُنقرة و المُشَقْشَقَة. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰ واژه «توبه» به معنای «بازگشت» است و سبب نام‌گذاری این سوره به این نام، آیات ۱۱۷ و ۱۱۸ آن است که جریان پذیرفته شدن توبه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و متخلفان از جنگ تبوک را بیان کرده است و به طور کلی، در این سوره درباره توبه سخن فراوانی رفته است. واژه «برائت» به معنای «بی‌زاری جستن» است و به خشم خدا و پیامبرش نسبت به مشرکان اشاره دارد که در روز حج اکبر به همه مردم اعلان شد و در آیه یکم تا سوم این سوره آمده است. نام‌های دیگر این سوره، اغلب بدین جهت است که اسرار منافقان در این سوره افشا شده و رسوایی و ذلت آنان را به دنبال آورده است. فضایل درباره فضیلت خواندن این سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هر کس سوره برائت و انفال را در هر ماه بخواند، روح نفاق در او داخل نمی‌شود و از پیروان راستین علی علیه السلام خواهد بود. «۱» تذکر: همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، تأثیرها و ثواب‌های هر سوره، برای قرائت و عمل به مفاد آن است و رابطه این سوره با امام علی علیه السلام در این است که ۲۸ آیه اول این سوره توسط آن حضرت در مراسم حج به مردم ابلاغ شد. ویژگی‌ها این سوره تنها سوره قرآن کریم است که با «بسم اللّه الرحمن الرحیم»، آغاز نمی‌شود، و در این سوره ۱۶ آیه درباره توبه است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱ اهداف اهداف اساسی که در سوره توبه پی‌گیری شده است عبارت‌اند از: الف- بیان قوانین اساسی ارتباطات مسلمانان با مشرکان که شالوده حکومت اسلامی بر آن نهاده شده است. ب- افشاگری در مورد حالات روانی و درونی منافقان و پیروان سست عنصری که در لابه‌لای صفوف مؤمنان رخنه کرده بودند. مطالب الف- عقاید بیان انحراف اهل کتاب از حقیقت توحید و فرزند قرار دادن برای خدا (آیات ۳۰- ۳۱). ب- اخلاق ۱. سرزنش افراد تنبل و سست عنصری که با بهانه‌های مختلف به جهاد نمی‌روند؛ ۲. مدح و ستایش مؤمنان راستین و مهاجران نخستین (آیات ۲۰ و ۱۰۰). ج- احکام و قوانین ۱. بیان الغای پیمان با مشرکان و قطع رابطه با آنان و ممنوعیت حج انجام دادن مشرکان (آیات ۱- ۲۷)؛ ۲. دستور به دادن زکات و پرهیز از تراکم ثروت (آیه ۱۰)؛ ۳. بیان لزوم تحصیل علم (آیه ۱۲۲)؛ ۴. بیان ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام (آیه ۳۶)؛ ۵. بیان حکم گرفتن جزیه (مالیات) از اهل کتاب.

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲ د- داستان‌ها ۱. داستان جنگ تبوک و توبه متخلفان از جنگ (آیات ۴۱ و ۱۱۸)؛ ۲. اشاره‌ای به جنگ حُنین (آیه ۲۵)؛ ۳. اشاره‌ای به قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، مدین و مؤتفکات (آیه ۷۰). ه- مسایل فرعی ۱. بیان نشانه‌های منافقان و سرنوشت آنان (آیات ۴۵ به بعد)؛ ۲. هشدار به مسلمانان در مورد توطئه دشمنان در مسجد ضرار (آیه ۱۰۷)؛ ۳. دعوت مسلمانان به اتحاد؛ ۴. ترسیم خطمشی حکومت اسلامی با گروه‌ها و جناح‌های مخالف؛ ۵. بیان اهمیت جهاد در راه خدا (آیه ۴۱)؛ ۶. تشویق مردم برای تعمیر مساجد (آیه ۱۸). ***

لغو تعهد و پیمان با مشرکان پیمان شکن

خدای متعال در نخستین آیه این سوره از مشرکان اعلام بیزاری کرده و می‌فرماید: ۱. «بَرَاءَةٌ مِنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ إِلَی الَّذِینَ عَاهَدْتُم مِنَ الْمُشْرِکِینَ؛ (این آیات، اعلام) عدم تعهّدی است، از طرف خدا و فرستاده‌اش نسبت به کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بسته‌اید!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. بر طبق نقل بسیاری از مفسران و محدثان و مورخان اسلام، هنگامی که آیه فوق و بیست و هفت آیه بعد از آن فرود آمد و پیمان‌های مشرکان را لغو کرد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این فرمان را برای ابلاغ، به ابوبکر داد تا در مراسم حج بر مردم بخواند؛ سپس آن را به فرمان جبرئیل باز پس گرفت و ابلاغ آن را به تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳ علی علیه السلام واگذار کرد تا در روز حج اکبر برای مردم بخواند و فرمود: «ابلاغ این سوره تنها باید به واسطه کسی باشد که او از من است و من از او هستم.» این ماجرا به عنوان فضیلت بزرگی برای امام علی علیه السلام ثبت و در بسیاری از کتاب‌های شیعه و اهل سنت از راه‌های مختلفی حکایت شده است. «۱» ۲. این آیه به سال هشتم هجری مربوط است که مکه فتح شده بود؛ اما مشرکان همچنان برای انجام مراسم عبادی خود که آمیخته با خرافات و انحرافات بود، به مکه می‌آمدند و گاهی برهنه به طواف کعبه می‌پرداختند. این وضع برای مسلمانان تحمّل‌ناپذیر بود، آیه فوق و آیات بعد از آن فرود آمد و به این وضع نامطلوب خاتمه داد. ۳. در محیط دعوت اسلام، در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله گروه‌های مختلفی وجود داشتند که برخی با مسلمانان پیمانی نداشتند، و برخی دیگر پیمان موقت با تعیین مدت معیّنی داشتند، و برخی نیز پیمان‌های دائمی داشتند، ولی در صدد پیمان‌شکنی و یافتن فرصتی برای حمله به مسلمانان بودند. «۲» این آیه پیمان مسلمانان با گروه اخیر را لغو و عدم تعهّد نسبت به آنان را اعلام کرد، «۳» تا فرصت پیمان‌شکنی، توطئه و شبیخون به مسلمانان را پیدا نکنند. ۴. با این‌که اسلام به وفای عهد بسیار اهمیت می‌دهد، از آیه فوق استفاده تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴ می‌شود که هرگاه نشانه‌هایی از توطئه و نقض پیمان مشاهده شد، مسلمانان حق دارند، پیمان را یک‌جانبه لغو کنند، ولی باید جوانمردانه لغو پیمان را اعلام نمایند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا و رسول نسبت به مشرکان (پیمان‌شکن) تعهّدی ندارند. ۲. از مشرکان بیزاری بجویید و برائت خود را اعلام کنید. *** خدای متعال در آیه ۲ به مشرکان چهار ماه برای تفکر و گردش فرصت داده و می‌فرماید: ۲. «فَسِیحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللّهِ وَأَنَّ اللّهَ مُخْزِی الْکَافِرِینَ؛ پس چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین گردش کنید، و بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید، و (بدانید) که خدا رسوا کننده کافران است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در این آیه به مشرکان بت‌پرست چهار ماه مهلت داده شد، تا در زمین گردش «۲» و سیر و سیاحت و تفکر کنند و تصمیم بگیرند که پس از انقضای چهار ماه یا از آیین بت‌پرستی دست بردارند و یا برای پیکار آماده شوند. از این مطلب استفاده می‌شود که اسلام می‌خواسته اصول انسانی و تربیتی رعایت گردد و مسلمانان بدون مقدمه به دشمن حمله نکنند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵ ۲. اسلام در برابر کافران دو گونه برخورد دارد: گروهی از کافران اهل کتاب مانند یهودیان و مسیحیان را تحمّل می‌کند و پیمان آنان را- در صورتی که توطئه نکنند- محترم می‌شمارد و آنان می‌توانند در پناه حکومت اسلامی زندگی کنند. اما با گروهی از کافران، مانند بت‌پرستان، به شدت برخورد می‌کند و با لغو پیمان، به آنان اخطار می‌نماید که بین جنگ و تسلیم یکی را انتخاب کنند؛ زیرا بت‌پرستی یک مذهب و

دین نیست، بلکه یک روش خرافی و موهوم است که با منطق و عقل ناسازگار نمی‌باشد؛ از این رو، برای اسلام تحمّل‌ناپذیر بوده و بساط آن را بر می‌چینـد. ۳. اعلام برائت توسط امام علی علیه السلام در روز دهم ذی الحجه یعنی عید قربان بود؛ بنابراین، پایان مهلت، روز دهم ماه ربیع الثانی سال بعد بوده «۱» و در تفاسیر آمده است که بسیاری از بت‌پرستان از این مهلت چهار ماهه استفاده کردند و با مطالعه بیشتر در تعالیم اسلام، مسلمان شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. به دشمنان اسلام فرصت تفکر وتصمیم‌گیری دهید (تا شاید هدایت شوند). ۲. اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان ناجوانمردانه و بدون اعلام قبلی به دشمن حمله کنند. ۳. فرار از حکومت الهی و ناتوان کردن خدا ممکن نیست. ۴. آیه به مشرکان اعلام می کند دست از کفر بردارید که فرجام کافران، خواری و رسوایی است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۶ خدای متعال در آیه ۳ بار دیگر بر بیزاری از مشرکان تأکید کرده و می‌فرماید: ۳. «وَأَذَانٌ مِنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَإِن تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللّهِ وَبَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِیمٍ؛ و (این آیات،) اعلامی است از طرف خدا و فرستاده‌اش به مردم، در روز [: عید قربان حج بزرگ [به اینکه: خدا و فرستاده‌اش نسبت به مشرکان تعهّدی ندارند! و اگر توبه کنید، پس آن برای شما بهتر است؛ و اگر روی برتابید، پس بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، به عذابی دردناک مژده ده!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. اعلام عمومی برائت و بیزاری از مشرکان در ایام حج و در روز عید قربان به واسطه امام علی علیه السلام صورت پذیرفت «۱» تا همه مسلمانان و غیرمسلمانان از آن آگاهی یابند و راه بهانه جویان بسته شود و از این رو است که فرمود: به همه مردم اعلام می‌شود و نفرمود: فقط به مشرکان اعلام می‌شود. ۲. در اعلامیه عمومی که به واسطه امام علی علیه السلام قرائت شد، مواد چهارگانه ذیل اعلام گردید: الف- الغای پیمان مشرکان؛ ب- ممنوعیت شرکت مشرکان در مراسم حج سال آینده؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۷ ج- ممنوعیت طواف افراد برهنه به دور کعبه؛ د- ممنوعیت ورود مشرکان در خانه خدا «۱». ۳. مقصود از «الحج الاکبر» در آیه فوق همان روز عید قربان سال هشتم هجری است. در احادیث اسلامی آمده است که در آن سال مسلمانان و مشرکان در مراسم حج شرکت کرده بودند؛ از این رو، به آن حج بزرگ گفته شد، و یا به خاطر آن‌که مراسم حج بزرگ‌تر از مراسم عمره است، به آن «حج اکبر» گفته می‌شود «۲». ۴. قبول آیین توحید در دنیا و آخرت به سود مردم است، و تمام نابسامانی‌ها در پرتو آن سامان می‌یابد؛ یعنی پذیرش اسلام برای خدا و پیامبر سودی ندارد، بلکه سود آن به خود افراد باز می گردد. ۵. قرآن کریم در آیه فوق از روش «تشویق و تهدید» استفاده کرده است تا مردم را هدایت کند و این یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. بهترین زمان و مکان و حضور همگانی را برای اعلام عمومی انتخاب کنید (تا تاثیر بیشتری داشته باشد و زمینه بهانه جویی‌ها برداشته شود). ۲. این آیه به رهبران الهی و مبلغان دینی می‌آموزد که برای تربیت و هدایت مردم از شیوه هشدار و تشویق در کنار هم استفاده کنند. ۳. خدا و رهبران الهی نسبت به مشرکان پیمان شکن، تعهدی ندارند. ۴. راه بازگشت و توبه به سوی مخالفان اسلام باز است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۸ خدای متعال در آیه ۴ پیمان گروهی از مشرکان را محترم شمرده و می‌فرماید: ۴. «إِلَّا الَّذِینَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ ثُمَّ لَمْ یَنقُصُوکُمْ شَیْئاً وَلَمْ یُظَاهِرُوا عَلَیْکُمْ أَحَداً فَأَتِمُّوا إِلَیْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَی مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ؛ مگر کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بستید، سپس هیچ چیزی (از تعهدات خود را) نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند، و هیچ کس را بر ضدّ شما پشتیبانی ننموده‌اند؛ پس پیمان آنان را تا پایان مدّتشان، نسبت به آنان محترم شمرید؛ [چرا] که خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست دارد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. الغای یک‌جانبه پیمان‌های مشرکان، مخصوص کسانی بوده که نشانه‌هایی از آمادگی آنان برای پیمان‌شکنی ظاهر شده بود؛ اما کسانی که بر پیمان خود استوار بودند، پیمانشان محترم شمرده شد. ۲. از گزارش‌های مورّخان و مفسران استفاده می‌شود که مقصود از کسانی که پیمان مدّت‌دار داشتند و بر مواد پیمان خود وفادار ماندند، طایفه‌های «بَنی کَنانه»، «بَنی ضَمْرهْ» «۱» و احتمالًا «بنی خُزاعهْ» «۲» بوده‌اند که پیمان آتش بس با پیامبر داشتند و نُه ماه آن باقی مانده بود و پیامبر تا پایان مدت نسبت به پیمانشان وفادار ماند. ۳. از این آیه

استفاده می‌شود که وفاداری به پیمان با تقوا و پارسایی ارتباطی تنگاتنگ دارد و یکی از نشانه‌های تقواست. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۹ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. هر کس پیمانش را با شما رعایت کرد، پیمان او را محترم بشمارید. ۲. وفاداری به پیمان لازم است، اگرچه طرف مقابل مشرک باشد. *** خدای متعال در آیه ۵ به لزوم برخورد شدید با مشرکان و باز بودن راه توبه اشاره کرده و می‌فرماید: ۵. «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و هنگامی که ماه‌های حرام سپری شد، پس مشرکان را هر کجا آنان را یافتید به قتل رسانید؛ و آنان را (به اسارت) بگیرید؛ و آنان را بازداشت کنید؛ و در هر کمینگاه، بر [سر راه آنان بنشینید. و اگر توبه کنند، و نماز را به پا دارند، و [مالیاتِ زکات را بپردازند، پس رهایشان سازید؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «ماه‌های حرام» در این آیه همان چهار ماه مهلتی است که در ابتدای سوره برای مشرکان قرار داده شده بود که از دهم ذی الحجه سال نهم هجری آغاز شد و دهم ربیع الثانی سال دهم هجری پایان یافت. به این مطلب در احادیث متعددی نیز اشاره شده است «۱» . ۲. در این آیه چهار دستور شدید در مورد مشرکان پیمان‌شکن صادر تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۰ شده است که عبارت‌اند از: «بستن راه‌ها بر آنان، محاصره کردن، «۱» اسیر ساختن و کشتن آن‌ها در هر مکان و زمان.» «۲» انتخاب یکی از این چهار دستور به صورت اختیاری نیست، بلکه بر اساس شرایط زمانی و مکانی و به تناسب اشخاص مورد نظر عمل می‌شود تا مشرکان به طور کامل در فشار قرار گیرند. ۳. اسلام به آزادی مذهبی و ترک اجبار پیروان ادیان اهمیت می‌دهد، ولی این مطلب منحصر به پیروان ادیان آسمانی همچون آیین‌های یهود و مسیحیت است؛ بنابراین، برخورد شدید اسلام با مشرکان بدین جهت است که بت‌پرستی و شرک، از نظر اسلام یک برنامه خرافی و نوعی بیماری بشریت است که باید ریشه کن شود. ۴. آیه فوق در همان حال که با مشرکان به شدت برخورد می‌کند، راه بازگشت را می‌گشاید و اشاره می‌کند که اگر مشرکان توبه کردند و به وظایف اسلامی خود عمل نمودند، در امنیت هستند و از نظر حقوق و احکام با سایر مسلمانان تفاوتی ندارند. ۵. در آیه فوق بر دو وظیفه بزرگ اسلامی یعنی نماز و زکات تاکید شده است؛ زیرا ادای این دو وظیفه بزرگ، نشانه‌ای از اسلام و توبه افراد مشکوک به شمار می‌آید. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۱ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مشرکان را (پس از طیّ مراحل دعوت و استدلال و پیمان بستن، اگر باز توطئه کردند) به شدّت سرکوب کنید. ۲. در پی دشمن بروید و راه‌ها را کنترل کنید و در کمین توطئه‌گران پیمان‌شکن باشید. ۳. توبه مشرکان پذیرفتنی است، به شرط آن‌که همراه با عمل باشد (نه فریبکارانه). ۴. نماز و زکات نشانه توبه است و کسی که به این شعائر دینی می‌پردازد، از تعرّض مسلمانان در امان است. ۵. تنها راه برخورد با مشرکان کشتن آن‌ها نیست، بلکه محاصره و اسارت نیز از راه‌های دیگر است. *** خدای متعال در آیه ۶ به دشمنان اسلام نیز حق پناهندگی و فرصت شنیدن و تفکر و انتخاب آزادانه داده و می‌فرماید: ۶. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَايَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی خواست، پس به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود؛ سپس او را به محل امنش برسان؛ این بدان سبب است که آنان گروهی هستند که نمی‌دانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. حکایت شده که پس از الغای پیمان مشرکان، یکی از بت‌پرستان از حضرت علی علیه السلام پرسید: اگر کسی از ما بعد از گذشتن این چهار ماه بخواهد تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۲ پیامبر را ملاقات کند و مسائلی را با او در میان گذارد و یا سخن خدا را بشنود، در امنیت خواهد بود؟ حضرت پاسخ داد: آری؛ سپس آیه فوق را گواه آورد «۱» . ۲. برخی مورّخان حکایت کرده‌اند که پس از فتح مکه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مشرکان جنایت‌کار نیز فرصت بازگشت به مکه و مطالعه داد، و به «عُمیر بن وَهَب» که از آن حضرت دو ماه فرصت مطالعه می‌خواست، چهار ماه مهلت داد؛ البته معمولًا این افراد پس از تفکر و آشنایی با تعالیم حیات بخش اسلام، مسلمان می‌شدند «۲» . ۳. در آیات پیشین دستور سخت‌گیری در مورد مشرکان داده شد، ولی در این آیه مطلب تعدیل و به نرمی با مشرکان برخورد شده است، و این روشی تربیتی است که شدّت عمل را با نرمش

بیامیزند تا نسخه‌ای شفابخش به دست آید. ۴. هدف اسلام از برخورد با مشرکان گسترش حق، عدالت و توحید است؛ از این رو، به مخالفان پناهندگی و فرصت می‌دهد تا آزادانه در سرزمین اسلام رفت و آمد کنند و سخنان حق را بشنوند و به مطالعه و تفکر بپردازند، تا شاید هدایت شوند. ۵. عامل مهم بی‌ایمانی و شرک، ناآگاهی است؛ همان‌گونه که سرچشمه اصلی ایمان، علم و آگاهی است؛ بنابراین، برای ارشاد مردم لازم است امکانات کافی برای مطالعه و اندیشه فراهم شود، تا به راه حق رهنمون شوند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۳ آموزه‌ها و پیامها ۱. افراد دشمن حق پناهندگی مطالعاتی دارند. ۲. ریشه شرک، ناآگاهی است (پس سطح آگاهی افراد را بالا ببرید تا توحیدگرا شوند.) ۳. به دشمنان اسلام فرصت مطالعه، تفکر و انتخاب آزادانه بدهید و در مدت مطالعه، سلامتی و امنیت آن‌ها را تضمین نمایید. *** خدای متعال در آیه ۷ به دلیل الغای پیمان مشرکان و موارد استثنای آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۷. «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ اللّهِ وَعِندَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد فرستاده‌اش خواهد بود؟! مگر کسانی که کنار مسجد الحرام (با آنان) پیمان بسته‌اید، و تا هنگامی که با شما (بر عهد خود) پایدارند، پس (شما نیز بر عهد) آنان پایدار باشید؛ [چرا] که خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست دارد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که مشرکان نباید انتظار داشته باشند خدا و فرستاده‌اش پیمان آنان را لغو نکنند، در حالی که آنان بارها در عمل نشان داده بودند که هرگاه دستشان برسد، ضربه‌ای بر مسلمانان وارد می‌سازند. ۲. مقصود از نزد مسجد الحرام، همان منطقه حرم یعنی منطقه‌ای تا فاصله ۴۸ میلی اطراف مکه است که صلح حدیبیه و پیمان‌های پیامبر صلی الله علیه و آله با قبایل عرب در این منطقه بسته شد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۴ ۳. مقصود از گروهی که در این آیه به آن‌ها اشاره شده که اطراف مسجد الحرام با پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان بستند و بر پیمان خود وفادار ماندند، طوایفی مانند «بنو ضَمرة» بودند که ذیل آیه چهارم درباره آن‌ها سخن گفته شد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. وفای به عهد با دشمنان اسلام نیز لازم است؛ البته تا هنگامی که آنان به پیمان خود وفادارند. ۲. خدا انسان‌های پارسا را دوست دارد. ۳. خدا و فرستاده‌اش، پیمان مشرکان عهدشکن را به رسمیت نمی‌شناسند. *** خدای متعال در آیه ۸ به پیمان شکنی و فریبکاری مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸. «كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَايَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلّاً وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ؛ چگونه (برای مشرکان پیمانی باشد) و حال آنکه اگر بر شما غالب شوند، درباره شما هیچ خویشاوندی و هیچ تعهّدی را رعایت نمی‌کنند؟! شما را با دهان (و سخنان) شان خشنود می‌کنند، و حال آنکه دل‌هایشان امتناع می‌ورزد؛ و اکثر آنان نافرمانبردارند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مشرکان قریش اگرچه با پیامبر صلی الله علیه و آله و گروهی از مسلمانان خویشاوند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۵ بودند «۱» ، به این موضوع اعتنایی نمی‌کردند؛ همان‌گونه که پیمان خود را با پیامبر در عمل رعایت نمی‌کردند. «۲» ۲. در آیه فوق اشاره شده که دل‌های مشرکان با زبانشان همسان نیست؛ زیرا دل‌های آن‌ها پر از کینه و انتقام جویی و سنگدلی و بی‌اعتنایی به پیمان و رابطه خویشاوندی است، هر چند بازبانشان اظهار دوستی کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اکثریت مشرکان انسان‌هایی فاسق، فرمان‌گریز و دو چهره هستند. ۲. عمق کینه دشمن را در هنگام قدرتش بشناسید، نه در هنگام ضعف. ۳. فریب ظاهرسازی و تبلیغات دشمن را نخورید؛ آنان اگر بر شما تسلط یابند، اصول انسانی را رعایت نمی‌کنند. *** خدای متعال در آیه ۹ به مخالفت مشرکان با راه خدا و بدکاری آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹. «اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللّهِ ثَمَناً قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَاكَانُوا يَعْمَلُونَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۶ (مشرکان) آیات خدا را به بهای اندکی فروختند؛ و (مردم را) از راهش بازداشتند؛ براستی چه بد است، آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. حکایت شده که «ابو سفیان» غذایی تهیه کرد و گروهی را به مهمانی فراخواند، تا از این طریق دشمنی آنان را در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله بر انگیزد. برخی مفسران آیه فوق را اشاره به جریان یاد شده دانسته‌اند، ولی مفهوم آیه وسیع است و شامل موارد مشابه نیز می‌شود که افرادی برای حفظ منافع مادی خود از آیات الهی چشم‌پوشی کنند «۱» . ۲. مشرکان، آیات الهی را با بهای ناچیز مادی معاوضه

کردند و از آن‌جا که آیات الهی ارزش زیادی دارد، متاع دنیوی در برابر آن بسیار ناچیز است؛ پس در هر صورت این افراد زیان‌کار شده‌اند. ۳. بدکرداری مشرکان بدین جهت بود که هم خود را از سعادت و هدایت الهی محروم ساختند و هم مانع سعادت دیگران شدند، و چه عملی از این بدتر است که انسان بار گناه خود و دیگران را بدوش کشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. در برابر از دست دادن آیات الهی هر چه به دست آورید، اندک است. ۲. مشرکان را از مخالفت آنان با راه خدا و بدکرداری ودین فروشی آن‌ها بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۱۰ به تجاوزکاری و عهدشکنی مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰. «لَایَرْقُبُونَ فِی مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ؛ درباره هیچ مؤمنی، هیچ خویشاوندی وتعهدی را رعایت نمی‌کنند؛ وتنها آنان تجاوزکارانند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۷ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق در حقیقت تأکید مطالب آیه هشتم همین سوره است، با این تفاوت که در آیه هشتم سخن از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، ولی این آیه از هر فرد با ایمان سخن می‌گوید. ۲. آیه فوق اشاره دارد که مشرکان با همه افراد با ایمان دشمنی دارند، و این مطلب می‌رود به مسلمانان نیست؛ بنابراین، اینان دشمنان حق، آیین توحید و همه مؤمنان هستند «۱» . آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیمان شکنی نوعی تجاوزگری است. ۲. مشرکان، حرمت و پیمان هیچ مومنی را محترم نمی‌شمارند. ۳. مشرکان را از پیمان شکنی و تجاوزگری آنان بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۱۱ بار دیگر راه بازگشت را برای مخالفان اسلام می‌گشاید و می‌فرماید: ۱۱. «فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِی الدِّینِ وَنُفَصِّلُ الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ؛ و اگر توبه کنند، و نماز را به پا دارند، و [مالیاتِ زکات را بپردازند، پس برادران دینی شما هستند؛ و آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، تشریح می‌کنیم.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه پنجم این سوره نیز مضمون آیه فوق آمده که در این‌جا مورد تأکید قرار گرفته است، و این خود از فنون فصاحت و بلاغت به شمار می‌رود که مطالب پر اهمیت با تعبیرهای گوناگون تکرار شود، و از آن‌جا که مسئله بت‌پرستی و ضربه نهایی بر پیکر آن در محیط اسلام و برچیدن آخرین آثار آن از مسائل بسیار مهم می‌باشد، قرآن این مطلب را با عبارتی جدید و نکاتی تازه تکرار کرده است. ۲. در آیه پنجم سوره توبه آمده بود: اگر مشرکان توبه کردند و وظایف خود را انجام دادند، مزاحم آن‌ها نشوید، و راهشان را باز گذارید؛ اما در این آیه می‌فرماید: اگر مشرکان توبه کردند، برادر دینی شما هستند و این لطف بالاتری نسبت به آنان است که عواطف و فکر آنان را برای پذیرش اسلام آماده‌تر می‌سازد. ۳. تعبیر «برادران دینی» که در آیه فوق به آن اشاره شده، یکی از لطیف‌ترین تعبیرها در مورد پیوند عاطفی و مساوات افراد جامعه است؛ یعنی همان‌گونه که میان برادران تفاوتی نیست و در حقوق با هم مساوی هستند و در مشکلات یار یکدیگر و به همدیگر محبت می‌کنند، مسلمانان نیز این‌گونه‌اند. ۴. در عصر حاضر، مسلمانان جهان نیاز شدیدی به رابطه عاطفی و مساوات دینی در قالب پیوند برادری دینی دارند، تا شکاف‌های قومی، نژادی و طبقاتی آنان را به برادری اسلامی تبدیل کند؛ اما صد افسوس که جامعه مسلمانان در عصر حاضر از این پیوند به دور افتاده و برادران دیروز، بر اثر غفلت و دسیسه‌های استعمارگران، در برابر هم صف کشیده‌اند و این یکی از اسرار عقب ماندگی مسلمانان است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۳۹ ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که اساس روابط عاطفی در اسلام، مکتب است و برادری دینی در کنار برادری خونی مطرح می‌باشد؛ یعنی ممکن است کسی برادر خونی ما نباشد، ولی برادر دینی ما باشد و نیز ممکن است کسی برادر پدری یا مادری ما باشد، ولی برادر دینی نباشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با توبه کنندگان برخوردی برادرانه داشته باشید. ۲. برادری حقیقی همان برادری عقیدتی و دینی است. ۳. نماز خواندن و زکات‌دادن، از نشانه‌های توبه واقعی و برادری دینی است. ***

پیشوایان کفر را بکشید

خدای متعال در آیه ۱۲ خواستار برخورد شدید با پیمان شکنان می‌شود و می‌فرماید: ۱۲. «وَإِن نَكَثُوا أَیْمَانَهُم مِن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِی دِینِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَاأَیْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَنتَهُونَ؛ و اگر سوگندهایشان را پس از پیمانشان شکستند، و در دین شما طعنه

زدند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ [چرا] که آنان هیچ سوگندی برایشان (معتبر) نیست، تا شاید آنان (به کار خود) پایان دهند.» نکته‌ها ۱. ظاهراً مقصود از «عهد» و «ایمان» در آیه فوق همان پیمان آتش بس مشرکان با مسلمانان است، و از آن‌جا که مشرکان در عمل این پیمان را نقض کرده و آمادگی نقض کامل آن را در آینده داشتند؛ از این رو، این پیمان دیگر ارزشی نداشت. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۰ ۲. به باور برخی مفسران، مقصود از آیه فوق یهودیان یا اقوامی مانند رومیان بودند که در آینده با مسلمانان درگیر می‌شدند و یا منظور افراد مرتد و یا قریش بودند؛ اما همه این احتمال‌ها مردود است؛» زیرا مخاطبان آیات فوق مشرکان هستند و براساس سیاق روشن می‌شود که مقصود گروهی از بت‌پرستان اطراف مکه یا سایر نقاط حجاز بوده‌اند. که در عمل پیمانشان را نقض کرده بودند، هر چند که مفهوم آیه به یک گروه و یا یک عصر خاص منحصر نیست و آیه فوق در حقیقت یک دستور العمل همیشگی برای مبارزه مسلمانان با سران کفر است. ۳. در برخی احادیث، آیه فوق بر آتش افروزان جنگ جمل، یعنی ناکثین، تطبیق شده است. و این‌گونه احادیث از باب تطبیق بر مصادیق جدید در زمان‌های بعد است که وضعیتی مشابه مشرکان پیمان‌شکن داشته‌اند «۲» . ۴. در آیه فوق بیان شده که با سران کفر مبارزه کنید و نمی‌گوید با کافران معمولی و توده مردم آن‌ها مبارزه کنید؛ زیرا آنان از پیشوایان کفر و سرچشمه‌های فتنه و فساد پیروی می‌کنند؛ بنابراین، ریشه را بسوزانید و همت بلند دارید که طرف اصلی شما سران کفر هستند. ۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام نقل شده که با اشاره به آیه فوق فرمودند: «طعنه زنندگان به دین کافرند.» «۳» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با پیمان‌شکنان و توهین‌کنندگان به دین، به شدّت برخورد کنید. ۲. در مبارزه، به سراغ سران دشمن و مراکز فرماندهی آنان بروید و آن‌ها را از پای در آورید. ۳. هدف جهاد اسلامی پایان دادن به توطئه و عهدشکنی دشمنان اسلام است. *** خدای متعال در آیه ۱۳ با اشاره به عوامل جنگ با مشرکان، به مسلمانان هشدار می‌دهد از پیکار با دشمن نهراسند، و می‌فرماید: ۱۳. «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که سوگندهایشان را شکستند، و آهنگ اخراج فرستاده [خدا] کردند، پیکار نمی‌کنید؟! و حال آنکه آنان نخستین بار (پیکار) با شما را آغاز کردند؛ آیا از آنان می‌هراسید؟! اگر مؤمنید، پس خدا سزاوارتر است که از (مخالفت) او بهراسید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیرات آیه فوق نشان می‌دهد در میان مسلمانان، گروهی وجود داشتند که از جنگ با دشمن و قدرت آن‌ها می‌ترسیدند که قرآن به آن‌ها هشدار می‌دهد. ۲. شاید که برخی مسلمانان می‌پنداشتند لغو پیمان با مشرکان صحیح نیست؛ از این رو، به آنان پاسخ داده می‌شود که مشرکان خود مقدمات پیمان‌شکنی را فراهم کردند و در جنگ پیش‌قدم شدند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۲ ۳. ظاهراً مقصود از «بیرون کردن فرستاده خدا» اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه در هنگام هجرت ایشان است؛ زیرا نخست قصد اخراج ایشان را داشتند؛ سپس نظرشان تغییر کرد و تصمیم به قتل او گرفتند و این موضوع بیان یک خاطره دردناک از جنایات بت‌پرستان است. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که مشرکان پیمان‌شکن مهاجم بودند و مسلمانان نبردی دفاعی داشتند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اهداف جنگ و سوابق دشمن را برای رزمندگان بیان کنید تا انگیزه بیشتری برای پیکار داشته باشند. ۲. با پیمان شکنانی که به رهبر اسلام توهین کرده و آغازگر نبردند، پیکار کنید. ۳. مؤمن واقعی از (عذاب) خدا می‌هراسد نه از مردم. *** خدای متعال در آیه ۱۴ مسلمانان را به مبارزه با مشرکان فرا خوانده، نتایج آن را بر می‌شمرد و می‌فرماید: ۱۴. «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ؛ با آن (مشرک) ان پیکار کنید، تا خدا آنان را با دستان شما مجازات کند؛ و رسوایشان سازد و شما را بر آنان یاری گرداند و سینه‌های گروه مؤمنان را شفا بخشد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برخی مفسران بر این باورند که مقصود از «گروه مؤمنان» در این آیه، طایفه «بنی خُزاعه» می‌باشد که گروهی از بت‌پرستان ناجوانمردانه بر آنان حمله کردند و یا مقصود گروهی از مسلمانان یمن هستند که وقتی به مکه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۳ آمدند، مورد آزار بت‌پرستان قرار گرفتند؛ اما بعید نیست آیه شامل همه مؤمنانی بشود که به نوعی تحت فشار بت‌پرستان قرار گرفته بودند. ۲. از

آیه فوق استفاده می‌شود که رزمندگان اسلام عوامل اجرایی الهی هستند که خدا به دست آنان دشمنانش را عذاب می کند. ۳. این که در آیه می‌فرماید: «با مشرکان بجنگید، خدا آنان را به دست شما عذاب می کند» بر جبر دلالت ندارد، بلکه منظور آن است که خدا قدرتی در اختیار رزمندگان اسلام گذاشته و نیّت پاکی به آنان داده که می‌توانند با آزادی اراده این کار را انجام دهند؛ همان گونه که به دوست خود می گوییم: امیدوارم خدا با دست تو این کار را اصلاح کند. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که سرنوشت مسلمانان در مسائل اجتماعی با هم پیوند دارد، و پیروزی گروهی، موجب شفا و آرامش دل سایر مؤمنان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. یکی از سنت‌های الهی آن است که خدا کارهای خود را از مسیر طبیعی آن انجام می‌دهد. ۲. جنگ با دشمنان اسلام دست کم چهار نتیجه دارد: پیروزی، عذاب دشمنان، رسوایی آنان و شفای دل مؤمنان. ۳. با دشمنان اسلام پیکار کنید تا نتایج شیرین آن را بچشید. *** خدای متعال در آیه ۱۵ به نتایج دیگر جهاد با دشمنان اسلام و باز بودن راه توبه اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۵. «وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللّهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ و خشم شدیدِ دل‌های آنان را [از میان ببرد؛ و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌پذیرد؛ و خدا دانای فرزانه است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۴ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه قبل یکی از نتایج مبارزه با دشمنان را «شفای دل مؤمنان» معرفی کرد و اینك در این آیه «فروکش کردند خشم دل مؤمنان» را یکی دیگر از آثار مبارزه معرفی می کند. ممکن است این مطلب نوعی تأکید باشد و یا جمله اول، به بهبودی ناراحتی‌ها و درد دل‌های مؤمنان اشاره کند و جمله دوم به آرامش دل آنان بر اثر شکست دشمن اشاره داشته باشد. آری جهاد و پیروزی موجب آرامش روحی و روانی و رفع نگرانی‌ها و تامین کننده بهداشت روانی جامعه است. ۲. در آیه فوق اشاره شده که ممکن است برخی مشرکان در آینده توبه کنند و خدا توبه آنان را بپذیرد، و این نوعی بشارت به مسلمانان بود؛ از این رو، برخی مفسران آیات فوق را از اخبار غیبی قرآن دانسته‌اند؛ زیرا آنچه قرآن بیان کرد، به وقوع پیوست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. جهاد کنید تا بهداشت روانی مومنان تامین شود. ۲. خدا راه توبه و بازگشت را به روی دشمنان اسلام نیز باز گذاشته است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۴

آزمایش الهی و اهداف آن

خدای متعال در آیه ۱۶ به آزمون انسان‌ها از طریق جهاد و حفظ اسرار اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۶. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ آیا پنداشتید که رها می‌شوید، و حال آنکه خدا هنوز کسانی از شما را که جهاد کردند، و جز خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان را، مَحرم اسرار تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۵ نگرفته‌اند، (از دیگران) معلوم نداشته است؟! و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که تنها با ادعای ایمان کارها سامان نمی‌یابد و شخصیت انسان روشن نمی‌شود مگر آن‌که با دو چیز آزمایش شود: نخست، مبارزه با دشمنان خارجی؛ یعنی جهاد در راه خدا. و دوم، مبارزه با دشمنان داخلی؛ یعنی حفظ اسرار و ترک همکاری با منافقان و دشمنان. «۱» ۲. مقصود از «دانستن خدا» در آیه فوق همان «تحقق خارجی مطلب» و نفی معلوم است؛ یعنی خدا هنوز معلوم نداشته است، و گرنه بر طبق دلایل عقلی و آیات قرآن، خدا از همه چیز آگاه است. ۳. مقصود خدا از آزمایش انسان‌ها کشف امور مجهول نیست، بلکه برای پرورش و شکوفا کردن استعدادها و آشکار کردن اسرار درون انسان‌هاست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا با جهاد و حفظ اسرار، مسلمانان را آزمایش می کند. ۲. اسرار جامعه اسلامی را جز با خدا و رسول و مؤمنان در میان نگذارید. ۳. ادعای ایمان کافی نیست و در آزمایش‌هاست که مؤمنان واقعی شناخته می‌شوند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۶ خدای متعال در آیه ۱۷ آباد کردن مساجد توسط مشرکان را ممنوع اعلام می کند و می‌فرماید: ۱۷. «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ؛ برای مشرکان سزاوار

نیست (و حق ندارنـد) که مساجـد خـدا را آباد کنند؛ در حالی که بر ضد خودشان به کفر گواهی می‌دهند! آنان اعمالشان تباه شده است؛ و آنـان در آتشِ (دوزخ)، ماندگارنـد.» نکته‌هـا و اشاره‌هـا ۱. ایـن آیـه در بـاره مسـجد الحرام است، ولی حکم آن به مسـجد الحرام اختصاص ندارد و شامل همه مسـجدها می‌شود. ۲. گواهی مشـرکان بر کفرشان، از سخنان، کردار، مراسم عبادی و حج آنان آشکار می‌شد. ۳. شاید پس از لغو پیمان با مشـرکان و فرمان مبارزه با آنان، یکی از موضوع‌هایی که مطرح شد، آن بود که حضور مشـرکان و کمک‌های مالی آنان سـبب آبادی مسـجد الحرام می‌شود؛ پس چرا آن‌ها را برانیم. آیه فوق در پاسـخ به این پندار اعلام می‌کند که اعمال مشـرکان به خاطر کفرشان بی‌ارزش است، و از نیّت‌های ناپاک، عمل پاک و محصول مفید خدا پسندانه به وجود نمی‌آید. ۴. عمران و آبادی مساجد شامل آبادی ساختمان و تأسیسات و نیز اجتماع و آبادی معنوی آن‌هاست. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که مشـرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند و نه می‌توانند در تعمیر و بنای ساختمان مساجد کمک کنند و همه این امور بایـد به دست مسـلمانان انجام گیرد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۷ ۶. از این آیه و آیه بعـد این مطلب نیز اسـتفاده می‌شود که مسلمانان حق ندارند هدایا و کمک‌های مشرکان و کافران را برای ساختمان مساجد بپذیرند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. هر شخصـی و هر سـرمایه‌ای شایستگی ندارد که در راه آبادانی مساجد به کار گرفته شود. ۲. دست کفار را از مراکز مذهبی مسـلمانان کوتاه کنیـد. *** خدای متعال در آیه ۱۸ شـرایط پنج‌گانه آباد کنندگان مساجد را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللّهَ فَعَسَـى أُولئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ تنها کسـی مساجد خدا را آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده، و نماز را به پا داشته، و [مالیاتِ زکات را بپردازد، و جز از خدا نهراسیده است؛ و امیـد است که اینان از ره‌یافتگان باشـند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. دو شـرط اول آباد کننـده مساجد، یعنی ایمان به مبدأ و معاد، اعتقاد و زیر بنایی است و بدون آن‌ها هیچ عمل پاک، شایسـته و خالصـی از انسان سـر نمی‌زند. ۲. شـرایط سوم و چهارم آباد کننده مساجد، یعنی نماز خواندن و زکات دادن، از شـرایط عملی است؛ یعنی آباد کننده مسجد، هم باید از راه نماز تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۸ ارتباطی اسـتوار با خـدا برقرار کنـد و هم پیونـدش با خلق خـدا از راه پرداخت زکات برقرار باشد. ۳. شرط پنجم آباد کننـده مسـجد آن است که قلبش مملو از عشق به خـدا باشـد، و تنها در برابراو احساس مسـئولیت کنـد و از بنـدگان خدا نهراسد. ۴. همـان‌گونه که ذیل آیه قبل بیان شـد، مقصود از آباد کردن مساجـد، هم آبادی مادی و هم معنوی است، و اموری مانند تعمیر، نظافت، فرش، روشنایی، تدریس، تبلیغ و عمران معنوی را در برمی‌گیرد. ۵. از آیه فوق با توجه به انحصاری که از واژه «انّما» به دست می‌آیـد، اسـتفاده می‌شود که پاسـداران و سـرپرست‌های مساجـد نیز بایـد از میان انسان‌های مؤمن، شایسـته کردار و شـجاع انتخـاب شونـد و دست‌هـای ناپـاک و آلوده از مراکز عبادی و محل اجتماع مسـلمانان کوتاه گردد. بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود خود فروشان را به کوی می فروشان راه نیست (حافظ) ۶. این‌که در باره آباد کننده مساجد فرمود: «جز از نافرمانی خدا نهراسند» اشاره به آن است که آبادی و نگهداری مادی و معنوی مساجد، جز در سایه شهامت و شجاعت ممکن نیست و این‌گونه افراد هستند که می‌تواننـد مساجـد را به کانون‌های انسان‌سازی و کلاس‌های عالی تربیتی و ضـد سـتم تبـدیل کنند و تحت تأثیر هیچ قدرتی قرار نگیرند و جز برنامه‌های الهی در مسـجد پیاده نکنند. ۷. در احادیث اسـلامی بر اهمیت بنای مساجد تأکید شده است؛ همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس مسجدی بنا کند، هر چند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۴۹ به انـدازه لانه مرغی باشـد، خـدا خانه‌ای در بهشت برای او خواهد ساخت.» «۱» و نیز در حـدیث دیگری از ایشان نقل شـده اسـت: «هر کس چراغی در مسـجدی برافروزد، فرشـتگان و حمـل کننـدگان عرش الهی، تـا هنگـامی کـه نـور آن چراغ در مسجد می‌تابـد، برای او آمرزش می‌خواهند.» «۲» ۸. در احادیث اسـلامی برای کسانی که به مسـجد رفت و آمد می‌کنند، بهره‌های فراوانی ذکر شـده است؛ از جمله: پیـدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی‌های مفیـد و ارشاد شدن، دوری از گناه، برخورداری از نعمت و رحمت الهی. «۳» آموزه‌هـا و پیام‌ها ۱. آبـادی مادی و معنوی مساجـد منحصـراً در اختیار انسان‌های مؤمن، شایسـته کردار و شـجاع

است. ۲. آبادی مساجد زمینه ساز رسیدن به (مراتب عالی) هدایت است. ***** خدای متعال در آیه ۱۹ برتری مؤمنان مجاهد را بر خادمان مسجد الحرام یادآوری کرده و می‌فرماید: ۱۹. «أَجَعَلْتُمْ سِقَایَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِ اللّهِ لَایَسْتَوُونَ عِندَ اللّهِ وَاللّهُ لَایَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ؛ آیا آب دادن به حاجیان، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانندِ (کار) کسی قرار دادید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و در راه خدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۰ جهاد کرده است؟! (این دو گروه) نزد خدا مساوی نیستند؛ و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق در کتاب‌های شیعه و اهل سنت این‌گونه حکایت شده که «عباس» عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و «شَیْبَه» به یکدیگر افتخار می‌کردند و عباس به آب‌رسانی خود به حاجیان می‌بالید و شیبه به کلیدداری و تعمیر مسجد الحرام افتخار می‌کرد. علی علیه السلام که سخنان آنان را شنید، فرمود: من با سنّ کم خود، به این افتخار می‌کنم که شما با جهاد من ایمان آوردید. عباس ناراحت شد و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام شکایت کرد و آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «سِقَایَة» به معانی «آب دادن»، «وسیله آب دادن»، «پیمانه آب» و نیز «ظرف بزرگ آب» مثل حوض، آمده است. در مسجد الحرام، در میان چشمه زمزم و خانه کعبه محلی وجود داشته که به نام «سِقایة العباس» مشهور بوده است؛ گویا در آن‌جا ظرف بزرگی می‌گذاشتند، تا حاجیان از آن آب بردارند. ۲. منصب کلیدداری و آبادانی مسجد الحرام احترام فوق العاده داشت؛ زیرا کعبه مقدس‌ترین و بزرگ‌ترین کانون مذهبی حتی در زمان جاهلیت به شمار می‌آمد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۱ ۳. در سرزمین خشک حجاز غالب ایام سال هوا گرم است، و حاجیان نیاز شدیدی به آب دارند، و از این رو، منصب آب‌رسانی و سقایت حاجیان مهم بوده است و این مقام در ردیف منصب کلیدداری خانه کعبه به شمار می‌آمده است. ۴. از این‌که ایمان به خدا و قیامت در برابر آب‌رسانی و آبادانی مسجد الحرام قرار گرفته، استفاده می‌شود که آیه فوق بین حالت شرک و ایمان مقایسه می‌کند، و شاید از این روباشد که در پایان آیه به هدایت نشدن ستمکاران اشاره شده است؛ زیرا اعمال نیک مشرکان نیز با ظلم شرک همراه بوده است «۱» . ۵. آیه فوق در مورد امام علی علیه السلام فرود آمده است، ولی مطلب آیه منحصر به شأن نزول نیست و شامل برتری مجاهدان و مهاجران دیگر نیز می‌شود، هر چند علی علیه السلام بالاترین مصداق آیه است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رزمندگان باایمان از خادمان مسجد الحرام برترند. ۲. مومنان مجاهد را در ارزش‌های اجتماعی و ارائه خدمات با دیگران مساوی قرار ندهید. ***** خدای متعال در آیه ۲۰ بار دیگر برتری مهاجران رزمنده و مؤمن را بیان کرده و می‌فرماید: ۲۰. «الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللّهِ وَأُولئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ کسانی که ایمان آورده، و هجرت کرده، و در راه خدا با اموالشان و جان هایشان جهاد نمودند، نزد خدا رتبه‌ای والاتر دارند؛ و تنها آنان کامیابند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۲ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق بیان کرده که ملاک برتری نزد خدا، سه چیز است: ایمان، هجرت و جهاد با مال و جان «۱» . مترس از جان فشانی گر طریق عشق می‌پویی چو اسماعیل باید سرنهادن روز قربانی ۲. در آیه فوق اشاره شده که جهاد و کوششی در نزد خدا فضیلت دارد که در راه خدا باشد؛ یعنی با نیّت صحیح و در راستای اهداف الهی صورت پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رستگاری و سعادت تنها در سایه ایمان، هجرت و جهاد به دست می‌آید. ۲. مومنان مهاجر و مجاهد را تکریم کنید و آنان را (در امتیازها) بر دیگران برتری دهید. ***** خدای متعال در آیات ۲۱ و ۲۲ به پاداش‌های رزمندگان مؤمن و مهاجر اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. «یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِیهَا نَعِیمٌ مُقِیمٌ* خَالِدِینَ فِیهَا أَبَداً إِنَّ اللّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِیمٌ؛ پروردگارشان آنان را مژده می‌دهد به رحمتی از جانب خویش، و خشنودی و باغ‌های (بهشتی) که در آنجا نعمت‌های پایداری برای آنان است؛* در حالی که در آنجا جاودانه ماندگارند، براستی که خدا، نزدش پاداشی بزرگ است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۳ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات پیشین، سه ویژگی انسان‌های برتر یعنی ایمان، هجرت و جهاد طرح گردید و در این آیات، سه موهبت و پاداش به آنان یعنی رحمت، خشنودی الهی و بهشت طرح گردیده است. ۲. در آیه فوق

پروردگـار خود به رزمنـدگان بشـارت می‌دهـد، و این نشـان دهنـده عظمت و جایگـاه رفیع آنان نزد پروردگار است. حریم عشق را درگه بس بالاتر از عقل است کسـی آن آسـتان بوسد که جان در آستین دارد (حافظ) ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که نعمت‌های بهشتی بر خلاف کالاهای دنیوی، پایدار و همیشـگی است. بزن شمشـیر و مُلک عشق بستان که ملک عشق، ملک پایدار است ۴. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که مقـام «رِضوان» یعنی خشـنودی خـدا، از بزرگ‌ترین مواهب و مقاماتی است که خـدا به مؤمنان مجاهد می‌بخشد، و این چیزی غیر از بهشت و رحمت الهی است «۱» . آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. فرجام مومنان مهاجر و مجاهد، بهشت جاویدان، رضوان و رحمت الهی است. ۲. برای رزمندگان مؤمن و مهاجر پاداش‌های بزرگی در نظر بگیرد. ***

تقدم پیوند مکتبی بر پیوند خویشاوندی

خدای متعال در آیه ۲۳ به مؤمنان در مورد همکاری با پـدران و برادران کافرشان هشـدار داده و می‌فرماید: ۲۳. «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَاتَتَّخِذُوا آبَاءَکُمْ وَإِخْوَانَکُمْ أَوْلِیَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْکُفْرَ عَلَی الْإِیمَانِ وَمَن یَتَوَلَّهُم مِنکُمْ فَأُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای کسـانی که ایمـان آورده‌اید! اگر پدران شـما و برادرانتان، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، (آنان را) سرپرست و یاور مگیرید! و هر کس از شما که آنان را یاور و سـرپرست (خود) قرار دهد، پس تنها آنان ستمکارند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. هنگامی که به مسلمانان دستور جهاد با کافران داده شد، برخی می‌دیدند خویشاوندانشان در میان مشـرکان بت‌پرست هسـتند، که در صورت جنگ باید از آنان چشم بپوشـند. آیه ناظر به حال این افراد بوده و با بیان قاطعی به آنان هشـدار می‌دهد. ۲. در آیه فوق اشاره شـده کسانی که پدران و برادران کافر خود را به عنوان یاور برگزینند، سـتمکارند؛ زیرا این افراد در اثر پیوند با بیگانگان و دشـمنان خدا، هم به خویشـتن، هم به جامعه و هم به فرسـتاده خدا سـتم کرده‌اند. دشـمن اگر دوست شود چند بار صاحب عقلش نشمارد به دوست (سعدی) ۳. مقصود آیه بریدن پیوند دوستی و محبت با خویشاوندان و قطع رحم نیست، بلکه منظور آن است که بر سـر دو راهی‌ها نباید دوستی خویشاوندان مانع اجرای حکم خـدا و جهـاد در راه او گردد و انسـان را از هـدف مقدسـش باز دارد و از این رو است که در آیه ۱۵ سوره لقمان می‌خوانیم: «اگر پدر و مادر تو تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۵ اصـرار دارند چیزی را که شریک خدا نمی‌دانی، برای او شریک قرار دهی، هرگز از آنـان اطـاعت مکن، ولی در زنـدگی دنیـا بـا آنان به نیکی رفتار کن.» ۴. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که پدران کافر بر فرزندان مسـلمان ولایت ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. ضوابط مکتبی را بر روابط خانوادگی مقـدم بدارید. ۲. هر کس ولایت کافران را بپذیرد، از سـتمکاران به شـمار می‌آید. *** خدای متعال در آیه ۲۴ به مسـلمانان هشدار می‌دهد که هدف را از همه چیز مهم‌تر بداننـد و می‌فرماید: ۲۴. «قُلْ إِن کَانَ آبَاؤُکُمْ وَأَبْنَاؤُکُمْ وَإِخْوَانُکُمْ وَأَزْوَاجُکُمْ وَعَشِیرَتُکُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسَادَهَا وَمَسَاکِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَیْکُم مِنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِی سَبِیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّی یَأْتِیَ اللّهُ بِأَمْرِهِ وَاللّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ؛ (ای پیامبر) بگو: «اگر پدران شـما و فرزندانتان و برادران شـما و همسرانتان و خاندان شما، و اموالی که آنها را به دست آورده‌اید، و داد و سـتدی کـه از کسـادی آن هراسـناکید، و خانه‌هـایی کـه بـه آن خشـنودید، نزد شـما از خـدا و فرسـتاده‌اش و جهـاد در راه او محبوب‌تر است، پس در انتظار باشید تا خدا فرمان (عذاب) ش را (به اجرا در) آورد! و خدا گروه نافرمانبردار را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. هنگامی که به مسـلمانان دسـتور جهاد داده شد، برخی به فکر پدران، برادران و فرزندان کافر خویش بودند که می‌بایست با آنان بجنگنـد، و برخی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۶ دل در گرو سـرمایه‌ها و تجارت خویش داشتند که تـا حـد زیـادی در دست مشـرکان بود و بـا مسافرت‌هـای آنـان به مکه رونق می‌گرفت و گروهی نیز که خانه‌های خوبی در مکه داشـتند، از ویرانی یا تعطیلی آن‌ها در جنگ هراس داشـتند. آیه فوق ناظر به حال این افراد بوده و به آنان سـخت هشدار می‌دهد. ۲. در آیه فوق به سـرمایه‌های هشت‌گانه زنـدگی مادی بشـر اشاره شـده است که چهار قسـمت آن‌ها یعنی پـدران، فرزندان، برادران و همسـران، به گروه خویشان نزدیک مربوط است و قبیله نیز به گروه اجتماعی بشـر مربوط می‌باشد و دو قسـمت نیز به سـرمایه و کار

انسان‌ها ارتباط دارند و سرانجام به مسکن و خانه‌های پر ارزش اشاره شده است. ۳. مقصود آیه فوق آن نیست که انسان سرمایه‌های اقتصادی و عواطف انسانی خود را نادیده بگیرد، بلکه منظور آن است که معیار ایمان واقعی را بیان کند. مؤمن واقعی کسی است که بر سر دو راهی حق و باطل، عشق به امور اقتصادی و زن و فرزند و خویشان، او را از خدا، پیامبر و جهاد باز نکند؛ مؤمن واقعی کسی است که امور اقتصادی در نظرش از دین او مهم‌تر نباشد. ۴. آیه فوق شامل همه مسلمانان در همه عصرها می‌شود؛ در جهان امروز نیز اگر مسلمانان برای جهاد آماده نباشند و منافع مادی خود را بر رضای خدا و رسول ترجیح دهند، آینده آنان تاریک خواهد شد و به خطر خواهند افتاد. ۵. ترجیح امور مادی بر خدا، پیامبر و جهاد، نوعی نافرمان‌برداری و فسق است، و این‌گونه دلباختگان زرق و برق زندگی مادی، شایستگی هدایت الهی را ندارند. ۶. در آیه فوق، با جمله‌ای مبهم و سربسته دلباختگان دنیا تهدید شده‌اند؛ یعنی کسانی که منافع مادی خود را بر رضای خدا مقدم می‌دارند، صبر کنند تا کیفر الهی برسد، و یا این‌که خدا پیروزی پیامبرش را از راه دیگری و به واسطه افراد شایسته‌تری تحقق بخشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۷ ۷. در آیه فوق نفرموده است که خویشاوندان و سرمایه‌های مادی خود را دوست نداشته باشید، بلکه فرموده است آن‌ها را بیشتر از خدا و پیامبرش و جهاد دوست نداشته باشید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مسلمانان آماده باشند، در راه اهداف عالی اسلامی از همه چیز و همه کس خود بگذرند. ۲. ایمان واقعی افراد بر سر دو راهی‌ها آشکار و شناخته می‌شود. ۳. رفاه‌طلبانِ مسئولیت‌گریز، مشمول هدایت الهی نمی‌شوند. ۴. دوستی خدا و رسول و جهاد نباید از دوستی خویشان و سرمایه‌هایتان بیشتر باشد. ***

جریان جنگ سخت حنین

خدای متعال در آیه ۲۵ به شکست مسلمانان در جنگ حُنَین با وجود جمعیت بسیار اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۵. «لَقَدْ نَصَرَکُمُ اللّهُ فِی مَوَاطِنَ کَثِیرَةٍوَیَوْمَ حُنَیْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْکُمْ کَثْرَتُکُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْکُمْ شَیْئاً وَضَاقَتْ عَلَیْکُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّیْتُم مُدْبِرِینَ؛ قطعاً خدا شما را در مکان‌های زیادی، و در روز حُنَیْن یاری کرد؛ آن هنگام که تعداد زیادتان، شما را به شگفت آورد، و [لی هیچ چیزی (از خطر) را از شما دفع نکرد، و زمین با گستردگی‌اش بر شما تنگ شد؛ سپس در حالی که پشت (به دشمن) کرده بودید، روی برتافتید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. «حُنَین» نام سرزمینی در نزدیکی شهر طائف است که در سال هشتم هجری پس از فتح مکه، جنگی بین مسلمانان و باقیمانده مشرکان اطراف تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۸ مکه در آن منطقه رخ داد. در این جنگ سپاه اسلام به دوازده هزار نفر می‌رسید که ده هزار نفر از مسلمانان شرکت کننده در فتح مکه و دو هزار نفر از تازه مسلمانان بودند و سپاه دشمن از قبایل سرسختی همچون «هَوازِن» به سرپرستی «مالک بن عَوف» تشکیل شده بود که توطئه کردند تا به مسلمانان حمله کنند. خبر چون به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، دستور داد سپاه اسلام به طرف حُنین حرکت کنند. سپاه بزرگ اسلام که از کثرت جمعیت مغرور بودند، صبح‌گاهان حرکت کردند که با حمله ناگهانی دشمن غافلگیر شدند و پیشقراولان سپاه فرار کردند و نظم لشکر در هم ریخت؛ اما گروهی همچون علی علیه السلام مقاومت کردند و فراریان با فریاد عباس- عموی پیامبر- بازگشتند و سرانجام با یاری خدا سپاه دشمن شکست خورد و صد کشته، تعداد زیادی اسیر و غنائم بسیاری به جای گذاشت، و پس از جنگ نمایندگان قبیله هوازن خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و مسلمان شدند. «۱» ۲. واژه «مَواطِن» جمع «مَوطِن» به معنای محلّی است که انسان برای اقامت دائمی یا موقت خود انتخاب می‌کند. و به میدان نبرد نیز گفته می‌شود؛ زیرا رزمندگان برای مدتی در آن‌جا اقامت می‌کنند. ۳. مقصود از میدان‌های بسیار، جنگ‌هایی است که بین مسلمانان ودشمنان اسلام واقع شد. که گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن‌ها حضور داشت و گاهی حضور نداشت که مجموع این جنگ‌ها (غزوه‌ها و سَرایا) به هشتاد مورد می‌رسد «۲» . تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۵۹ ۴. در جنگ حُنین، پس از شکست ابتدایی، گروهی همچون علی علیه السلام و عباس و چند نفر دیگر که تعدادشان را چهار یا نُه و یا صد نفر نوشته‌اند، در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله ماندند، و

گروه زیادی از افراد تازه مسلمان یا افراد سست عنصر فرار کردند «۱» . آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اگر امداد الهی نباشد، از سپاهیان فراوان نیز کاری ساخته نیست. ۲. مسلمانان از سرنوشت سپاه مغرور اسلام در جنگ حُنین درس عبرت بگیرند. ۳. امدادهای الهی در صحنه‌های نبرد را یادآوری کنید (تا روحیه و ایمان رزمندگان تقویت شود.) *** خدای متعال در آیه ۲۶ به پیروزی نهایی مسلمانان در جنگ حُنین پس از امدادهای الهی اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۶. «ثُمَّ أَنْزَلَ اللّهُ سَکِینَتَهُ عَلَی رَسُولِهِ وَعَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَأَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَذلِکَ جَزَاءُ الْکَافِرِینَ؛ سپس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد؛ و لشکریانی فرود آورد که آنها را نمی‌دیدید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، عذاب کرد؛ و این کیفر کافران است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «سَکینه» در اصل از ماده «سکون» و به معنای یک نوع حالت آرامش واطمینان است، که هرگونه شک، تردید، ترس و وحشت را از انسان دور می‌کند و او را در برابر حوادث سخت ثابت قدم می‌گرداند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۰ در برخی احادیث، «سکینه» به «ایمان» یا «نسیم بهشتی» معنا شده که با پیامبران الهی همراه بوده است «۱» . این تعبیرها بدین جهت است که سکینه با ایمان رابطه دارد و مؤمنان هنگامی که به یاد لطف و مرحمت الهی می‌افتند، بر ایمانشان افزوده «۲» و موجی از امید در دل‌هایشان پدیدار می‌شود. ۲. مقصود از ارتش نامرئی خدا که در آیه فوق بدان اشاره شده، فرشتگان و نیروهای غیبی الهی است که برای تحکیم و تقویت روحیه مسلمانان وایجاد نیروی استقامت در جان و دل آنان فرود می‌آمدند «۳» . ۳. در آیه فوق آمده است که خدا سکینه و آرامش را «بر مؤمنان» فرود آورد و نفرمود «بر شما»؛ زیرا در میان جنگجویان مسلمان برخی افراد منافق و دنیاطلب بودند که سهمی از این آرامش نداشتند. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دشمن ترس نداشت، با این حال، در آیه اشاره شده که سکینه و آرامش هم بر پیامبر و هم بر مؤمنان فرود آمد؛ زیرا پیامبر و مؤمنان به طور طبیعی از فرار لشگر اسلام نگران و مضطرب بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. سزای کفر کافران، عذاب الهی است. ۲. امدادهای الهی رمز پیروزی مسلمانان در جنگ حُنین بود. ۳. برای پیروزی در جنگ، تقویت روحی و نیروی کمکی هر دو لازم است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۱ خدای متعال در آیه ۲۷ راه بازگشت و توبه را می‌گشاید و می‌فرماید: ۲۷. «ثُمَّ یَتُوبُ اللّهُ مِن بَعْدِ ذلِکَ عَلَی مَن یَشَاءُ وَاللّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ؛ سپس خدا- بعد از این (جنگ حُنَین)- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌پذیرد؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق فعل «یَتُوبُ» به صورت مضارع آمده است که بر استمرار دلالت دارد؛ یعنی درهای توبه و بازگشت همواره بر اسیران و فراریان باز است و هر کس شایسته باشد و به توبه واقعی توفیق یابد و به سوی خدا بازگردد، مشمول لطف الهی می‌شود. ۲. درباره این‌که مقصود از «توبه» در آیه فوق چیست، سه احتمال از سوی مفسران مطرح شده است: یکم: توبه مسلمانان فراری از جنگ؛ دوم: توبه از غرور نسبت به فزونی جمعیت؛ سوم: توبه مشرکان اسیر شده. البته مفهوم آیه وسیع است و ممکن است همه این موارد نیز مورد نظر آیه بوده باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا همیشه آماده پذیرش توبه کنندگان است. ۲. توبه کنید و به آمرزش و رحمت الهی امیدوار باشید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۲

وظایف مسلمانان در برابر کافران

خدای متعال در آیه ۲۸ ورود مشرکان به مسجد الحرام را ممنوع اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِکُونَ نَجَسٌ فَلَا یَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَیْلَةً فَسَوْفَ یُغْنِیکُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللّهَ عَلِیمٌ حَکِیمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تنها مشرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسالشان، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، پس در آینده اگر خدا بخواهد، شما را از بخشش‌اش بی‌نیاز می‌سازد؛ [چرا] که خدا دانایی فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. سوره توبه در سال نهم هجری و با اعلام برائت از مشرکان توسط امام علی علیه السلام آغاز شد. در بند چهارم اعلامیه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت کرد، آمده بود که مشرکان حق ورود به مسجد الحرام و طواف کعبه را ندارند؛ این آیه نیز همین مطلب را بیان

می کند. ۲. واژه «نَجَس» به معنای هرگونه پلیدی است که گاهی به صورت حسّی و گاهی به صورت باطنی می‌باشد و اساساً به هر چیزی که طبع انسان از آن متنفر است، نَجَس گفته می‌شود، از این رو، این واژه به دردهای مزمن، اشخاص پست و شرور و فرسودگی نیز گفته می‌شود، «۱» و از آن‌جا که واژه «نَجَس» معانی و مصادیق مختلفی دارد، نمی‌توان گفت این آیه بر نجاست و آلودگی ظاهری کافران مشرک دلالت دارد «۲» . تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۳ ۳. در آیه فوق به کسانی که می‌پنداشتند با نیامدن مشرکان به مکه، تجارتشان از رونق می‌افتد، پاسخ داده که خدا آن را جبران می‌کند؛ همان‌گونه که با گذشت زمان مشاهده گردید که با گسترش اسلام و روانه شدن سیل حاجیان به سوی مکه، این کمبود جبران شد و شهر مکه با آن‌که از نظر جغرافیایی در شرایط خشک و سنگلاخ قرار دارد، به صورت یک شهر آباد و یکی از کانون‌های تجارت در آمد. ۴. از آن‌جا که شرک یک خرافه تنفرآمیز و پلید است، اسلام با آن به شدت برخورد می‌کند و مشرکان را پلید معرفی می‌نماید. ۵. از دو صفت آخر آیه فوق استفاده می‌شود که احکام و قوانین الهی بر اساس علم و حکمت الهی استوار است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اجازه ندهید مشرکان حتی به مسجد الحرام نزدیک شوند. ۲. روزی شما به دست کافران گردشگر نیست، بلکه به دست خداست. ۳. اگر به خاطر دین و دستورهای الهی با کفار قطع رابطه کردید، از نظر مسایل اقتصادی نگران نباشید که خدا جبران می‌کند. *** خدای متعال در آیه ۲۹ وظیفه مسلمانان را در برابر اهل کتاب (همچون یهودیان و مسیحیان) بیان کرده، می‌فرماید: ۲۹. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَايُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلَايُحَرِّمُونَ مَاحَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۴ با کسانی پیکار کنید که از افرادی هستند، که کتاب (الهی) به آنان داده شده، که به خدا، و به روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام‌کرده، ممنوع نمی‌دارند، و به دین حق متدیّن نمی‌شوند تا اینکه [مالیاتِ جِزیه را به‌دست خود بپردازند، درحالی که آنان کوچکند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. اسلام با مشرکان به عنوان «خرافه‌پرستان» به شدت برخورد می‌کند و خواستار جنگ با آن‌ها و ریشه‌کن نمودن آن‌ها می‌شود؛ اما در مورد اهل کتاب همچون یهودیان و مسیحیان، یک درجه تخفیف داده، اجازه می‌دهد در کنار مسلمانان زندگی کنند؛ البته در صورتی که تسلیم و حاضر شوند به عنوان یک اقلیّت زندگی مسالمت‌آمیزی با مسلمانان داشته باشند و اسلام را محترم بشمرند و به تحریکات و تبلیغات مخالف اسلام دست نزنند و مالیات خاصی بنام «جِزیه» بپردازند؛ اما در صورتی که این شرایط را رعایت نکنند، اجازه پیکار با آنان را صادر می‌کند. ۲. واژه «جِزیه» در اصل از ماده «جَزا» گرفته شده و به معنای مالی است که غیر مسلمان در برابر حفظ مال و جانش به واسطه حکومت اسلامی، به مسلمانان می‌پردازد و این یک نوع مالیات سرانه اسلامی است که افراد برای دفاع از موجودیّت و استقلال و امنیت کشور می‌پردازند؛ البته از آن‌جا که مسلمانان وظیفه جهاد را بر عهده دارند، این مالیات بر عهده آنان گذاشته شده، ولی بر عهده افرادی همچون اهل کتاب که تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، گذاشته شده است و از این رو است که کودکان، زنان، پیران و نابینایان اقلیّت‌های مذهبی از پرداخت آن معاف می‌باشند و چون این مالیات در برابر تأمین امنیت کافران تحت حمایت حکومت اسلامی است، اندازه مشخصی ندارد و مقدار آن متناسب با توانایی مالی مالیات دهندگان است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۵ ۳. در آیه فوق اشاره شده که «اهل کتاب»، همچون یهودیان و مسیحیان، به خدا و قیامت ایمان ندارند؛ زیرا آنان به نوعی از شرک گرفتارند؛ همان‌گونه که در آیات بعدی اشاره خواهد شد که یهودیان «عُزَیر» و مسیحیان «عیسی را پسر خدا می‌دانستند و نیز در مورد قیامت عقایدی تحریف شده دارند «۱» . ۴. در آیه فوق به «رسول» و «دین» اشاره شده است؛ برخی مفسران احتمال داده‌اند که مقصود از آن دو حضرت موسی و عیسی و دین حقیقی آن‌ها باشد؛ اما ظاهر آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دین اسلام مراد است. ۵. در آیه فوق اشاره شده که همه پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین، گرفتار انحراف‌های مذهبی و خرافات و آلودگی‌های حرام شده‌اند؛ «۲» بنابراین، باید فکر مذهبی خود را با اسلام نوسازی کنند. ۶. واژه «صاغِرُون» در اصل به معنای کسانی است که به کوچکی راضی شوند؛ یعنی کافران باید مالیات جزیه را به عنوان

خضوع در برابر اسلام بپردازند که نشانه‌ای از همزیستی مسالمت‌آمیز و قبول موقعیت یک اقلیت تحت حمایت و احترام به اکثریت است. شایان توجه است که این تعبیر توهین نیست، بلکه در حقیقت اشاره به شرایط تحت الحمایهٔ بودن (اهل ذِمّه بودن) آن‌ها اشاره دارد؛ یعنی اقلیت‌های مذهبی حق ندارند تبلیغات ضد اسلامی داشته باشند، یا با دشمنان همکاری کنند و یا در راه پیشرفت مسلمانان سدّی ایجاد نمایند که با روح خضوع سازگاری ندارد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با کافران لجوج پیکار کنید تا تسلیم شوند. ۲. از کافران اهل ذمّه، مالیات خاص (جزیه) بگیرید. *** خدای متعال در آیه ۳۰ به انحراف‌های عقیدتی یهودیان و مسیحیان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۰. «وَقَالَتِ الْیَهُودُ عُزَیْرٌ ابْنُ اللّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَی الْمَسِیحُ ابْنُ اللّهِ ذلِکَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ یُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللّهُ أَنَّی یُؤْفَکُونَ؛ و یهودیان گفتند: «عُزَیْر پسر خداست.» و مسیحیان گفتند: «مسیح پسر خداست.» این سخن آنان است در حالی که با دهانشان [می گویند]، که به گفتار کسانی که قبلًا کفر ورزیدند شباهت دارد، خدا آنان را بکشد، چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «عُزَیر» در اصل همان «عَزرا» می‌باشد که در تاریخ یهودیان مطرح شده است؛ به این ترتیب که پس از حمله «بُختُ النَصر»- پادشاه بابل- و ویرانی شهرها و معبدهای یهودیان و سوخته شدن تورات و کشتار، اسارت و انتقال آنان به بابل که حدود یک قرن به طول انجامید، و هنگامی که «کورش»- پادشاه ایران- بر حکومت بابل پیروز شد، عَزرا که یکی از بزرگان یهود بود، نزد کورش رفت و شفاعت کرد که یهودیان به شهرهایشان بازگردند و تورات را بر اساس ذهنیات خود بازنویسی کرد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۷ یهودیان چون «عزرا» را نجات‌بخش آیین خویش می‌دانند «۱» و برای او احترام فوق العاده‌ای قائل‌اند، به او لقب «ابنُ اللّه» (: فرزند خدا) دادند. این لقب در اصل تشریفی بوده است ولی رفته رفته برخی از مردم عوام پنداشتند که به راستی عُزَیر پسر خداست. این تفکر در برخی از مردم زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز وجود داشت و از این رو، در برابر آیات قرآن که این مطلب را بازگو کرد، اعتراض نکردند. امروزه این تفکر انحرافی رفته رفته از میان یهودیان برچیده شده که در حقیقت، حاصل تلاش قرآن کریم در مبارزه با شرک و انحرافات است. ۲. در حدیثی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از یهودیان پرسید: «شما اگر عُزَیر را به خاطر خدمات بزرگش احترام می‌کنید و او را با نام پسر خدا می‌خوانید، پس چرا این نام را بر موسی که از عزیر بیشتر خدمت کرد، نمی‌گذارید؟» یهودیان از پاسخ فرو ماندند «۲». ۳. درباره عقاید مسیحیان در مورد عیسی علیه السلام و پاسخ‌های قرآن کریم در این باره، ذیل آیات ۱۷۲ نساء و ۱۷، ۷۲ و ۱۱۶ مائده سخن گفتیم و بیان کردیم که مسیح علیه السلام هرگز ادعای خدایی یا پسر خدا بودن نداشت و تنها خود را بنده و پیامبر خدا معرفی می‌کرد، و اصولًا معقول نیست که خدای نامتناهی و غیر مادی با یکی از مخلوقات مادی خود رابطه پدر و فرزندی داشته باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۸ ۴. در انجیل‌های مسیحیان پنج بار از «پسر خدا» یاد شده است «۱» که همگی در انجیل «مَرقُس» است؛ برخی موارد از قول ارواح پلید و یک نظامی رومی دشمن نقل شده وبرخی موارد آن نیز بانسخه‌های قدیمی اختلاف دارد «۲» و محققّان بر آنند که این اصطلاح (پسر خدا) نیز در اصل تشریفی و برای احترام بوده است ولی با گذشت زمان به معنای حقیقی آن متحوّل شده است «۳». ۵. در آیه فوق به یک حقیقت جالب اشاره شده که دانشمندان و محققان دین‌شناس پس از قرن‌ها از آن آگاه شدند، و آن مطلب این است که عقاید انحرافی اهل کتاب شبیه عقاید بت‌پرستان قدیمی همچون بودائیان و هندوان است و دانشمندان غرب به این نتیجه رسیدند که حتی عقیده «فرزند خدا» و تثلیث در کتاب‌های هندویی و بودایی یافت می‌شود «۴». ۶. تعبیر «قاتَلَهُم اللّه» در اصل به معنای آن است که «خدا با آنان مبارزه کند و یا آنان را بکشد.» اما برخی مفسران بر آنند که این تعبیر کنایه از لعنت و دوری آنان از رحمت خداست «۵». ۷. از تعبیر قرآن استفاده می‌شود که سخنان یهودیان و مسیحیان درباره پسر خدا بودن عُزَیر و مسیح، نوعی زبان بازی است که خود آنان نیز بدان عقیده ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. عقاید یهودیان و مسیحیان در باره پیامبران، شرک‌آلود و انحرافی است. ۲. علیه کژروان و حق‌گریزان شعار دهید و نفرین کنید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۶۹ خدای متعال در آیه ۳۱ به انحراف‌ها و

شرک عملی یهودیان و مسیحیان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۱. «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِن دُونِ اللّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلهاً وَاحِداً لَاإِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ (آنان) دانشمندانِ (نیکو اثرِ) خویش، و راهبانشان و مسیح پسر مریم را پروردگارانی غیر از خدا قرار دادند؛ و حال آنکه به آنان فرمان داده نشده بود، مگر آنکه معبود یگانه را بپرستند، که هیچ معبودی جز او نیست؛ او منزه است از آنچه (با وی) شریک می‌گردانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. یهودیان و مسیحیان در برابر عالمان و راهبان «۱» خود سجده و عبادت نمی‌کردند؛ اما از آن‌جا که کورکورانه و بدون قید و شرط از آنان اطاعت و پیروی می‌کردند و حتی قوانینی که بر خلاف حکم خدا وضع می‌کردند، واجب می‌شمردند، در حقیقت آنان را بدون توجه عبادت و اطاعت می‌کردند، و از این رو است که به فرموده قرآن، آنان عالمان و راهبان را پروردگار خود قرار می‌دادند و این همان مطلبی است که در برخی احادیث نیز بدان تصریح شده است «۲». ۲. قانون‌گذاری مخصوص خداست و هیچ کس حق ندارد چیزی را برای مردم حلال یا حرام کند و تنها کاری که عالمان می‌توانند انجام دهند، کشف قانون‌های پروردگار و تطبیق آن‌ها بر موارد مورد نیاز است؛ بنابراین، اگر تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۰ شخصی قوانینی ضد احکام الهی وضع کند و کسی آن‌ها را به رسمیت بشناسد و بپذیرد و از آن‌ها پیروی کند، در حقیقت مقام خدایی برای قانون‌گذار بشری قائل شده است و این نوعی شرک عملی یا پرستش غیر خداست. ۳. در آیه فوق معبود دانستن مسیح در نظر مسیحیان جداگانه ذکر شده است؛ زیرا مسیحیان او را واقعاً خدای حقیقی می‌دانند «۱»، در حالی که نسبت به دانشمندان و راهبان خود، فقط اطاعت بی‌قید و شرط داشتند و از سوی دیگر، عقیده الوهیت در مورد مسیح مخصوص مسیحیان است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اطاعت بی‌قید و شرط از قانون‌گذاران بشری، نوعی عبادت غیر خداست. ۲. آیه به ما می‌آموزد که مواظب باشیم در مورد عالمان دین و پیامبران دچار غُلو نشویم و آنان را در حد پروردگار بالا نبریم. ۳. سخن مشترک همه ادیان، توحید و نفی شرک است. *** خدای متعال در آیه ۳۲ تشبیه جالبی در مورد تلاش‌های بی‌نتیجه کافران علیه اسلام بیان کرده و می‌فرماید: ۳۲. «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ [کافران می‌خواهند که نورِ خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند؛ و [لی خدا جز این نمی‌خواهد که نورش را کامل کند، و گر چه کافران ناخشنود باشند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق راه خدا و آیین اسلام و قرآن کریم به نور و روشنایی تشبیه شده که منشأ حیات، زیبائی، رشد، حرکت و آبادانی در زمین است. آری، اسلام آیینی حرکت آفرین است که جامعه انسانی را در مسیر تکاملی به پیش می‌برد و سرچشمه هر خیر و برکتی است. ۲. در آیه فوق تلاش دشمنان اسلام به «فُوت کردن با دهان» تشبیه شده است؛ یعنی آنان می‌خواهند نور آفتاب را با دهان خود خاموش کنند و این نهایت حقارت تلاش یک مخلوق ناتوان را در برابر اراده و قدرت بی‌پایان الهی نشان می‌دهد. چراغی را که ایزد برفروزد هر آنکس پف کند ریشش بسوزد (سنایی) ۳. تعبیر «يُطفِئُوا» در آیه هشتم سوره صف نیز آمده است، ولی در آن سوره با «لام» همراه است. برخی لغویین بر آنند که این تعبیر در آیه فوق به خاموش کردن بدون مقدمه و در آیه هشتم سوره صف به خاموش کردن همراه با مقدمات و اسباب اشاره دارد.» که در هر دو صورت، این تلاش دشمنان اسلام با شکست روبه‌رو است. ۴. واژه «يَأبى به معنای امتناع شدید و جلوگیری کردن از چیزی است؛ یعنی اراده حتمی پروردگار آن است که اسلام پیشرفت کند و تکمیل شود و این مژده‌ای برای مسلمانان است. ۵. از این‌که «يُريدُون» در آیه فوق به صیغه مضارع آمده است، استفاده می‌شود که توطئه‌های دشمنان علیه اسلام همچنان ادامه خواهد داشت. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۲ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آیه به‌کافران هشدار می‌دهد که علیه اسلام تلاش نکنید که نافرجام است. ۲. فروغ الهی دین اسلام ادامه خواهد داشت، اگرچه کافران را ناخوش آید. ***

جهانی سازی مهدوی

خدای متعال در آیه ۳۳ به پیروزی جهانی اسلام اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۳. «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى

الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ؛ او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «هدایت»، دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از «دین حق» اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است. ۲. همراهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با هدایت و دین حق که در این آیه بیان شده، گویا به دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر اشاره دارد؛ زیرا وقتی محتوای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش با حق موافق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی به طور طبیعی بر همه ادیان جهان پیروز می‌گردد. ۳. هر چه دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان‌تر شود، واقعیت‌ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم بهتر نشان می‌دهد و موانع برطرف می‌شود و حق همه جا را فرا می‌گیرد و پیروز می‌شود، هر چند که دشمنان تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۳ مایل نباشند. آری، حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت‌های آفرینش بوده و در نهایت، به شکست محکوم است. ۴. برخی مفسران بر این باورند که مقصود از پیروزی اسلام در آیه فوق، پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان آشکار شده است. برخی دیگر از مفسران با توجه به موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، عقیده دارند که مقصود، پیروزی عملی، عینی و ظاهری است. اما به نظر می‌رسد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می‌شود که در تمام جهان تحقق خواهد یافت و این، واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان به تدریج در حال تحقق است. ۵. در احادیث متعددی آمده است زمانی محتوای آیه فوق تحقق می‌یابد که امام عصر- مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله- ظهور کند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «به خدا سوگند! هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» «۱» البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و به تدریج در حال پیشرفت و تحقق یافتن است، و مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۴ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. دین حق و راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نهایت پیروز می‌شود و بر همه ادیان جهان غلبه می‌کند. ۲. در پی پیروزی نهایی دین حق باشید که فرجام تاریخ روشن است. ۳. ناخشنودی مشرکان مانع تحقق اراده الهی و پیروزی نهایی اسلام نیست. ***

ممنوعیت گنج اندوزی

خدای متعال در آیه ۳۴ به خلافکاری عالمان و راهبان یهود و مسیحیت اشاره کرده و با اعلام ممنوعیت زراندوزی، می‌فرماید: ۳۴. «یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ کَثِیراً مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللّهِ وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند، و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند. و کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند، و آن را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برخی دانشمندان و راهبان یهودی و مسیحی از چند راه اموال مردم را بدون مجوز و به صورت باطل می‌خوردند: نخست آن‌که حقایق دین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام را کتمان می‌کردند تا مردم به اسلام روی نیاورند و هدایایی که به آنان می‌دادند، قطع نشود «۱». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۵ دوم آن‌که با گرفتن رشوه جای حق و باطل را به نفع زورمندان عوض می‌کردند «۱». سوم آن‌که بهشت‌فروشی و گناه‌بخشی می‌کردند و مبالغی در برابر آن می‌گرفتند. ۲. در آیه فوق بیان شده که برخی دانشمندان و راهبان مسیحی و یهودی، مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، شاید این مطلب در اثر روی آوردن آن‌ها به دنیا و خوردن اموال مردم بود، که سبب بدبینی و دور شدن آن‌ها از خدا می‌شد، و یا این‌که آیات الهی را تحریف می‌کردند و یا مخفی می‌نمودند و مردم را در گمراهی نگه می‌داشتند

تا منافع خود را حفظ کننـد، و حتی به مخالفان خود اتهام می‌زدند و محاکمه و محکوم می‌کردند، و اگر چنین نمی‌کردند، شاید در جـامعه امروز جهان میلیاردها کافر وجود نمی‌داشت. ۳. در آیه فوق فرمود: «کثیراً»؛ یعنی بسـیاری از دانشـمندان و راهبـان، خلافکار هسـتند و نفرمود تمام آنان این‌گونه‌انـد، تا حقوق اقلیت شایسـته و سالم آنان محفوظ بماند. ۴. در آیه فوق زرانـدوزی و جمع‌آوری اموال و فراهم آوردن گنـج سـرزنش شده است؛ «۲» زیرا هدف و فلسـفه اصلـی پیدایش پول و طلا «۳» و نقره «۴» برای تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۶ گردش چرخ‌هـای اقتصاد و راحت شـدن مبادلات است، ولی گنج‌انـدوزی مانع این امر و موجب رکود اقتصادی و ضـرر جامعه است. ۵. کیفر زرانـدوزان در آیه فوق عـذاب الهی معرفی شده است، ولی این عذاب منحصـر به روز رسـتاخیر نیست، بلکه مجازات‌های سـخت دنیوی را نیز شامل می‌شود که در اثر پیـدایش اختلاف طبقاتی دامان همگان را می‌گیرد. احـوال گنـج قـارون کایـام داد بر بـاد در گـوش دل فرو خـوان تـا زر نهـان نـدارد (حافظ) ۶. برخی مفسـران عقیـده دارنـد هرگونه گردآوری ثروت که مازاد بر نیازمنـدی‌های زنـدگی باشد، گنج به شـمار می‌آید و بر طبق آیه فوق حرام است، ولی برخی مفسـران دیگر بر طبق احادیث اسـلامی بر این باورند که اگر مالیات زکات اموال جمع‌آوری شده پرداخت شود، دیگر گنج به شمار نمی‌آید «۱». از سوی دیگر، در برخی احـادیث از امـام علی علیه السـلام حکایت شـده است که: «هر مالی بیش از چهار هزار (درهم) باشـد، گنـج اسـت، چـه زکـات آن را پرداختـه باشـی یـا نـپرداختـه و آنچـه کـم‌تر از آن اسـت، هزینـه زنـدگی به شـمار می‌آیـد؛ بنـابراین، ثروت‌انـدوزان را به عـذاب دردناکی بشارت ده.» «۲» در روایـاتی دیگر از امـام صادق علیه السـلام نقل شـده است: «شـیعیان ما فعلًا آزادنـد که از آنچه در دست دارنـد، در راه خیر انفاق کننـد؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کنـد، تمام گنـج‌ها و ثروت‌های اندوخته را ممنوع می‌کند تا همه را نزد او آورند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۷ و از آن در برابر دشمنان کمک گیرند؛ سپس به آیه فوق اشاره کردنـد.» «۱» اما از بررسـی مجموع آیه و احادیث به دست می‌آیـد در شـرایط عادی که جامعه اسـلامی در وضع بحرانی نیست، پرداخت زکات کافی است و باقی‌مانده ثروت حلال، گنج به شـمار نمی‌آید. اما در مواقعی که شـرایط جامعه سخت باشد و حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند، حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع‌آوری ثروت قائل شود؛ همان‌گونه که از زبان امام علی علیه السـلام و در حدیث مربوط به امام زمان علیه السلام نقل شد. ۷. از احادیث فوق و آیه استفاده می‌شود که مقصـود از انفـاق در آیـه اعم از زکـات و غیر آن است. ۸. در تاریـخ آمـده است که ابوذر آیه فوق را صـبح و شـام در برابر معاویه می‌خوانـد و در برابر عثمان به آیه فوق اسـتدلال و زرانـدوزی را محکوم می‌کرد، «۲» تا آن‌جا که به رَبَذه تبعید شد، و این صـحابی بزرگ و راست‌گوی پیامبر صـلی الله علیه و آله در راه اجرای این آیه در آن سرزمین خشک و سوزان، غریبانه جان باخت. آموزه‌ها و پیام‌هـا ۱. برخی دانشـمندان دینی یهـود و مسیحیت از مـوقعیت خـویش سوء اسـتفاده می‌کننـد و انحراف اقتصـادی دارنـد. (شـما این‌گونه نباشید) ۲. زرانـدوزی نکنید و بخل نورزید که موجب عذاب الهی است. *** تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۸ خدای متعال در آیه ۳۵ به کیفرهای زرانـدوزان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۵. «یَوْمَ یُحْمَی عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوَی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هذَا مَا کَنَزْتُمْ لأَنْفُسِـکُمْ فَذُوقُوا مَاکُنتُمْ تَکْنِزُونَ؛ [در آن روزی که در آتش جهنم، بر آن [سکه ها حرارت شدید داده می‌شود؛ و بـا آنهـا پیشانی‌هایشان و پهلوهای آنان و پشـتهایشان را داغ می‌گذارنـد! (و به آنان می‌گوینـد:) این چیزی است که برای خودتـان انـدوختیـد، پس بچشیـد آنچه را که همواره می‌اندوختیـد!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به تجسّم اعمـال در رسـتاخیز اشاره دارد که اعمال انسان نابود نمی‌شود، بلکه در جهان دیگر در برابر انسان مجسّم می‌شود و مایه سـرور یا عـذاب او می‌گردد. ۲. در آیه فوق، از میان اعضای بدن به داغ گذاردن بر سه عضو، یعنی پیشانی، پشت و پهلو اشاره شده است؛ شاید این بدان سبب باشد که انسـان معمولًـا با این سه عضو در برابر محرومان عکس العمل نشان می‌دهـد؛ یعنی زرانـدوزان گاهی صورت در هم می‌کشـند و گاهی روی بر می‌گردانند و به آنان پشت می‌کنند و یا این‌که مقصود از صورت، جلوی بدن و مقصود از کمر، عقب بدن و مقصود از پهلو دو طرف بدن است. ۳. در آیه فوق اشاره شده که «آتش بر سـکه‌ها می‌ریزند» و نفرمود که «سکه‌ها را داغ می‌کنند» تا نشان

دهـد سکه‌ها زیر آتش به خوبی گـداخته و سوزان می‌شونـد، تـا عـذاب زرانـدوزان سـنگ‌دل بیشـتر گـردد. تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۷۹ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. کیفر انسان‌های زراندوز با اعمال آن‌ها در دنیا متناسب است و به وسـیله سکه‌ها عذاب می‌شوند. ۲. از اموال خود بخشـش نمایید؛ زیرا هر گنج و ثروتی که در دنیا انفاق و زکات آن پرداخت نشود، در قیامت مایه عذاب انسان خواهـد بود. *** خدای متعال در آیه ۳۶ مسـلمانان را به جنگ با مشـرکان و رعایت ماه‌های حرام فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۳۶. «إِنَّ عِـدَّةَ الشُّهُورِ عِنـدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَـرَ شَـهْراً فِی کِتَابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِکِینَ کَافَّةً کَمَا یُقَاتِلُونَکُمْ کَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ؛ در حقیقت، تعداد ماه‌ها نزد خدا [از] روزی که آسـمان‌ها و زمین را آفریـده، در کتاب الهی، دوازده ماه است؛ که از آنها چهار [ماه حرام است. این، دین اسـتوار است؛ پس در این [ماه ها به خودتان سـتم نکنیـد؛ و همگی با مشـرکان پیکار کنید، همان گونه که [آنان همگی با شـما می‌جنگند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهـدار) است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «کتـاب اللّه» در آیه فوق ممکن است قرآن، یا سایر کتاب‌های الهی، یا لوح محفوظ و علم خدا و یا کتاب آفرینش و صـحنه هستی باشد که معنای اخیر با توجه به اشاره آیه به خلقت آسـمان‌ها و زمین، منـاسب‌تر است. تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۰ ۲. پس از خلقت منظـومه شمسـی، حرکت زمین به دور خورشـید و حرکت مـاه به دور زمین آغـاز شـد. هر بـار گردش زمین به دور خورشـید یک سال به شـمار می‌رود که در طی آن، کره ماه تقریباً دوازده بـار به دور زمین می‌چرخـد که سـی روز است و به آن «مـاه» می‌گوینـد. این گردش‌هـا تقویمی طبیعی و ارزشـمند به دسـت می‌دهـد که هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. ۳. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که خـدا ماه‌هـای دوازده‌گانه را هنگام آفرینش جهان مقرر کرده است و این یک زمان‌بنـدی ثابت و طبیعی و همگانی است. ۴. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: ذی القعده، ذی الحجه، محرم و رجب که در این ماه‌ها جنگ حرام است و یک آتش‌بس طبیعی در میان مسـلمانان برقرار می‌شود؛ البته اگر دشمن در این چند ماه حمله کند، مسـلمانان حـق دفـاع دارنـد که در این صورت آتش‌بس از سوی دشـمن نقض شـده است «۱». ۵. برخی مفسـران بر این باورنـد که ماه‌های حرام از زمان ابراهیم علیه السـلام به یادگار مانـده است و در عصـر جاهلیت عرب هم به صورت یک سـنّت رعایت می‌شده است، «۲» و از برخی احادیث استفاده می‌شود که ماه‌های حرام در آیین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام نیز وجود داشته است «۳». ۶. یکی از فلسـفه‌های ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام آن است که در جنگ‌های طولانی، صـلح موقت برقرار شود و هنگامی که جنگجویـان در این چهـار ماه، اسـلحه را کنار گذاشـتند و فرصت تفکر و گفتگو پیـدا کردنـد، زمینه صـلح دائمی و پایان جنگ بسـیار زیـاد می‌شود. آری، ممنوعیت جنـگ در ماه‌های حرام، نشانه صـلح‌طلبی اسـلام است. تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۱ ۷. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که زیـان بی‌توجهی به ماه‌هـای حرام به خود انسـان بـاز می‌گردد؛ زیرا بـاعث طولانی شـدن جنگ‌ها و از دست رفتن فرصت صـلح و عبادت و کار می‌شود. ۸. در آیه فوق اشاره شده که مشـرکان بت‌پرست با همه پراکندگی که دارند، در یک صف با شـما می‌جنگند؛ پس شما که اهل توحید و یگانگی هستید، سزاوارتر است با وحدت کلمه در برابر آن‌ها بجنگید. ۹. از این‌که آیه فوق به وحـدت در برابر دشـمن دسـتور می‌دهـد، اسـتفاده می‌شود که لازم است مسـلمانان در مبارزه‌های سیاسـی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خود در برابر دشـمنان هماهنگ شوند آری، به فراموشـی سپردن این فرمان وحدت‌آفرین سبب شکست مسـلمانان و انحطـاط آن‌ها در چنـد قرن اخیر شـده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اسـلام (همـان‌گونه که مکان امن مکه دارد) زمـان امن (: ماه‌های حرام) نیز دارد. ۲. (فریب دشـمن را نخورید و) با مشـرکان به صورت متحد بجنگید. ۳. خدا با خود نگهداران پارساست. *** خدای متعال در آیه ۳۷ یکی از سنّت‌های غلط اعراب جاهلی در مورد ماه‌های حرام را ردّ می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. «إِنَّمَـا النَّسِـیءُ زِیَادَةٌ فِی الْکُفْرِ یُضَـلُّ بِهِ الَّذِینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عَاماً وَیُحَرِّمُونَهُ عَاماً لِیُوَاطِئُوا عِـدَّةَ مَاحَرَّمَ اللَّهُ فَیُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَـالِهِمْ وَاللَّهُ لَایَهْـدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ؛ تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۲ جز این نیست که به تـأخیر انـداختن (و جابه‌جا کردن ماه‌های حرام) افزایشـی در کفر است؛ که با آن کسانی که کفر ورزیدند، گمراه می‌شوند؛ سالی، آن را حلال، و سال

[ديگر] آن را حرام می کنند، تا با تعداد آنچه خدا حرام کرده موافق سازند، و آنچه را خدا حرام کرده، حلال کنند. بدی کردارشان، برای آنان آراسته شده است؛ و خدا گروه کافران را راهنمایی نمی کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «نَسِيءُ» در اصل به معنای «تأخير انـداختن» بوده، و مقصود آن است که اعراب جـاهلی گاهی یکی از ماه‌های حرام را تاخیر می‌انداختنـد؛ یعنی به جای ماه مُحَرم، ماه صفر را انتخـاب می کردنـد تـا در سه مـاه (ذی القعـده، ذی الحجه و محرم) پشت سـر هم جنـگ حرام نباشـد؛ زیرا موجب تضـعیف روحیـه جنگی آنـان می‌شـد و فرصـت غـارت و جنـگ نمی‌یافتنـد. یـا مراد این است که چـون مـاه ذی الحجه در تابسـتان گرم قرار می گرفت، آن را به فصـل ديگرى منتقـل مى كردنـد تـا هوا براى مراسم حـج و تجـارت مناسب‌تر باشـد. ۲. تغيير ماه‌هـاى حرام طى مراسـمی در سـرزمین منی و به واسـطه یکی از سران قبیله بنی کنانه صورت می گرفت؛ یعنی پس از تقاضای مردم برای تغییر ماه‌های حرام، یکی از سـران قبیله یاد شـده در یک اجتماع بزرگ، آن تغییر را اعلام می کرد. ۳. تغییر ماه‌های حرام را قرآن زیاد شـدن کفر شمرده است؛ زیرا که این عمـل سـبب می‌شـد تـا آتش جنگ‌هـا همچنان فروزان بمانـد و مراسم حـج بازیچه دست افراد شود و این مخالفت با دسـتورهای الهی و نوعی «کفر عملی» بود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۳ ۴. در آیه فوق اشاره شده که اعمال زشت این افراد در نظرشان زیبا جلوه می کرد؛ آری، هنگامی که انسان دانسـته در راه خلاف کاری گام نهـد، فروغ وجـدان او کمرنـگ و کمرنـگ‌تر می‌شود و کـار به جـایی می‌رسـد که به تدریـج زشتی گنـاه در نظرش از بین می‌رود و حتی رفته رفته اعمال زشت در نظرش زیبا جلوه می کند. ۵. در آیات دیگر قرآن زیبا جلوه دهنده اعمال زشت در نظر انسان، معرفی و گاهی از «شیطان» و گاهی از «بتان» نام برده شـده است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. بـازی کردن با قوانین الهی نوعی کفر است. ۲. ماه‌های حرام را جابه‌جا نکنید که موجب گمراهی است. ***

بسیج برای جهاد

خدای متعال در آیه ۳۸ با اشاره به جنگ تبوک، به سرزنش افراد سست عنصر پرداخته و می‌فرماید: ۳۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيـلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيـلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِـيتُمْ بِالْحَيَـاةِ الـدُّنْيَا مِنَ الآـخِرَةِ فَمَـا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الـدُّنْيَا فِي الآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»؛ ای کسـانی که ایمان آورده‌ایـد! شـما را چه شـده، که هنگامی که به شـما گفته شود: «در راه خـدا (برای جهاد) بسـیج شویـد.» بر زمین سنگینی می کنیـد؟! آیا به جای آخرت، به زندگی پست (دنیا) راضـی شده‌اید؟! و [حال آنکه کالای زندگی پست (دنیا)، در [برابر] آخرت، جز اندکی نیست.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۴ شأن نزول داسـتان نزول آیه فوق و چنـد آیه پس از آن، بـدین قرار است که پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله پس از بـازگشت از طـائف به سوی مـدینه در سـال نهم هجری، مردم را برای پیکار با رومیان فراخواند و این بار برخلاف روش نظامی خویش که مسیر و مقصد جنگ را مشخص نمی کرد، هدف نهایی را برای آنان آشـکار ساخت تا رزمندگان آمادگی کامل داشـته باشـند؛ زیرا از سویی باید به طرف ابرقدرت آن زمان، یعنی امپراطوری روم شرقی، حرکت می کردند و به منطقه تَبُوک می‌رسیدند که در حدود ۶۰۰ کیلومتری مدینه در مرز شام (سوریه فعلی) بود و از سوی دیگر، فصل تابسـتانِ گرم و زمان برداشت محصولات بود، و رفتن به جنگ دشوار می‌نمود؛ از این رو، برخی مسلمانان سست عنصر دچار تردیـد شدنـد و خود را برای حرکت آماده نکردند. آیه فوق بدین مناسـبت فرود آمد و با لحن کوبنده‌ای به مسـلمانان هشدار داد و آنـان را به جنگ تشویق کرد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. قرآن کریم با مقایسه ارزشـی دنیا و آخرت، انسان‌ها را بر سـر دوراهی قرار می‌دهـد؛ آیـا انسـان به دنیـای پست و کوچـک راضـی می‌شود یـا به سوی جهـان وسیع، بـا عظمت و جاویـدان آخرت گام بر می‌دارد؟ بال بگشا و صـفیر از شجر طوبی زن حیف باشد چوتو مرغی که اسیر قفسی (حافظ) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۵ ۲. در آیه فوق از چهار طریق بر مسئله جهاد تأکید شده است: نخست، از راه خطاب به مؤمنان؛ دوم، از راه فرمان حرکت به سوی میـدان جهـاد؛ سوم، بـا تعبیر «در راه خـدا»؛ چهـارم، با اسـتفهام انکاری در مورد معامله دنیا با آخرت. ۳. از آیه فـوق به خوبی

استفاده می‌شود که دلبستگی مجاهدان به زندگی دنیا، آنان را در جهاد سست می‌کند؛ از این رو، مجاهدان باید انسان‌هایی پارسا و بی‌اعتنا به ظواهر دنیا باشند و بتوانند دل از محل زندگی کنده، به سوی میدان نبرد حرکت کنند. «۱» ۴. در دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزبانان کشورهای اسلامی آمده است: «بار الها! هنگامی که مجاهدان در برابر دشمنان قرار می‌گیرند، فکر این دنیای فریبنده را از نظرشان دور فرما، و اهمیت اموال فتنه‌انگیز و دلربا را از صفحه قلوبشان محو نما.» «۲» ۵. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره مقایسه دنیا و آخرت آمده است: «به خدا سوگند! دنیا در برابر آخرت همچون آن است که یکی از شما انگشت خود را به دریا بزند و سپس برآورد، و بنگرد چه مقدار از آب دریا را با آن برداشته است؟!» «۳» تا کی غم دنیای دنی ای دل دانا حیف است ز خوبی که شود عاشق زشتی (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. کالاهای دنیا در برابر آخرت اندک است. ۲. دلبستگی به دنیا مانع رفتن به جبهه و کمال یافتن انسان است. ۳. انسان برای ابدیتی بزرگ آفریده شده، پس شایسته نیست به دنیای کوچک راضی شود. *** خدای متعال در آیه ۳۹ سست عنصران جنگ تبوک را تهدید کرده و می‌فرماید: ۳۹. «إِلَّا تَنْفِرُوا یُعَذِّبْکُمْ عَذَاباً أَلِیماً وَیَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَیْرَکُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَیْئاً وَاللّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ؛ اگر (برای جهاد) بسیج نشوید، [خدا] با عذابی دردناک شما را مجازات خواهد کرد، و گروهی غیر از شما را جایگزین (شما) می‌کند؛ و هیچ چیزی به او زیان نمی‌رسانید؛ و خدا بر هر چیزی تواناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق هشداری به افراد سست عنصر و ضعیف الایمان است که گمان نکنند با پشت کردن به جهاد، پیشرفت اسلام متوقف می‌شود و می‌توانند ضرری برسانند. آری، خدایی که بر هر چیزی تواناست، می‌تواند گروه جدیدی را برای یاری دین خود برانگیزد. ۲. درباره تفسیر «گروه جدید»، برخی مفسران بر این باورند که منظور تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۷ ایرانیان و یا مردم یمن هستند که با شهامت‌ها و کوشش‌های خود سهم بزرگی در پیشرفت اسلام داشتند؛ البته این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از آن‌ها تمام کسانی باشند که پس از نزول آیات فوق مسلمان شدند و با جان و دل در راه آن فداکاری کردند «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برای جنگ بسیج شوید که کیفر ترک جهاد، عذاب دردناک الهی است. ۲. زیان ترک جبهه‌ها به خدا نمی‌رسد (بلکه خودتان گرفتار ذلّت و شکست و زیان می‌شوید.) ۳. خدا در هر زمانی با گروهی دین خود را یاری می‌کند و اگر شما لیاقت نداشته باشد، ملت دیگری را جانشین شما قرار می‌دهد. *** خدای متعال در آیه ۴۰ به امدادهای الهی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۰. «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِینَ کَفَرُوا ثَانِیَ اثْنَیْنِ إِذْ هُمَا فِی الْغَارِ إِذْ یَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَاتَحْزَنْ إِنَّ اللّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللّهُ سَکِینَتَهُ عَلَیْهِ وَأَیَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ کَلِمَةَ الَّذِینَ کَفَرُوا السُّفْلَی وَکَلِمَةُ اللّهِ هِیَ الْعُلْیَا وَاللّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ؛ اگر او، [یعنی پیامبر] را یاری نکنید، پس حتماً خدا او را یاری کرد، هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین دو [تن بود؛ (همان) هنگام که آن دو در غار (ثَور) بودند، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۸ (همان) وقتی که به همراه خود می‌گفت: «غم مخور که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد؛ و او را با لشکرهایی که آنها را مشاهده نمی‌کردید، تأیید نمود؛ و گفتار (و برنامه) کسانی را که کفر ورزیدند، پست قرار داد؛ و تنها گفتار (و برنامه) خدا والاست؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. این آیه می‌فرماید خدای متعال پیامبرش را بارها با لشگریان نادیدنی یاری کرده که در آیاتی دیگر، از مواردی مانند امدادهای الهی در جنگ بدر و حنین یاد شده است «۱». ۲. در آیه فوق اشاره شده که خدا «سَکینه» یعنی آرامش و اطمینان خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آورد و در آیات دیگر قرآن نیز به این موضوع اشاره شده بود که در هنگام خطر و سختی، خدا آرامش خود را بر پیامبرش فرود می‌آورد «۲». ۳. در آیه فوق به جریان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه اشاره شده و امداد الهی به پیامبر در آن موقع خطرناک و حسّاس یادآوری گردیده است. مشرکان مکه نقشه قتل پیامبر را کشیده بودند که با خوابیدن امام علی علیه السلام به جای ایشان، این توطئه خنثی شد و در نهایت، پیامبر صلی الله علیه و آله مجبور گردید مکه را ترک کند که در آیه به عنوان «اخراج پیامبر» از آن یاد شده است «۳». پیامبر اسلام برای بیرون رفتن از مکه و برای آن‌که مشرکان که در تعقیب

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۸۹ او بودند، به ایشان دست نیابند، نخست به غار «ثَور» رفت که در جنوب مکه و در جهت مخالف راه مدینه قرار داشت و پس از سه روز که مشرکان از جستجو ناامید شدند و خطر برطرف شد، به سوی مکه حرکت کرد و پس از چند روز به مدینه رسید. در این سفر «ابو بکر» نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در آیه فوق به صورت سربسته و با عنوان مُصاحِب و همنشین یا همسفر به او اشاره شده است. ۴. برخی مفسران قرآن بر این عقیده‌اند که آیه فوق فضیلتی برای ابوبکر است «۱». اما برخی دیگر از مفسران بر این باورند که آیه فوق در صدد مذمّت شخصی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله است که ناراحت بود و پیامبر ناگزیر شد او را دلداری دهد. ۵. مقصود از «کلمهٔ» در آیه فوق می‌تواند برنامه، مکتب، هدف، گفتار و سنت و اراده الهی باشد «۲» که از برنامه و مکتب کافران برتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا حامی (اسلام و) رهبر آن است. ۲. آرامش، هدیه‌ای الهی است. ۳. سخن، اراده و برنامه الهی بالاتر از برنامه و سخن کافران است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۰ خدای متعال در آیه ۴۱ مسلمانان را به حرکت همگانی به سوی جبهه و جهاد فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۴۱. «انفِرُوا خِفَافاً وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ؛ سبکبار و گرانبار (به سوی جهاد) بسیج شوید، و با اموالتان و جان‌هایتان در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «خِفاف» جمع خفیف و واژه «ثِقال» جمع ثقیل است. این دو واژه معنای جامعی دارند که همه حالات انسان را در برمی‌گیرد؛ یعنی اگر مجرد باشید یا متأهل، جوان باشید یا پیر، بچه‌های کمی داشته باشید یا عیال‌وار باشید، ثروتمند باشید یافقیر و بدون گرفتاری باشید یا گرفتار، در هر صورت لازم است در جهاد آزادی‌بخش شرکت جویید و همه کارها و بهانه‌ها را کنار بگذارید. ۲. آیه فوق مسلمانان را به جهاد همه جانبه و فراگیر با مال و جان فرا می‌خواند؛ زیرا مسلمانان در جنگ تبوک در برابر امپراطوری روم- یکی از ابر قدرت‌های آن زمان- قرار گرفته بودند و بدون یک جهاد همه جانبه پیروزی بر آنان ممکن نبود. ۳. جهاد و فداکاری در راه خدا، به نفع خود شماست، البته اگر به این مطلب توجه کنید که: جهاد کلید سربلندی و عزّت و برطرف کننده ذلّت است، و هیچ ملتی بدون جهاد به آزادی واقعی و عدالت نخواهد رسید، و راه رسیدن به سعادت جاویدان، شرکت در این جهاد مقدس است. ۴. حکایت شده که برخی اصحاب کهن‌سال پیامبر صلی الله علیه و آله همچون أبو ایّوب انصاری، مقداد و ابو طَلحه در سنّ پیری آماده حرکت به سوی جبهه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۱ می‌شدند و هنگامی که به آنان گفته می‌شد: «شما سال‌خورده‌اید»، آیه فوق را تلاوت می‌کردند «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با تمام توان مالی و جانی، در راه خدا بجنگید. ۲. همگان در بسیج عمومی و جهاد آزادی‌بخش اسلام شرکت نمایید. ***

نشانه های منافقان

خدای متعال در آیه ۴۲ به افراد فرصت‌طلب و منافق‌صفتی که از رفتن به جنگ تبوک خودداری می‌کردند اشاره می‌نماید و می‌فرماید: ۴۲. «لَوْ كَانَ عَرَضاً قَرِیباً وَسَفَراً قَاصِداً لَاتَّبَعُوكَ وَلكِن بَعُدَتْ عَلَیْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَیَحْلِفُونَ بِاللّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ یُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللّهُ یَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ اگر (بر فرض دعوت تو به سوی غنیمتِ) ناپایدار نزدیکی، و سفری کوتاه (و آسان) بود، حتماً از پی تو می‌آمدند؛ و لیکن (اکنون در مورد جنگ تبوک) آن راه پر مشقت بر آنان دور است. و بزودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «اگر (بر فرض) توانایی داشتیم، حتماً همراه شما بیرون می‌آمدیم!» (آنان با کردار و گفتارشان) خودشان را به هلاکت می‌افکنند؛ و خدا می‌داند که آنان قطعاً دروغ‌گویند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به منافقان و افراد سست‌عنصر در جنگ تبوک اشاره می‌کند که بخاطر فاصله دور آن با مدینه (ششصد کیلومتر) و هوای گرم تابستان و تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۲ فصل جمع‌آوری محصولات و دشمن قدرتمند، یعنی امپراطوری روم، بهانه‌جویی می‌کردند و با قسم‌های دروغ می‌خواستند از جهاد فرار کنند. ۲. آیه فوق در مورد منافقان تن‌پرور و فرصت‌طلب جنگ تبوک است که در سفرهای کوتاه و جنگ‌های پر

غنیمت با سپاه اسلام همراهی می‌کردند، ولی در جنگ‌های سخت و دور بهانه می‌آوردند و در نبرد شرکت نمی‌کردند؛ «۱» اما این موضوع منحصر به این جنگ و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه در هر جامعه‌ای این‌گونه افراد وجود دارند که در هنگام راحتی، خود را شریک معرفی می‌کنند، ولی در سختی‌ها به کناری می‌روند و بهانه می‌آورند. ۳. منافقان و فرصت‌طلبان دو نشانه دارند: نخست آن‌که در سفرهای آسان و غنایم زودیاب با تو همراهاند، نه در سفرهای دور و جنگ‌های مشکل، و دوّم آن‌که سوگندهای دروغ یاد می‌کنند تا از شرکت در جهاد فرار کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان تن‌پرور و فرصت‌طلب، در نهایت، خود را به هلاکت می‌اندازند. (نه دیگران را). ۲. منافقان را از راحت‌طلبی، جنگ‌گریزی وسوگندهای دروغشان بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۳ خدای متعال در آیه ۴۳ به لزوم شناخت منافقان در هنگام نبردهای دشوار اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۳. «عَفَا اللّهُ عَنکَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْکاذِبِینَ؛ خدا تو را بخشید؛ چرا به آن (منافق) ان رخصت دادی، (و صبر نکردی) تا آنکه کسانی که راست می‌گویند برایت آشکار شوند و دروغ‌گویان را بشناسی؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که گروهی از منافقان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و عذر و بهانه می‌آوردند، تا رخصت بگیرند و در جنگ تبوک شرکت نکنند و پیامبر به آنان رخصت داد؛ آنان با شرکت خود در نبرد نه تنها کمکی به مسلمانان نمی‌کردند، بلکه با سخن‌چینی و فساد و ایجاد نفاق بر مشکلات آنان می‌افزودند. «۱» ۲. در مورد آیه فوق دو تفسیر وجود دارد: نخست آن‌که پیامبر صلی الله علیه و آله با رخصت دادن به منافقان شاید مرتکب «ترک اولی شده باشد»؛ زیرا اگر به آنان اجازه نمی‌داد در مدینه بمانند، ماهیت منافقانه آن‌ها زودتر روشن می‌شد؛ از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله گناهی مرتکب نشد، ولی رخصت ندادن به آن‌ها بهتر بود و به همین دلیل، لحن آیه سرزنش‌آمیز است. دومین تفسیر احتمالی آیه این است که عتاب و خطاب آیه فوق کنایی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۴ بوده و روح نفاق منافقان را بیان کرده است؛ همان‌گونه که اگر ستمگری بخواهد فرزند شما را بزند و دوست شما دست او را بگیرد، شما به کنایه می‌گویید: چرا نگذاشتی بزند تا همگان این ستمگر را بشناسند. ۳. مقصود از شناسایی منافقان در آیه فوق آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله از راه علم عادی و با مدارک روشن آنها را بشناسد، آن‌گونه که مسلمانان نیز از نفاق آنان آگاه شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. در هنگام نبردهای سنگین، راست‌گویان از دروغ‌گویان بازشناخته می‌شوند. ۲. منافقان را از عمل‌کردشان در زمان جنگ بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۴۴ شرکت در جهاد را یکی از نشانه‌های مؤمنان راستین معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۴۴. «لَا یَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ أَن یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللّهُ عَلِیمٌ بِالْمُتَّقِینَ؛ کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای [ترک جهاد با اموالشان و جان‌هایشان، از تو رخصت نمی‌گیرند؛ و خدا به (حال خود نگهداران و) پارسایان داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به یکی از نشانه‌های مؤمنان راستین اشاره می‌کند که چون فرمان جهاد صادر می‌شود، بدون هیچ‌گونه سستی، به جبهه می‌شتابند و برای شرکت در جهاد رخصت نمی‌خواهند. «۱» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۵ ۲. در آیه فوق اشاره شده که ایمان به خدا و مسئولیت‌های مؤمنان در برابر او، و ایمان به رستاخیز و دادگاه عدل الهی، مؤمنان را به لبیک‌گویی در برابر فرمان جهاد فرا می‌خواند و از این رو است که بهانه و عذر وجود دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان، آماده و گوش به فرمان جهاد داشته باشند (و بهانه‌جویی و فرصت‌طلبی نکنند). ۲. ایمان به مبدأ و معاد عامل حضور در جبهه و ایثار اقتصادی است. *** خدای متعال در آیه ۴۵ دو نشانه منافقان فرصت‌طلب اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۵. «إِنَّمَا یَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ لَایُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِی رَیْبِهِمْ یَتَرَدَّدُونَ؛ تنها کسانی از تو رخصت (ترک جهاد) می‌طلبند، که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند، و دل‌هایشان به شک افتاده است، پس آنان در تردید خویش، سرگردانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که این گروه هم به خدا و رستاخیز ایمان ندارند و هم به جهت حفظ ظاهر، خود را مسلمان جلوه می‌دهند و برای شرکت نکردن در جهاد از پیامبر صلی الله علیه و آله رخصت می‌گیرند تا کارهای خود را توجیه کنند. «۱» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۶ ۲.

در آیه فوق بیان شده که منافقان همواره در تردید، دودلی و شک به سر می‌برند و از این رو، گاهی قدم به پیش می‌نهند و گاهی باز می‌گردند؛ زیرا هدف و تصمیم آنان نامشخص است. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که بهانه‌جویی و اجازه گرفتن برای شرکت نکردن در جهاد و نیز تردید و دودلی از نشانه‌های منافقان است. این دو نشانه مخصوص منافقان صدر اسلام و جنگ تبوک نبوده و اکنون نیز منافقان همین‌گونه‌اند. ۴. در آیه فوق اشاره شده که فرار منافقان از جهاد به دلیل ایمان نداشتن به مبدأ و معاد می‌باشد و از این رو است که آنان در کام تردید و شک فرو رفته‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. جنگ، میدان آزمون باورها و اعتقادات است. ۲. عامل فرار از جبهه، ایمان نداشتن به مبدأ و معاد است. ۳. منافقان فرصت‌طلب را در عمل‌کردشان به هنگام جنگ بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۴۶ به بی‌توفیقی منافقان برای شرکت در جهاد اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۶. «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلٰكِن كَرِهَ اللّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ؛ و اگر (بر فرض منافقان) می‌خواستند که (به سوی میدان جهاد) بیرون روند، حتماً وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند؛ و لیکن خدا از انگیزش آنان (برای جهاد) ناخشنود بود؛ پس آنان را باز داشت؛ و [به آنان گفته شد: «با فرونشستگان (از جهاد) بنشینید!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۷ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق یکی دیگر از نشانه‌های دروغ‌گویی منافقان را بیان کرده است و در حقیقت، این آیه تکمیل و شاهد مطلب آیات قبل می‌باشد که به دروغ‌گویی آنان اشاره می‌کرد. ۲. در مورد بخش پایانی آیه که به منافقان فرمان فرو نشستن می‌داد، برخی مفسران احتمال داده‌اند که مراد سخن خدا یا سخن پیامبر و یا ندای باطنی خودشان باشد، «۱» ولی بهتر است بگوییم: این یک فرمان تکوینی و به مقتضای عقیده فاسد و اعمال زشت منافقان است که به صورت سلب توفیق انجام می‌گیرد، نه منع عملی. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که هر نیت و عملی اقتضایی دارد که خواسته یا ناخواسته دامن انسان را می‌گیرد، و هر کسی شایستگی و توفیق شرکت در کار بزرگ جهاد را ندارد، و خدا این توفیق را بهره انسان‌های شایسته می‌کند. ۴. برخی مفسران از آیه فوق استفاده کرده‌اند که مقدمه واجب، واجب است؛ «۲» یعنی اگر منافقان قصد جهاد دارند، می‌بایست مقدمات آن را فراهم می‌کردند؛ البته می‌توان گفت این مطلب در این‌جا، نشانه‌ای بر تصمیم نداشتن منافقان است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را به هنگام رفتن به جبهه بشناسید؛ زیرا آنان هرگز تصمیم به جهاد ندارند. ۲. شرکت در جهاد توفیقی الهی است که از نااهلان گرفته می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۸ خدای متعال در آیه ۴۷ به زیان‌های شرکت منافقان در جبهه اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۷. «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ اگر (بر فرض منافقان در نبرد تبوک) با شما خارج می‌شدند، جز فساد (و اضطراب و تردید) بر شما نمی‌افزودند؛ و مسلماً به سرعت در بین شما به فتنه‌جویی (و تفرقه‌افکنی بین) شما می‌پرداختند؛ و در میان شما کسانی (جاسوس هستند که) برای آنان کاملًا گوش فرا می‌دهند؛ و خدا به (حال) ستمگران داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به این واقعیت اشاره دارد که شرکت نکردن منافقان در جبهه، نه تنها تأسف‌انگیز نیست، بلکه جای خوشحالی دارد؛ زیرا حضور آن‌ها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه سرچشمه مشکلات تازه‌ای نیز می‌شوند؛ یعنی حضور منافقان در جبهه، با روحیه‌ای فاسد و همراه تردید، اثری جز ایجاد تردید، شک و فساد در میان سپاهیان اسلام ندارد «۱». ۲. منافقان افرادی فتنه‌گر هستند که به سرعت موجب تفرقه و اختلاف در سپاه می‌شوند؛ آنان جاسوسی می‌کنند و به دوستان خود خبر می‌دهند. «۲» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. حضور منافقان در جبهه، عامل فتنه، تفرقه، تردید (و تضعیف روحیه) سپاهیان است. ۲. مراقب ساده‌لوحان سپاه و جاسوسان نفوذی منافقان باشید. *** خدای متعال در آیه ۴۸ به سابقه فتنه‌گری منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۸. «لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ؛ قطعاً (منافقان) پیش از (این نیز) فتنه‌جویی کردند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند؛ تا آنکه حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت، و حال آنکه آنان ناخشنود بودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق یا به جنگ احد و کارشکنی‌های منافقان به رهبری «عبد اللّه بن ابی» اشاره دارد که از نیمه راه نبرد بازگشتند، و یا به سایر مواردی اشاره می‌کند که منافقان علیه پیامبر صلی الله علیه و

آله و مسلمانان توطئه کردند که غالباً در تاریخ ثبت شده است. ۲. در آیه فوق به پیامبر خطاب شده که منافقان می‌خواستند کارها را برای تو دگرگون و واقعیت‌ها را تحریف کنند و نقشه‌ها کشیدند تا اوضاع مسلمانان را درهم بریزند و آنان را از جهاد باز داشته، اطراف تو را خالی کنند، ولی هیچ یک از این توطئه‌ها به جایی نرسید. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۰ ۳. در آیه فوق اشاره شده هرگاه خدا بخواهد حق را پیروز کند، ناخشنودی دیگران نمی‌تواند تاثیری داشته باشد. ۴. آیات فوق گرچه در مورد منافقان صدر اسلام است، به زمان خاصی اختصاص ندارد و شامل حال منافقان در هر عصری می‌شود. آری، در هر جامعه‌ای گروهی منافق وجود دارند که می‌کوشند با سمپاشی‌های خود افکار مردم را درهم بریزند و وحدت را از بین ببرند و تخم تردید بپاشند، ولی اگر جامعه بیدار باشد و به جهاد و مراقبت همّت گمارد، بی‌تردید با یاری خدا، همه نقشه‌ها خنثی می‌شود؛ زیرا پیروزی نهایی با پیروان حق است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. امدادهای الهی است که نقشه‌های منافقان را برباد می‌دهد. ۲. منافقان را از فتنه‌گری و دگرگون نشان دادن کارها بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۴۹ به بهانه‌تراشی منافقان برای ترک جهاد اشاره کرده و با تهدید کردن آن‌ها می‌فرماید: ۴۹. «وَمِنْهُم مَن یَقُولُ ائْذَن لِی وَلَا تَفْتِنِّی أَلَا فِی الْفِتْنَهِٔ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَهٌٔ بِالْکَافِرِینَ؛ و از آن (منافق) ان کسی است که می‌گوید: «به من رخصت [ترک جهاد] بده، مرا به (گناه و) فتنه مینداز!» آگاه باشید که (هم اکنون) در فتنه (و گناه) سقوط کرده‌اند؛ و قطعاً جهنم، بر کافران احاطه دارد.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۱ شأن نزول داستان نزول این آیه چنین حکایت شده است که در هنگام آماده شدن مسلمانان برای جنگ تبوک، یکی از رؤسای طایفه «بَنِی سَلْمه» که منافق بود، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: به من اجازه بده که در جهاد شرکت نکنم؛ زیرا به زنان علاقه دارم و می‌ترسم در جنگ با رومیان، دختران آنان را ببینم و مفتون شوم و دست از کارزار بکشم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او رخصت داد در جهاد شرکت نکند و آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و بهانه‌تراشی این منافق را محکوم کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به ما می‌آموزد که یکی از راه‌های شناخت منافقان، دقت در شیوه استدلال آنان و عذرهایی است که برای ترک انجام وظایف لازم خویش می‌آورند که اغلب به موضوعاهایی جزئی و ناچیز می‌پردازند تا موضوع‌های کلی و مهم را نادیده انگارند. آنان با بهانه شبهه شرعی و نیفتادن به گناه، با رهبران الهی و فرمان جهاد مخالفت می‌کنند. ۲. مفسران درباره چگونگی احاطه جهنم به کافران چند دیدگاه دارند: - به باور برخی، این جمله کنایه از عوامل ورود به جهنّم است؛ یعنی گناهان، کافران را احاطه کرده است. - برخی نه عقیده دارند که این مطلب برای بیان حوادث حتمی آینده می‌باشد؛ یعنی به طور حتم در آینده جهنم کافران را احاطه خواهد کرد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۲ - این احتمال نیز وجود دارد که جهنم هم اکنون در باطن جهان موجود و کافران را احاطه کرده است، هر چند هنوز فرمان تأثیر کردن آن صادر نشده؛ البته امکان دارد هر سه معنا مقصود آیه باشد و جمع آن‌ها منافاتی ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. فرجام منافقان کفر و آتش جهنّم است. ۲. منافقانِ کافرکیش در فتنه‌گری غرق شده و آتش، وجود آنان را فرا گرفته است. ۳. منافقان برای فرار از جهاد و فریب متدیّنان، از بهانه‌های مذهبی استفاده می‌کنند. (پس مراقب آن‌ها باشید) ۴. منافقان را از جهاد گریزی و بهانه تراشی آنان بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۵۰ با اشاره به سخنان منافقان، به یکی دیگر از نشانه‌های آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۰. «إِن تُصِبْکَ حَسَنَهٌٔ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْکَ مُصِیبَهٌٔ یَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَیَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ؛ اگر نیکی به تو برسد، آن (منافق) ان را ناراحت می‌کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: « (ما تصمیم) کار خود را پیش از [این گرفته‌ایم.» و روی بر می‌تابند و حال آنکه آنان شادمانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «نیکی» در آیه فوق اعم از غنائم جنگی یا پیروزی بر دشمن و یا پیشرفت‌های دیگر است. ۲. این‌که منافقان در برابر نیکی‌هایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد، ناراحت تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۳ می‌شوند، دلیل دشمنی باطنی و بی‌ایمانی آن‌هاست، و گرنه مؤمنان از شادی پیامبر دلشاد می‌شوند. ۳. در آیه فوق اشاره شده که منافقان گزافه‌گو و مدعی عقل، درایت و تدبیر هستند و گمان می‌کنند اگر در جبهه‌ای شرکت نکردند و طعم مشکلات را نچشیدند، زرنگی کرده‌اند، در حالی که خود را از مواهب الهی و

ثواب‌های او محروم کرده‌اند. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان از حوادث تلخی که برای مؤمنان به وجود می‌آید، به نفع مقاصد خود سوء استفاده تبلیغاتی می‌کنند. ۵. آیه فوق خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی مطلب آن شامل مؤمنان حقیقی نیز می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را در هنگام سختی‌ها و واکنش آنان در برابر حوادث تلخ و شیرین بشناسید. ۲. منافق در شادی مؤمنان ناخشنود و در ناراحتی آنان خشنود است. (پس او را بشناسید و مراقب وی باشید.) ***

رابطه سرنوشت و کوشش های ما

خدای متعال در آیه ۵۱ به گفتار منافقان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۵۱. «قُل لَن یُصِیبَنَا إِلَّا مَاکَتَبَ اللّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ بگو: «جز آنچه خدا بر ما مقرر داشته، به ما نمی‌رسد؛ او سرپرست ماست؛ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکّل کنند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که مؤمنان، تحت ولایت و سرپرستی خدا هستند و آنچه او مقرر کرده، به آنها می‌رسد. آری، مولای حکیم و مهربان جز خیر و نیکی برای بندگانش نمی‌خواهد. ۲. آیه فوق بر جبر دلالت نمی‌کند و با اصل آزادی اراده و اختیار انسان منافات ندارد؛ زیرا سرنوشت انسان تا آن‌جا که به کوشش ما مربوط است، به دست خود ماست و آیات قرآن نیز بدین مطلب اشاره دارند؛ «۱» اما برخی مطالب خارج از دایره تلاش ما، تحت قدرت تقدیر الهی است که بر اساس قانون علیت، به علم، حکمت و اراده خدا منتهی می‌شود؛ البته این مقدرات بر اساس نظام احسن و مصلحت بندگان و بر طبق شایستگی‌هایی که افراد کسب می‌کنند، به صورت متناسب تقدیر شده است. ۳. آیه فوق در صدد بیان این مطلب است که اگر منافقان، خودشان با عقل ناقص برای خویشتن برنامه‌ریزی می‌کنند، برای مؤمنان خدای آنها که مولا و سرپرستی حکیم و مهربان است، برنامه‌ریزی و تقدیر می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان جز بر خدا تکیه نکنند. ۲. اعتقاد به تقدیر الهی را ابراز کنید (که موجب آرامش مومنان و ناامیدی منافقان می‌شود.) *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۵ خدای متعال در آیه ۵۲ به سرنوشت سعادت‌آمیز مؤمنان و فرجام عذاب‌آلود منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۲. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِکُمْ أَن یُصِیبَکُمُ اللّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِندِهِ أَوْ بِأَیْدِینَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ؛ بگو: «آیا برای ما، جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟! و [لی ما برای شما انتظار داریم که خدا، عذابی از نزد خود و یا به‌دست ما به‌شما برساند؛ پس‌انتظار بکشید، که ما (هم) با شما منتظریم!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «احدَی الحُسْنَیین» (: یکی از دو نیکی) همان پیروزی بر دشمن و یا شهادت در راه خداست که هردوی آنها برای مؤمنان مایه افتخار و سعادت است. ۲. مهم انجام وظیفه است نه نتیجه: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: «این دنیا، چه خوش و چه ناخوش، خواهد گذشت و همه به سوی دار جزا خواهیم رفت؛ چه بهتر که عمر کوتاه را در راه خدمت به اسلام و مسلمین صرف کنیم تا در پیش‌گاه مقدس حق تبارک و تعالی سرافراز و در سلک خدمت‌گزاران درآییم ... «۱» اگر انسان به وظیفه الهیّه موفق شود، نتیجه حاصل است، چه به نتیجه منظوره برسد یا نه ....» «۲» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۶ ۳. آیه فوق به این حقیقت اشاره می‌کند که شکست و ناکامی در قاموس مؤمنان راه ندارد، و چه کشته شوند یا دشمن را شکست دهند، پیروزند. ۴. آیه فوق رمز اصلی همه پیروزی‌های مسلمانان صدر اسلام را بیان کرده است؛ مجاهدانی که با این روحیه به میدان می‌رفتند، هیچ‌گاه فکر فرار در سر نمی‌پروراندند و از هیچ‌کس نمی‌هراسیدند و بدین صورت بود که ارتشی شکست‌ناپذیر از مسلمانان پدید آمد. ۵. آیه فوق دو پیروزی مسلمانان را به صورت سربسته بیان می‌کند، ولی دو شکست منافقان را توضیح می‌دهد؛ گویی مقصود از پیروزی‌های مسلمانان آن‌قدر روشن است که به توضیح نیاز ندارد. ۶. در برخی روایات اشاره شده که یکی از دو نیکیِ در حال صلح برای مؤمنان، رزق دنیا یا اجابت دعوت حق، و یا مرگ در راه اطاعت خدا یا درک زمان ظهور امام عصر (عج) است «۱». روشن است که این گونه احادیث مصداق‌های دو نیکی را در زمان‌های مختلف بیان می‌کنند. ۷. در آیه فوق اشاره شده که منافقان یا به دست مجاهدان اسلام کشته می‌شوند و به

دوزخ می‌رونـد، و یا بدون جنگ می‌میرند و گرفتار عذاب الهی می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان هیچ‌گاه شکست نمی‌خورند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۷ ۲. پیروزی یا شهادت برای مؤمنان هر دو نیکی و سعادت است. ۳. سرنوشت منافقان در هر صورت عـذاب آلود است. ۴. وظیفه خود را انجام دهیـد و به نتیجه کار نیندیشیـد که در هر صورت نیکی است. *** خـدای متعـال در آیه ۵۳ به بی‌ثمر بودن بخشـش‌های منافقـان و علت آن اشـاره کرده و می‌فرمایـد: ۵۳. «قُلْ أَنفِقُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً لَن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْماً فَاسِقِينَ؛ بگو: «خواه یا ناخواه (اموالتان را در جهاد) مصـرف کنیـد، از شـما پـذیرفته نمی‌شود؛ [چرا] که شـما گروهی نافرمانبردار بوده‌اید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «فِسق» در آیه فوق گناهی ساده و معمولی نیست، بلکه- همان‌گونه که در آیه بعد اشاره شده- کفر، نفاق و یا آلوده شدن بخشـش‌ها با ریاکاری مراد است «۱». ۲. آیه فوق به صورت جمله‌ای شرطی بیان شـده است، ولی بر تحقق خارجی دلالت نـدارد؛ یعنی ممکن است هیـچ‌گاه منافقان با رضایت و میل در راه خـدا انفاق نکنند و اگر انفاق کننـد، پـذیرفته نمی‌شود. ۳. حکـایت شـده است که در جنـگ تبوک، منافقانی که در جهاد شـرکت نکردنـد، می‌خواسـتند با کمک مالی به جبهه، خود را در پیروزی سـهیم بدانند. ۴. پذیرفته نشدن بخشـش‌های منافقان، یا بدین معناست که کمک‌های آنان در دنیا از آن‌ها گرفته نمی‌شود و یا آن‌که مورد قبول خدا و تکامل معنوی آنان و پاداش اخروی نمی‌شود؛ زیرا با روحیه نفاق و کفر همراه است. تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۸ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. نفاق و فسق مانع قبولی انفاق و بخشـش است. ۲. دست از دو چهره بودن و نافرمانی بردارید تا بخشش‌های شما پذیرفته شود. ***

نشانه های دیگر منافقان

خدای متعال در آیه ۵۴ به علـل عـدم قبولی اعمال منافقان و نشانه‌های دیگر آنان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۵۴. «وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ؛ و هیچ چیز آنان را از پذیرفته شـدن هزینه (و صـدقه) هایشان باز نـداشت، جز اینکه آنان به خـدا و فرسـتاده‌اش کفر ورزیدنـد، و نماز را به جا نمی‌آورنـد، جز در حالی که آنان کَسِل هستند، و (اموالشان را در راه جهاد) مصرف نمی‌کنند، مگر در حالی که آنان ناخشنودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در این آیه، کفر مانع پـذیرش بخشـش دانسـته شـده است؛ یعنی ایمان به خـدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله شـرط قبولی اعمال نیک می‌باشد. ۲. منافقـان ایمـان واقعی ندارنـد؛ از این رو، بـا عشق و علاـقه به سوی نمـاز نمی‌رونـد، بلکه با اکراه نماز بجای می‌آورنـد؛ همـان‌گونه که با اکراه بخشـش می‌کننـد، در حالی که مومنان این عبادت‌ها و بخشـش‌ها را ذخیره آخرت می‌داننـد و با علاقه انجام می‌دهند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۰۹ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. شرط پذیرش بخشش، ایمان است. ۲. منافقان را از دو نشانه «۱» کسالت در نماز و اکراه در بخشـش بشناسید. ۳. نماز و بخشـش ظاهری مردم شـما را نفریبد؛ زیرا منافقان نیز این اعمال را انجام می‌دهنـد. ۴. منـافق کـافر اسـت. *** خـدای متعـال در آیه ۵۵ به مـایه عـذاب بـودن اموال و فرزنـدان منافقـان اشـاره کرده و می‌فرماید: ۵۵. «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّما يُرِيـدُ اللّهُ لِيُعَـذِّبَهُم بِهَا فِي الْحَيَاةِ الـدُّنْيا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُـهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ؛ و (فزونی) اموالشـان و فرزنـدان آنـان، تـو را به شـگفت نیـاورد؛ جز این نیست که خـدا می‌خواهـد به وسـیله آن [هـا] در زنـدگی پست (دنیـا) عـذابشان کنـد، و جان‌هایشـان بر آیـد در حـالی که آنـان کافرنـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فـوق اشـاره دارد که منافقـان بـا نیروی اقتصادی و انسانی که در اختیار آن‌هاست، معذّب هستند؛ زیرا از سویی، فرزندان آنان معمولًا به افرادی ناصالح و مایه رنجش خاطر و ننگ آن‌ها تبـدیل می‌شونـد، و از سوی دیگر، اموال آنان که از طریق گناه به دست آمـده، بی‌برکت و مایه دلبسـتگی آن‌هاست و در نهـایت، به خاطر آن‌ها بی‌ایمان از دنیا می‌رونـد. تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۱۰ ۲. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که عذاب الهی منحصـر به آخرت نیست و در دنیا نیز ممکن است انسان‌ها با رنج و مشـکلات عذاب شوند. ۳. در آیه فوق به «اراده خـدا» اشاره شـده است و این تعبیر برای بیان سـنت‌های الهی به کار می‌رود؛ یعنی روش و سـنت الهی آن است که ثروتمنـدان منافق

صفت را در دنیا عذاب کند. ۴. از تعبیر «تَزْهَقَ» استفاده می‌شود که جان دادن منافق بسیار دشوار است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اموال و فرزنـدان، وسیله مجازات منافقان و کشانـدن آنان به کفر است. ۲. به اموال و فرزنـدان دل نبندیـد که برخی نعمت‌هـای ظـاهری در حقیقت مایه عـذاب انسان است. *** خدای متعال در آیات ۵۶ و ۵۷، به دو نشانه دیگر منافقان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۵۶ و ۵۷. «وَيَحْلِفُونَ بِاللّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ* لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ؛ و به خدا سوگند می‌خورند که آنان حتماً از شـما هسـتند، و حال آنکه آنان از شـما نیسـتند؛ و لیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند.* اگر (بر فرض) پناهگاهی یا غارهایی یا سوراخی می‌یافتنـد، حتماً به سوی آن روی برمی‌تافتنـد، در حالی که آنان شـتابان می‌روند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۱۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق به ترس شدیـد منافقان اشاره شـده است. «۱» آنان چون تکیه‌گاهی الهی در باطن خویش ندارند، همواره گرفتار وحشتی بزرگ هستند و چون از نافرمانی خدا نمی‌ترسند، از غیر خدا می‌ترسـند، و از این رو است که کفر بـاطنی خود را پنهان می‌کننـد و در ظاهر خود را مؤمن جلوه می‌دهنـد. ۲. آیه فوق با رساترین تعبیرها، ترس و دشـمنی منافقان با مؤمنان را نشان داده است که (اگر منافقان به خاطر اموال و خانواده خود مجبور به مانـدن نبودند) به غارهای کوه‌ها یا سوراخ‌های زمین فرار می‌کردنـد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. ترس شدیـد و سوگندهای دروغ از نشانه‌های منافقان است. ۲. سوگنـدهای منافقان شـما را فریب ندهد؛ زیرا آنان از شـما و موافق عقایدتان نیسـتند. ۳. زندگی منافقان با مسـلمانان یک زنـدگی اضـطراری است و اگر فرصـتی بیابنـد، از وضع موجود می‌گریزنـد. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانـان)، ج۲۳، ص: ۱۱۲ خدای متعال در آیه ۵۸ سوره توبه به عیب‌جویی منافقان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و دنیاطلبی آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۸. «وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ؛ و از آن (منافق) ان کسـی است که در (تقسیم غنائم و) بخشش‌ها بر تو عیب‌جویی می‌کند، و اگر از آن (اموال، سهمی) به آنان عطا شود، راضی می‌شوند؛ و اگر از آن [ها] به آنان داده نشود، به ناگاه آنان به خشم می‌آیند.» شأن نزول داسـتان نزول آیه فوق را این‌گونه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله مشـغول تقسیم اموالی (از غنایم) بود که یکی از افراد طایفه بنی تمیم فرا رسید و صدا زد: ای پیامبر، عدالت را رعایت کن! پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: «وای بر تو! اگر من عـدالت نکنم، چه کسـی عدالت خواهد کرد؟!» در این هنگام عمر که در صحنه حاضر بود، به پیامبر گفت: اجازه بده که گردنش را بزنم، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نداد و آیه فوق فرود آمد و به این‌گونه افراد اندرز داد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق، یکی دیگر از نشانه‌های منافقان بیان شده و آن، این است تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانـان)، ج۲۳، ص: ۱۱۳ که هرگز به حق خود راضـی نیسـتند و می‌خواهنـد از منـافع عمومی هر چه بیشـتر بهره ببرنـد و دوستی و دشـمنی آنـان نیز بر محور منـافع دور می‌زنـد و از هر کس از مال دنیا بیشتر به آنان بدهـد، راضـی می‌شونـد و از هر کس عـدالت و حق را رعایت کنـد، به خشم می‌آینـد. ۲. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که همه اصـحاب پیـامبر صـلی الله علیه و آله عـادل نبوده‌انـد، و حتی برخی منافق بوده‌انـد و جسارت به پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز از آن‌ها صادر می‌شـد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آیه به رهبران الهی می‌آموزد که خود را برای مشـکلات آماده کنند؛ زیرا لبه تیز حملات و تبلیغات منافقان به سوی رهبری است. ۲. منافق به منافع شخصـی خود می‌اندیشد و به حق خود راضـی نیست. ۳. تقسـیم اموال و مسایـل اقتصادی حساس است و افراد را در معرض تهمت قرار می‌دهـد. *** خدای متعال در آیه ۵۹ راه صـحیح برخورد با بیت المال را ارائه کرده و می‌فرمایـد: ۵۹. «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّهُ سَيُؤْتِينَا اللّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللّهِ رَاغِبُونَ؛ و اگر (بر فرض) آنـان به آنچه خـدا و فرسـتاده‌اش بـه آنـان داده، راضـی می‌شدنـد و می‌گفتنـد: «خـدا مـا را بس است؛ بزودی خـدا و فرسـتاده‌اش، از بخشش خـود به ما می‌دهند؛ براستی که ما تنها به سوی خدا مشتاقیم.» (این برای آنان بهتر بود)» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۱۴ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق چهار صـفت یا چهار مرحله برای انسان‌های قانع و راضـی بیان شده است: یکم، تسـلیم و رضایت به تقدیر الهی و تقسـیم پیـامبرش؛ دوم، اظهار رضایت به زبان؛ سوم، امیـد به فضل و کرم خـدا و پیامبرش؛ چهارم، بی‌توجهی نسـبت به دنیا و

رغبت به سوی خـدا. ۲. آیه فوق با «لَو» آمـده است، یعنی اگر بر فرض منافقان به تقـدیرات الهی راضـی می‌شدنـد که نمی‌شوند. ۳. آیه فوق در ادامه حالات منافقان است، اما در حقیقت روشـی صـحیح و راهبردی را در برخورد با تقدیرات الهی و تقسیم‌های پیامبر برای مؤمنان بازگو می‌کند. ۴. آیه فوق اشاره می‌کند که انسان‌ها از خدا و پیامبر طلب‌کار نیستند، بلکه هر چه به ما بدهند، از فضل و بخشش آن‌هاست. ۵. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که الطاف الهی از طریق پیامبر (و اولیای او) به ما می‌رسـد و از این رو است که دو بار در کنار نام خدا، از پیامبر صـلی الله علیه و آله یاد شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خیر انسان در رضایت و قناعت است. ۲. به بخشش‌های الهی و رهبری، اعتراض نکنید و به فضل الهی امیدوار باشید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۱۵

موارد مصرف زکات

خـدای متعال در آیه ۶۰ موارد مصـرف زکات را بر می‌شـمارد و می‌فرمایـد: ۶۰. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللّهِ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ زکات‌ها فقط برای نیازمنـدان و بینوایـان و کارکنـانِ (جمع‌آوری کننــده) آن، و دلجـویی شــدگان، و در [راه آزاد کردن بردگـان، و بـدهکاران، و در راه خـدا، و وامانـدگان در راه است؛ [این،] واجبی از طرف خداست؛ و خدا دانایی فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «صدقات» از «صَدَقه» و نشان دهنـده صـداقت در ایمان به خداست و مقصود از آن در آیه فوق «زکات واجب» می‌باشد؛ زیرا در پایان آیه از آن به عنوان «واجب الهی» یاد شده و صدقه واجب همان زکات است. ۲. واژه «فقیر» در اصل به معنای کسی است که ناداری، ستون فقرات او را می‌شکند و در این‌جـا، بـه معنـای کسـی اسـت که در زنـدگی خـود کمبـود مـالی دارد، ولی شـغل نیز دارد و نیـاز خـود را آشـکار نمی‌سازد. ۳. واژه «مسـکین» در اصل از ماده «سـکون» گرفته شـده؛ یعنی گویا کسـی بر اثر شدت فقر ساکن و زمین‌گیر شده است؛ بنـابراین، «مسـکین» کسـی اسـت که نیـازش شدیـدتر بـوده و شـغلی نـدارد و از این رو، نیـاز خـود را آشـکار می‌سـازد و از دیگران درخواست کمک می‌کنـد «۱». خرم آن کس کـه در این محنت گـاه خـاطری را سـبب تسـکین است ۴. مقصود از عاملاـن زکات، کارکنانی هسـتند که برای جمع‌آوری و اداره بیت المال مسـلمانان کوشش می‌کنند و آنچه به آنان داده می‌شود، به عنوان مزد آنان است و از این رو، فقیر بـودن در آن‌هـا شـرط نیست. ۵. مقصود از گروه «مُؤلَّفةِ قُلوبُهم» مسـلمانان یا غیر مسـلمانانی هسـتند که برای اسـتفاده از همکاری آنان در جهاد و یا جـذب کامل آن‌ها به اسـلام، کمک‌های مالی تشویقی به آنان داده می‌شود تا قلب‌های آنان جلب شود «۱». ۶. در آیه فوق آمده است که سهمی از زکات برای مبارزه با بردگی اختصاص می‌یابد و این نشان می‌دهد که اسلام می‌خواهـد بردگی در جـامعه بشـریت ریشه‌کن شود؛ اما این کار به تدریـج انجام می‌گیرد تا واکنش‌های نامطلوب اجتماعی نداشـته باشد. ۷. مقصود از مصـرف زکات «در راه خدا»، تمام راههایی است که به گسترش و تقویت دین اسلام می‌انجامد که شامل جهاد، تبلیغ و حتی کارهای عمرانی ماننـد مـدرسه سازی و پل سازی می‌شود. ۸. مقصود از «وامانـدگان در راه» مسافرانی هسـتند که بر اثر حـادثه‌ای یـا هر عـاملی در راه مانده‌انـد و توشه و مرکب کافی برای رسـیدن به مقصـد ندارنـد، هر چنـد در شـهر خود فقیر نباشـند. این‌گونه افراد را باید با دادن زکات به آن‌ها بی‌نیاز کرد تا به مقصد برسند. ۹. آیه فوق با واژه «انّما» آغاز می‌شود؛ یعنی زکات فقط مخصوص همین هشت مورد است. این مطلب پاسخی بود به منافقانی که در مورد تقسیم بیت تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۱۷ المـال از پیامبر عیب‌جویی می‌کردنـد و انتظار داشـتند بـدون اسـتحقاق چیزی به آنان داده شود. ۱۰. در آیه فوق از چهـار گروه بـا اضافه حرف لام یاد شـده که نشانه ملکیت آن‌ها بر زکات است، ولی در دو مورد کلمه «فی» آمـده (و دو مورد نیز به آن‌ها عطف شده) که نشان دهنده مورد مصـرف زکات است. برخی مفسران بر این باورند که برای دو گروه یا چهار گروه دوم فقط جایز است از زکـات اسـتفاده کننـد، ولی مالـک آن نمی‌شونـد، ولی برخی دیگر از مفسـران، این چهـار گروه دوم را ظرف واقعی زکات دانسته‌اند «۱». به هر حـال، در دو موردی که «فی» آمـده، یعنی بردگان و در راه خـدا، اموال به خود بردگان داده نمی‌شود، بلکه در

راه خدا و در راه آزادی آنان صرف می‌شود. ۱۱. بر اساس سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، جایز است زکات به هشت قسمت مساوی تقسیم شود، ولی واجب نیست «۲»، به بیان دیگر، هدف از قانون مالیات زکات، رفع نیازمندی‌های گوناگون جامعه می‌باشد که مصرف آن به ضرورت‌های اجتماعی در موارد هشت‌گانه وابسته است. ۱۲. در تاریخ اسلام، دو دوران مشخص وجود دارد؛ دوران مکه که همّت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان صرف تعلیم و تربیت می‌شد و هر چند حکم زکات در آن دوران فرود آمده بود «۳»، حکومتی تشکیل نشده بود تا آن را جمع‌آوری کند و تنها خود مردم به پرداخت آن و بخشش‌های مالی دیگر اقدام می‌کردند. اما در دوران مدینه که حکومت اسلامی تشکیل و نیاز به بیت المال پیدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۱۸ شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خدا مأموریت یافت مالیات زکات را از مردم بگیرد و در موارد آن، مصرف کند «۱» و مشهور است که این قانون در سال دوم هجری تعیین شد. ۱۳. زکات چند نقش مهم در جامعه اسلامی بر عهده دارد: الف- تأمین بیت المال حکومت اسلامی که به وسیله آن نیازهای اقتصادی حکومت برآورده می‌شود. ب- حمایت از محرومان جامعه؛ ج- کمک به پرداخت هزینه‌های مجاهدان در جنگ و دفاع؛ د- ایفای نقش مالیات بر درآمد، تولید و ثروت‌های راکد؛ ه- تعدیل ثروت در جامعه؛ و- احیا کننده روح سخاوت و رحمت در انسان که نوعی تشکر عملی از خداست. ۱۴. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر همه مردم زکات اموال خود را بپردازند، مسلمانی نیازمند باقی نمی‌ماند ... و مردم فقیر، محتاج، گرسنه و برهنه نمی‌شوند مگر به خاطر گناه ثروتمندان.» «۲» ۱۵. از احادیث و تاریخ اسلام استفاده می‌شود که اگر حکومت عدل اسلامی از اشخاصی، زکات را مطالبه کند و آنان مقاومت نمایند و سرباز زنند، مرتد به شمار می‌آیند و در صدر اسلام، در زمان ابو بکر گروهی از مسلمانان از پرداخت زکات سرباز زدند و با آنان مبارزه نظامی شد و حتی امام علی علیه السلام نیز در این مبارزه شرکت کرد و این گروه به نام «اصحاب رِدّه» مشهور شدند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۱۹ ۱۶. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «کسی که یک قیراط [مقدار کمی از زکات را نپردازد، مؤمن و مسلمان نیست و ارزشی ندارد.» «۱» ۱۷. رعایت قانون زکات و پرداخت این مالیات موجب آبادانی کشور اسلامی و حفظ امنیت عمومی می‌شود و نپرداختن آن، پیدایش شکاف‌های طبقاتی و به خطر افتادن اموال ثروتمندان را سبب می‌شود. یعنی هنگامی که فقیر در جامعه زیاد شود سرقت و ناامنی گسترش می‌یابد و همان ثروت‌های انباشته به خطر می‌افتد. بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه چین دارد (حافظ) ۱۸. در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است: «اموال خود را با پرداخت زکات آن حفظ کنید.» «۲» و همین مضمون از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است. ۱۹. نکته قابل توجه آن است که پرداخت زکات به اسلام اختصاص ندارد، بلکه در ادیان پیشین نیز وجود داشته است؛ همان‌گونه که از موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام حکایت شده است «۳». ۲۰. از آیه فوق استفاده می‌شود که مال می‌تواند در جذب دل‌ها مؤثر باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۰ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. همه اموال شما مخصوص خودتان نیست، بلکه دیگران نیز در ثروت ثروتمندان سهم دارند. ۲. اسلام دینی است که به دنیای مردم توجه کرده و قانون مالیاتی دارد که قانونی اجتماعی و اقتصادی است. ***

نشانه های دیگر منافقان

خدای متعال در آیه ۶۱ با اشاره به ویژگی‌های نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله، در مورد آزار به ایشان هشدار داده و می‌فرماید: ۶۱. «وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و از آن (منافق) ان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او گوش (ی، و خوش باور) است!» بگو: «گوشیِ خوب بودن، به نفع شماست. [او] به خدا ایمان دارد؛ و مؤمنان را تصدیق می‌کند؛ و رحمتی است برای

کسانی از شما که ایمان آورده‌اند.» و کسانی که فرستاده خدا را آزار می‌دهند، برایشان عذابی دردناک است.» شأن نزول درباره داستان نزول آیه فوق نقل شده گروهی از منافقان درباره پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان ناشایست می‌گفتند که یک نفر آنان هشدار داد: ممکن است این سخنان به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله برسد، و دیگری گفت: مهم نیست، ما هر چه می‌خواهیم می‌گوییم و اگر به گوش او رسیده نزد وی می‌رویم و انکار تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۱ می‌کنیم و او از ما می‌پذیرد؛ زیرا محمد آدم خوش باوری است که هر کس هر چه بگوید، می‌پذیرد «۱». آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و به این منافقان پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که آنان نقطه قوت پیامبر صلی الله علیه و آله را نقطه ضعف می‌پنداشتند و برای آزارش به او «اُذُن» یا خوش باور می‌گفتند. «۲» ۲. یکی از صفات لازم برای یک رهبر محبوب آن است که نهایت لطف و محبت را از خود نشان دهد و عذرهای مردم را بپذیرد و در مورد عیب‌های آنان، پرده‌دری نکند و آبرو و شخصیت آنان را حفظ نماید. و این نقطه قوت در پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت. او بسیاری از چیزها را متوجه می‌شد، ولی به روی خود نمی‌آورد تا دروغ‌گویان رسوا نشوند و راه توبه بر آنان سد نگردد و مردم از اطراف او پراکنده نشوند. ۳. مفسران در مورد تعبیر «خیرٌ لکم» دو احتمال داده‌اند: یکی این که او سخن‌پذیر خوبی به نفع شماست. و دیگر این‌که او سخنان مفید و نیک را به نفع شما می‌شنود (نه هر سخنی را) «۳» و عذرخواهی افرادی که به نفع آن‌ها و جامعه است، می‌پذیرد. هر دو احتمال می‌توانند مقصود آیه باشد، ولی احتمال اول ظاهرتر است. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله دو برنامه داشت: نخست، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۲ حفظ ظاهر و جلوگیری از پرده‌دری که در این مرحله به همه سخنان گوش می‌داد و انکار نمی‌کرد و دوم، برنامه عملی که در این مرحله تنها به فرمان‌های الهی و پیشنهادهای مؤمنان راستین توجه می‌کرد. ۵. در آیه فوق آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مؤمنان رحمت است و در آیات دیگر قرآن می‌خوانیم که او برای تمام جهانیان رحمت می‌باشد «۱» و این یا به جهت درجات و مراتب رحمت است که برخی مراتب، همه جهانیان را شامل می‌شود و مراتب عالی به مؤمنان اختصاص دارد. و یا بدین جهت است که استعداد و زمینه استفاده از رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله برای همه مردم وجود دارد، ولی فعلیّت و تحقق آن برای مؤمنان است؛ رحمت او مانند بارانی است که به همه جا می‌بارد و هر کس به اندازه استعداد و ظرفیت خود از آن بهره می‌برد. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که اذیت کردن پیامبر صلی الله علیه و آله با عیب‌جویی از او، گناهی بزرگ است. ۷. از آیه فوق استفاده می‌شود که برخی اصحاب منافق پیامبر صلی الله علیه و آله او را اذیت نیز می‌کردند؛ بنابراین، همه اصحاب عادل نبوده‌اند. ۸. مقصود از ایمان پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان، تصدیق سخنان آن‌هاست و این درسی برای همه مؤمنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آیه به رهبران الهی و مبلغان دینی می‌آموزد که سعه صدر داشته باشند و به سخنان مردم گوش دهند و مایه رحمت برای آنان باشند. ۲. هر کس با سخنان خود رهبران دینی را اذیت کند، فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۳ خدای متعال در آیه ۶۲ به یکی از نشانه‌های منافقان، یعنی سوگند ایشان، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. «یَحْلِفُونَ بِاللّهِ لَکُمْ لِیُرْضُوکُمْ وَاللّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن یُرْضُوهُ إِن کَانُوا مُؤْمِنِینَ؛ (منافقان) برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که خدا و فرستاده‌اش سزاوارترند که راضیش سازند، اگر مؤمن باشند.» شأن نزول درباره داستان نزول آیه فوق روایت شده گروهی از منافقان که به جنگ تبوک نرفتند، به یکدیگر می‌گفتند: این مطالبی که محمد درباره اشراف ما می‌گوید و آنان را منافق می‌خواند، اگر راست باشد، آنان از چهارپایان بدترند، در حالی که آنان از نیکان ما هستند و برخی مسلمانان به آنان پاسخ دادند و این سخن را به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رساندند و ایشان آن منافق را خواست و از او پرسید که چرا چنین گفته‌ای؟ او سوگند یاد کرد که چنین نگفته است. در این هنگام آن مسلمان گزارشگر دعا کرد خدا راست‌گو را تصدیق و دروغ‌گو را تکذیب کند و آیه فرود آمد و وضع آنها را مشخص کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به یکی از نشانه‌های منافقان اشاره کرده است که برای پوشاندن چهره خود، خلاف‌کاری‌ها را انکار می‌کردند و با توسّل به سوگند دروغین،

مردم را فریب می‌دادند. ۲. در آیه فوق ضمیر «یُرضُوه» به صورت مفرد آمده است، در حالی که بر طبق قاعده می‌بایست به صورت تثنیه بیاید تا به خدا و رسول باز گردد. این تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۴ تعبیر اشاره می کند که پیامبر از خود استقلالی ندارد و رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله از رضایت خدا جدا نیست؛ یعنی هرچه خدا پسندد او نیز می‌پسندد و رضا و خشم او برای خدا و در راه او است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را از سوگندهای دروغ آنان بشناسید. ۲. فریب هر سوگندی را مخورید؛ زیرا گاهی مقدّسات، دستاویز نامقدسان می‌شود. ۳. برای مؤمنان رضایت خدا و رسولش اصل است. ۴. رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای رضایت خداست. *** خدای متعال در آیه ۶۳ به منافقان و دشمنان خدا و رسول هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۳. «أَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن یُحَادِدِ اللّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِداً فِیهَا ذلِکَ الْخِزْیُ الْعَظِیمُ؛ آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت کند، پس برایش آتش جهنّم است؛ در حالی که در آنجا ماندگار است؟! این، (همان) رسوایی بزرگ است!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «یُحادِد» از ریشه «حَدّ» به معنای طرف و نهایت چیزی است، و از آن‌جا که افراد دشمن و مخالفان در طرف مقابل قرار می‌گیرند، این واژه به معنای دشمنی نیز به کار می‌رود. برخی مفسران نیز گفته‌اند که این واژه به معنای محدود دانستن قدرت تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۵ خدا، یا به معنای سرسختی و تجاوز از قانون الهی و یا خود را طرف خدا دانستن است «۱». ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که سرنوشت مخالفت با خدا و رسول، یکی و آن دوزخ است؛ زیرا مخالفت با رسول، در حقیقت مخالفت با خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مخالفان خدا و رسول فرجامی عذاب آلود و رسوا دارند. ۲. اگر می‌خواهید از رسوایی و دوزخ نجات یابید، در برابر خدا و رهبران الهی صف آرایی نکنید. *** خدای متعال در آیه ۶۴ به ترس منافقان از افشای اسرار آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۴. «یَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَیْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِی قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِءُوا إِنَّ اللّهَ مُخْرِجٌ مَاتَحْذَرُونَ؛ منافقان بیم دارند که سوره‌ای بر ضدّ آنان فرود آید که آنان را از آنچه در دل‌هایشان است، خبر دهد. (ای پیامبر) بگو: «ریشخند کنید! که خدا برون آورنده (و فاش کننده) چیزی است که [از آن بیم دارید.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق و دو آیه بعد از آن، این‌گونه روایت شده است که گروهی از منافقان نقشه کشیدند هنگام بازگشت از جنگ تبوک در یکی از گردنه‌های سر راه، شتر پیامبر صلی الله علیه و آله را رَم دهند و او را بقتل رسانند؛ اما خدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۶ پیامبرش را از این توطئه آگاه کرد و با همکاری یارانی چون عمار و حُذیفه که محافظت از ایشان را بر عهده گرفتند، توطئه منافقان خنثی شد و حذیفه آنان را دور کرد؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به حذیفه معرفی کرد. حذیفه به پیامبر پیشنهاد کرد منافقان را به قتل برساند، ولی ایشان فرمودند: دوست ندارم عرب بگوید هنگامی که محمد بر یارانش پیروز شد، به کشتن آنان پرداخت «۱». آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و منافقان را به افشای اسرار آنان تهدید کرد «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که خدا گاهی برای دفع خطر منافقان، پرده از روی اسرار آنان بر می‌داشت و آنان را معرفی می کرد تا مسلمانان بهوش بوده و منافقان نیز مواظب کردار خود باشند و از این رو بود که منافقان اغلب در یک حالت وحشت به سر می‌بردند. ۲. آیه فوق با جمله «هر چه می‌خواهید، مسخره کنید» در مقام تهدید منافقان است؛ همان‌گونه که انسان به دشمن می گوید: هر اندازه می‌توانی کارشکنی و اذیت کن، پاسخ آن‌ها را یک‌جا خواهم داد. ۳. مقصود از فرود آمدن آیه بر منافقان آن نیست که آیه‌ای بر شخص تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۷ آن‌ها نازل شود، بلکه مقصود آن است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله آیه‌ای درباره آنان و علیه آن‌ها نازل شود. ۴. در آیه فوق از واژه «سُوره» استفاده شده است. سوره در اصطلاح به مجموعه‌ای از آیات قرآن گفته می‌شود که معمولًا با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز می‌شود و با شروع سوره دیگر پایان می‌پذیرد. در قرآن کریم ۱۱۴ سوره وجود دارد که تنها سوره توبه با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز نمی‌شود. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان فهمیده بودند رسول خدا از طریق وحی از کار آنان آگاه می‌شود و بدین سبب در هراس بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان هر لحظه از افشا شدن چهره واقعی خویش نگران هستند. و در نهایت نیز رسوا می‌شوند. ۲. منافقان را از

ریشخندهایشان بشناسید که مسخره کردن (مؤمنان) یکی از شیوه‌های تبلیغی آنان است. *** خدای متعال در آیه ۶۵ به بهانه‌های منافقان و مسخره کردن مقدسات اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۵. «وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ؛ و اگر از آن (منافق) ان بپرسی (چرا ریشخند می‌کردید؟!) حتماً می گویند: «ما فقط همواره (در هر سخنی) فرو می‌رفتیم و بازی می‌کردیم.» (ای پیامبر) بگو: «آیا به خدا و آیات او و فرستاده‌اش همواره ریشخند می‌کردید؟!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۸ شأن نزول داستان نزول آیه فوق این گونه حکایت شده که گروهی از منافقان در هنگام جنگ تبوک، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله سخنانی مسخره‌آمیز می‌گفتند که تسخیر قصرهای شام محال است و احدی از مسلمانان از این جنگ باز نمی‌گردد. خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را از این سخنان آگاه ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله عمار از آنان بازخواست کرد، ولی آن‌ها سوگند یاد کردند و گفتند که ما شوخی می‌کردیم «۱». برخی مفسران نوشته‌اند آیه فوق مربوط به جنگ تبوک و توطئه ترور پیامبر است که یکی از منافقان می‌گوید: اگر توطئه فاش شد، چه کنیم؟ دیگری پاسخ می‌دهد: می‌گوییم شوخی بود «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برنامه منافقان آن است که با مسخره کردن مؤمنان و کارهای آنان، سمپاشی می‌کنند تا به اهداف شوم خود برسند و اگر رازشان فاش شود، خود را زیر نقاب شوخی پنهان «۳» و بهانه‌تراشی می‌کنند تا از مجازات فرار نمایند؛ منافقان عصر ما نیز همین برنامه‌ها را دنبال می‌کنند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۲۹ ۲. بازی و شوخی در جای خود مفید است؛ اما شوخی با مقدسات صحیح نیست؛ زیرا حقایق را در نظر مردم سست و کوچک می‌نماید و موجب جرئت و جسارت افراد علیه دین می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان به بهانه شوخی کردن، سمپاشی می‌کنند. ۲. شوخی کردن با مقدّسات دینی جایز نیست. ۳. از منافقان در مورد کارهایشان بازپرسی کنید. *** خدای متعال در آیه ۶۶ به منافقان هشدار می‌دهد که دست از بهانه‌تراشی بردارند، و می‌فرماید: ۶۶. «لَاتَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِن نَعْفُ عَن طَائِفَةٍ مِنكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ؛ عذر نیاورید، در واقع [شما] پس از ایمان آوردنتان، کفر ورزیده‌اید؛ اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) ببخشیم، گروه [دیگری را، بخاطر آنکه آنان خلافکار بودند، عذاب می‌کنیم!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود گروهی از افرادی که ایمانی ضعیف داشتند، در بین منافقان بودند، ولی هنوز اعمال ناپسندی از آن‌ها سر نزده بود و از این رو، مؤمنان مانند افراد مسلمان با آن‌ها برخورد می‌کردند؛ اما ماجرای تبوک یا جریان مسخره کردن سبب شد تا راه کفر در پیش گیرند. ۲. در آیه فوق اشاره شده که گروهی مورد عفو قرار گرفتند، و آن‌ها کسانی بودند که آثار جرم و گناه خود را با آب توبه شستند؛ همان‌گونه که در آیه ۷۴ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۰ همین سوره و در برخی احادیث نیز بدین مطلب اشاره شده و نام برخی از آن‌ها برده شده است «۱». ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که نفاق اگر به درجه‌ای برسد، از کفر سر در می‌آورد و برخی منافقان در حقیقت کافرند و برخی از آنان آن‌قدر خلاف‌کارند که لیاقت بخشوده‌شدن را نخواهند داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برخی از منافقان توبه‌کار قابل عفو هستند، ولی منافقان مجرم و خلاف‌کار به عذاب الهی گرفتار خواهند شد. ۲. بهانه‌تراشی منافقان خلاف‌کار بی‌فایده است؛ زیرا آنان در حقیقت کافرند. *** خدای متعال در آیه ۶۷ به پنج صفت دیگر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۷. «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ مردان منافق و زنان منافق، برخی آنان از برخی [دیگر] اند؛ به [کار] ناپسند فرمان می‌دهند، و از [کار] پسندیده منع می‌کنند؛ و دست‌هایشان را (از بخشش فرو) می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، پس (خدا نیز) آنان را به فراموشی سپرد؛ براستی که تنها منافقان نافرمانبردارند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که ممکن است روح نفاق در مرد یا زن به وجود آید؛ بنابراین، فریب تغییر چهره‌ها را نخوریم، بلکه صفات منافقان را بررسی نماییم، و در هر کس وجود داشت، او منافق است. ۲. آیه فوق اشاره کرده که منافقان با همه تفاوت‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد، با یکدیگر همبستگی دارند و همگی از یک باند هستند. ۳. برنامه منافقان بر عکس برنامه مؤمنان است؛ یعنی مؤمنان با امر به

معروف و نهی از منکر جامعه را از آلودگی‌ها پاک می‌کنند، ولی منافقان می‌کوشند فساد و آلودگی همه جا را بگیرد و کارهای پسندیده و نیک از جامعه برچیده شود؛ زیرا آنان در محیط آلوده بهتر می‌توانند به اهداف شومشان برسند. ۴. یکی دیگر از نشانه‌ها و صفات منافقان آن است که به کمک محرومان نمی‌شتابند و خویشان آن‌ها و مؤمنان از کمک‌های مالی خالصانه آن‌ها بهره‌مند نمی‌شوند؛ زیرا منافقان به آخرت ایمان ندارند. (پس اگر بخششی هم داشته باشند، با منّت و ریاکاری همراه است.) ۵. مقصود از این‌که «خدا منافقان را فراموش می‌کند.» فراموشی واقعی نیست، بلکه این تعبیر کنایه از آن است که با آنان معامله شخص فراموشکار می‌شود؛ یعنی هیچ سهمی از رحمت و توفیق الهی به منافقان نمی‌رسد. ۶. براساس برخی روایات که از امام علی علیه السلام نقل شده، مقصود از آیه آن است که آنان خدا را در دنیا فراموش کردند و او را اطاعت نکردند و خدا نیز آنان را در آخرت فراموش کرد و ثوابی به آنان نداد «۱». روشن است که این تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۲ روایات برخی مصادیق و نمونه‌های فراموشی انسان و خدا را بیان می‌کند، ولی مفهوم آیه به این موارد محدود نمی‌شود. ۷. در آیه فوق فراموشی پروردگار با «فای تفریع» بر فراموشی منافقان عطف شده است؛ یعنی هنگامی که منافق خدا و فرمان‌هایش را فراموش می‌کند، اثرش آن است که خدا نیز آنان را از مواهب خویش محروم می‌سازد؛ پس این نتیجه عمل آن‌هاست. ۸. در پایان آیه فوق اشاره شده که منافقان، فاسق و نافرمان‌بردارند و این مطلب به روح قانون‌گریزی و قانون‌شکنی منافقان اشاره دارد. جالب این است که در عصر ما نیز در مورد منافقان همین صفات مشاهده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. ترویج کارهای ناشایست و جلوگیری از خوبی‌ها و بُخل و فراموشی خدا و قانون‌شکنی، از نشانه‌های منافقان است. ۲. خدا را فراموش نکنید که موجب محرومیت از لطف الهی و به فراموشی سپرده شدن شماست. *** خدای متعال در آیه ۶۸ به فرجام عذاب‌آلود منافقان و کافران اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۸. «وَعَدَ اللّهُ الْمُنَافِقِینَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْکُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِینَ فِیهَا هِیَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِیمٌ؛ خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران، آتش جهنّم را وعده داده است، در حالی که در آن ماندگارند؛ آن (آتش) برای آنان کافی و خدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۳ آنان را از رحمت خود دور ساخته؛ و برایشان عذابی پایدار است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که برای منافقان و کافران، آتش دوزخ کافی است و آنان به مجازات دیگری نیاز ندارند؛ زیرا در دوزخ انواع عذاب‌ها وجود دارد. ۲. در آیه فوق «لعنت الهی»، یعنی دوری افراد از رحمت خدا، به عنوان یک عذاب معرفی شده است. آری، دوری از خدا، خود دردناک‌ترین کیفر برای کافران و منافقان به شمار می‌آید؛ زیرا: - کسی که از خدا دور است، از مواهب و نعمت‌های بهشتی نیز دور است. - کسی که از خدا دور است، از پیامبران و اولیای الهی نیز دور است. - کسی که از خدا دور است، به دوزخ و عذاب نزدیک است. - کسی که از خدا دور است، با دوزخیان و آلودگان همنشین است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. سرنوشت شوم کافران و منافقان یکسان است و هر دو به عذاب و لعنت الهی گرفتار می‌شوند. ۲. کافران و منافقان را لعنت کنید؛ همان‌گونه که خدا آن‌ها را از رحمت خویش دور می‌سازد. ***

از سرنوشت گذشتگان عبرت آموزید

خدای متعال در آیه ۶۹ به تکرار تاریخ در مورد منافقان و زیان‌کاری آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۹. «کَالَّذِینَ مِن قَبْلِکُمْ کَانُوا أَشَدَّ مِنکُمْ قُوَّةً وَأَکْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَاداً فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِکُمْ کَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِینَ مِن قَبْلِکُم بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ کَالَّذِی خَاضُوا أُوْلئِکَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالآخِرَةِ وَأُولئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۴ (شما منافقان،) همچون کسانی هستید که پیش از شما بودند، [آنان از شما نیرومندتر، و دارای اموال و فرزندان بیشتری بودند، و از بهره‌شان استفاده کردند؛ و [شما نیز] از بهره‌تان استفاده کردید، همانند کسانی که پیش از شما از بهره‌شان استفاده کردند؛ و (شما در کفر و نفاق و مسخره کردن مؤمنان) فرو رفتید، همانند کس [ان] ی که فرو رفتند؛ آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شد؛ و

تنها آنان زیانکارانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «خَلاق» در لغت به معنای بهره و نصیب و از ریشه «خُلق» گرفته شده است. (گویا انسان بهره‌های خود را متناسب با خُلق و خوی خود در این جهان دریافت می‌کند.) ۲. در آیه فوق اشاره شده که منافقان زیان‌کاران واقعی هستند؛ زیرا که آنان استفاده‌های محدود و گذرا از اعمال نفاق‌آمیز خود می‌برند، ولی در نهایت، عواقب نفاق در دنیا دامانشان را می‌گیرد و آن‌ها را به نابودی می‌کشاند و در جهان دیگر نیز به عذاب الهی گرفتار می‌شوند. ۳. مقصود از «حَبْط عمل» منافقان در آخرت آن است که آثار اعمالشان نابود می‌شود و ثوابی برای کارهای نیک دریافت نمی‌کنند و مقصود از حَبْط اعمالشان در دنیا شاید همان افشای چهره واقعی آنان و بی‌ارزش شدن کارهای نیک آن‌ها باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. از سرنوشت پیشینیان عبرت بگیرید که (گاهی) تاریخ تکرار می‌شود؛ از این رو، سرنوشت منافقان جدید همچون منافقان گذشته است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۵ ۲. کام‌یابی زودگذر منافقان و کثرت اموال و فرزندان و نیرومندی ظاهری آنان دلیل سعادتمندی آن‌ها نیست. ۳. نفاق موجب نابودی و بی‌اثر شدن اعمال نیک انسان در دنیا و آخرت و زیان‌کاری می‌شود. *** خدای متعال در آیه ۷۰ منافقان را به یاد سرنوشت اسف‌بار اقوام گذشته می‌اندازد و می‌فرماید: ۷۰. «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛ آیا خبر بزرگ کسانی که پیش از آنان بودند، به آنان نرسیده است؟! (همان) «قوم نُوح» و «عاد» و «ثَمود» و «قوم ابراهیم» و «اهل مَدْیَن» [: قوم شعیب و « [شهرهای زیر و رو شده» [: قوم لوط]؛ فرستادگانشان دلیل‌های روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛) و خدا هرگز به آنان ستم نکرد، و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. اقوامی که در آیه فوق از آن‌ها یاد شده است، روزگاری بخش‌های مهمی از جهان را در اختیار داشتند؛ اما هر کدام بر اثر تبهکاری، سرکشی، بیدادگری و فساد به نوعی گرفتار کیفر الهی شدند و این مطلب خود درس عبرتی برای همه منافقان و کافران در طول تاریخ است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۶ ۲. قوم نوح با امواج کوبنده سیلاب غرق شدند و قوم عاد، یعنی قوم هود پیامبر، به وسیله بادهای تند و وحشت‌زا به هلاکت رسیدند و قوم ثمود، یعنی قوم صالح پیامبر، با زلزله‌های ویرانگر و قوم ابراهیم با سلب انواع نعمت‌ها، و اصحاب مَدْین، یعنی قوم شُعَیب پیامبر، با ابر آتش‌بار و قوم لوط با زیر و رو شدن شهرهای آنان همگی نابود شدند و درس عبرتی برای سرکشان و خلاف‌کاران گردیدند «۱». تذکر: یادآور می‌شویم که در مباحث گذشته مطالبی درباره زندگی این ملت‌ها بیان کردیم و در سوره‌های بعدی نیز به تناسب، داستان زندگی آنان را به صورت کامل‌تری بیان خواهیم کرد «۲». ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که عذاب‌های الهی هنگامی بر ملت‌های سرکش فرود می‌آمده که پیامبرانی با دلایل روشن می‌آمدند و اتمام حجّت می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. از تاریخ گذشتگان درس عبرت بگیرید (و راه آنان را نپویید). ۲. گرفتاری ملت‌ها در اثر ستم آنان به خویشتن است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۷

ویژگی های مومنان

خدای متعال در آیه ۷۱ به نشانه‌ها و ویژگی‌های مؤمنان راستین در دنیا اشاره کرده و می‌فرماید: ۷۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَولِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ أُولئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی از آنان یاوران (و دوستان) برخی [دیگر] اند. به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند، و از [کار] ناپسند منع می‌کنند؛ و نماز را به پا می‌دارند؛ و [مالیاتِ زکات را می‌پردازند؛ و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت می‌کنند؛ آنان، خدا بزودی مورد رحمت قرارشان می‌دهد؛ بدرستی که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات قبل، نشانه‌ها و ویژگی‌های منافقان این گونه بیان شد که به منکرات فرمان می‌دهند و مردم را از کارهای شایسته باز می‌دارند و بُخل می‌ورزند و خدا را فراموش می‌کنند و فاسق و نافرمان‌بردارند. ۲. در آیه فوق چند صفت برای مؤمنان بر شمرده که نقطه مقابل

صفات منافقان است: - منافقان به کارهای ناپسند و مؤمنان به کارهای شایسته فرمان می‌دهند. - منافقان مردم را از کارهای نیک و مؤمنان مردم را از کارهای ناپسند باز می‌دارند. - منافقان خدا را فراموش می‌کنند و مؤمنان به یاد خدا هستند و نماز را بر پا می‌دارند، و دل و عقل خود را روشن و بیدار می‌سازند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۸ - منافقان افرادی بخیل هستند که در راه خدا و خلق بخشش نمی‌کنند، ولی مؤمنان در راه خدا و خلق و بازسازی جامعه زکات می‌پردازند. - منافقان فاسق و نافرمان‌بردارند، ولی مؤمنان مطیع خدا و پیامبرش هستند. - منافقان مورد لعنت خدا بوده و از رحمت او دور می‌شدند، ولی مؤمنان مشمول رحمت الهی هستند. ۳. در آیات پیشین گفته شد که منافقان «از همدیگرند» اما در این‌جا گفته شد که «مردان و زنان مؤمن برخی آن‌ها دوست و یاور یکدیگرند.»؛ یعنی در این‌جا برای بیان رابطه مؤمنان از واژه «اولیاء» استفاده شد، تا بیان شود که روح ولایت و دوستی و یاری‌گری در میان مؤمنان وجود دارد، اما منافقان هر چند که در برنامه‌های یکدیگر شریک‌اند، روح ولایت در بین آن‌ها نیست و به هنگام خطر به دوستان خود نیز خیانت می‌کنند و به بیان قرآن، دل‌هایشان پراکنده است «۱». ۴. واژه «رحمت» در آیه فوق، مفهومی بسیار وسیع دارد که شامل هرگونه خیر و برکت و سعادت این جهان و سرای دیگر می‌شود. ۵. امر به معروف و نهی از منکر تنها توصیه کردن به دیگران نیست، بلکه فرمان دادن از موضع قدرت است و از این رو، شاخه‌ای از ولایت به شمار می‌آید و در آیه فوق نیز به دنبال آن آمده است. ۶. از این‌که در آیه فوق اطاعت خدا و پیامبر جداگانه آمده‌اند، روشن می‌شود که اطاعت از فرمان پیامبر همچون اطاعت از فرمان خدا لازم است و تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۳۹ شاید با یک فعل آمدن آن دو از این‌رو باشد که ماهیت این دو یکی است و در حقیقت، اطاعت پیامبر برخاسته از اطاعت خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. صفات و ویژگی‌ها و نشانه‌های مؤمنان، نقطه مقابل صفات منافقان است. ۲. مؤمنان در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر حق ولایت، دوستی، یاری و نظارت دارند. ۳. زن و مرد مومن هر دو در اصلاح جامعه نقش ایفا کنند. ۴. اصلاح‌طلبی، عبادت، اطاعت و امداد رسانی، زمینه‌ساز نزول رحمت الهی است. *** خدای متعال در آیه ۷۲ برخی ویژگی‌ها و امتیازهای مؤمنان را در جهان دیگر بر می‌شمارد و می‌فرماید: ۷۲. «وَعَدَ اللّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّهِ أَكْبَرُ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خدا به مردان مؤمن و زنان مؤمن، بوستان‌های (بهشتی) که نهرها از زیر [درختان] ش روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند، و خانه‌های پاکیزه‌ای در بوستان‌های (ویژه) ماندگار، وعده داده است؛ و خشنودی‌ای که از جانب خدا باشد، بزرگ‌تر است؛ تنها این کامیابی بزرگ است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. خدای متعال در آیات پیشین به منافقان و کافران وعده داد که در تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۰ آتش خواهند ماند، «۱» و اینک در این آیه، در مقابل آن، به مؤمنان وعده ماندن در بهشت را می‌دهد. ۲. واژه «عَدْن» در لغت به معنای باقی ماندن در یک مکان است و از این رو، به جایگاه باقی‌ماندن مواد نیز معدن گویند؛ اما از آن‌جا که در این آیه سخن از بقا و خلُود است، روشن می‌شود که «جَنّات عَدْن» محل خاصی در بهشت می‌باشد که امتیاز ویژه‌ای دارد و برخی مفسران آن را بهترین و شریفترین منطقه بهشت دانسته‌اند «۲». ۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است ": «عَدْن "خانه الهی است که هیچ چشمی آن را ندیده و به فکر کسی خطور نکرده است و تنها سه گروه در آن ساکن می‌شوند: پیامبران، صدیقان [آن‌ها که پیامبران را تصدیق و از آنان حمایت کردند] و شهیدان.» «۳» ۴. در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هر کس دوست دارد، زندگی‌اش همچون من و مرگش نیز همانند من باشد، و در بهشتی که خدا به من وعده داده، در جنّات عَدْن ساکن شود، باید علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان پس از او را دوست بدارد.» «۴» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۱ ۵. مقصود از مقام «رضوان» یا خشنودی خدا از مؤمنان، همان لذت معنوی و احساسی روحانی است که انسان را به جهت خشنودی و رضایت خدا فرا می‌گیرد که از تمام بهشت و نعمت‌ها و مواهب رنگارنگ آن برتر و بالاتر است. ۶. خشنودی خدا از تمام نعمت‌های مادی بهشت برتر است؛ زیرا مقام رضوان متعلق به روح و نعمت‌های مادی متعلق به جسم انسان است و روح گوهر وجود و جسم همچون صدف

برای آن است، و تکامل روح انسان هدف نهایی و جسم وسیله آن است؛ از این رو، لذت‌های روحی با لذت‌های جسمی قابل مقایسه نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. زنان و مردان مؤمن هر دو از نعمت‌های بهشتی برخوردارند. ۲. لذّت‌های معنوی سرای آخرت بالاتر از لذت‌های مادی آن است. ۳. رستگاری و کامیابی و پیروزی بزرگ در خشنودی خدا نهفته است. (پس آن را به دست آورید.) *** خدای متعال در آیه ۷۳ به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که بر کافران و منافقان سخت بگیرد و می‌فرماید: ۷۳. «یَاأَیُّهَا النَّبِیُّ جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنان سخت گیر! و مقصدشان جهنّم است؛ و بد فرجامی است!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «جهاد با کافران»، مبارزه همه جانبه و به ویژه جنگ مسلحانه با آنان است و مقصود از «جهاد با منافقان» مبارزه‌هایی همچون مذمّت، توبیخ، تهدید و افشاگری است؛ زیرا منافقان در ظاهر مسلمان‌اند و از این رو، اسلام مبارزه مسلحانه با آنان را اجازه نمی‌دهد، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۲ هیچ‌گاه با منافقان جنگ مسلحانه نکرد؛ البته اگر روزی منافقان کفر خود را آشکار و در برابر مسلمانان صف‌آرایی کنند، در این صورت کافر حربی به شمار می‌آیند و نبرد با آنان مجاز است. ۲. مقصود از کافران در آیه فوق، کافران حربی است؛ یعنی کافرانی که با اسلام اعلان جنگ و مخالفت می‌کنند، و گرنه کافران اهل ذمّه که در پناه اسلام بسر می‌برند، تا زمانی که شرایط جامعه اسلامی را رعایت کنند، در امنیت هستند. ۳. برخی مفسران آورده‌اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیش از نزول این آیه با منافقان رفتاری کریمانه داشت، ولی پس از نزول آن برخوردشان شدّت‌یافت «۱». ۴. واژه «غَلَظ» ضد رقت و مهربانی و به معنای خشونت (و سخت‌گیری) است «۲». در آیه فوق و در آیه ۹ سوره تحریم که با آن مشابه است، به پیامبر دستور داده شده که با کافران و منافقان سخت‌گیری کرده و خشونت به خرج دهد ولی در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده است: اگر تو سخت‌گیر و خشن بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند؛ یعنی به صورت تلویحی پیامبر را از خشونت و سخت‌گیری باز می‌دارد. آری، اسلام اساساً دین رحمت و محبت است و اصل در آن، نفی خشونت و سخت‌گیری است؛ اما اگر مخالفان از لجاجت، توطئه و خشونت دست بر ندارند، با سخت‌گیری و خشونت با آنان برخورد می‌شود؛ به عبارت دیگر، اسلام خشونت غیر قانونی را نمی‌پذیرد؛ زیرا نوعی ستم‌گری و جنایت است، ولی خشونت و سخت‌گیری قانونی را که بر اساس ضوابط شرعی و دینی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۳ باشد، می‌پذیرد و این یک روش عقلایی است که در همه جوامع برای سالم‌سازی محیط اجتماع و جلوگیری از تجاوز و قانون‌شکنی تجویز می‌کنند؛ «۱» همان‌گونه که در برخی حدود و مقررات اسلامی، مانند حد سرقت و حد عمل منافی عفت، دستور قطع دست یا شلاق زدن آمده و در قرآن نیز بدان‌ها تصریح شده است. «۲» در هر صورت، دستور سخت‌گیری و خشونت در برخورد با کافران و منافقان است؛ اما مؤمنان باید با همدیگر مهربان باشند: «اشداء علی الکفار رُحماء بینهم» «۳». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رهبر مسلمانان باید در برابر دشمنان داخلی و خارجی، قاطع و سخت‌گیر باشد. ۲. اسلام آیین جهاد و مبارزه با کفر و نفاق است. *** خدای متعال در آیه ۷۴ با اشاره به توطئه‌های منافقان، راه توبه را بر آنان می‌گشاید و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۷۴. «یَحْلِفُونَ بِاللّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا کَلِمَةَ الْکُفْرِ وَکَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ یَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ فَإِن یَتُوبُوا یَکُ خَیْراً لَهُمْ وَإِن یَتَوَلَّوْا یُعَذِّبْهُمُ اللّهُ عَذَاباً أَلِیماً فِی الْدُّنْیَا وَالآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِی الأَرْضِ مِن وَلِیٍّ وَلَانَصِیرٍ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۴ به خدا سوگند یاد می‌کنند که (سخنان باطل) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخن کفر [آمیز] گفته‌اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کفر ورزیدند؛ و آهنگ آنچنان (کار خطرناکی) کردند که [به آن نرسیدند، و انتقام نگرفتند جز به خاطر آنکه خدا و فرستاده‌اش آنان را از بخشش خود، بی‌نیاز ساختند. و اگر توبه کنند، برای آنان بهتر است؛ و اگر روی برتابند، خدا آنان را در دنیا و آخرت، به عذاب دردناکی کیفر خواهد داد؛ و برایشان در زمین، هیچ سرپرست و یاوری نیست!» شأن نزول رخدادها و مصادیق متعدد در مورد نزول آیه فوق حکایت شده است؛ «۱» از جمله توطئه منافقان برای ترور پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ تبوک، که ذیل آیه ۶۴ همین سوره به آن اشاره شد. در این حادثه،

منافقـان نتوانسـتند به هـدف خود برسـند و این توطئه بـا امـداد الهی و کمـک یـاران پیـامبر صـلی الله علیه و آله خنثی شـد. همچنین حکایت شـده که شخصـی از منافقان به نام «جَلّاس» در جنگ تبوک سـخنان پیامبر صـلی الله علیه و آله را به شـدت انکار می‌کرد و یکی از مسـلمانان به نـام «عـامِر» جریـان را به پیامبر صـلی الله علیه و آله گزارش داد، ولی جلّاس موضوع را انکار کرد و هر دو کنار منبر سوگنـد یـاد کردنـد که دروغ نمی‌گوینـد، ولی عـامر از خـدا خواست که بـا نزول آیه‌ای راست‌گو را معرفی کنـد و همه آمین گفتنـد؛ آن گاه جبرئیل آمـد و آیه فوق را آورد و هنگامی که به قسـمت توبه‌پذیری خدا رسـید، جلّاس توبه کرد و پیامبر توبه او را پذیرفت «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۵ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از جمله «تصمیمی که منافقان داشتند و به هـدف نرسـید» یـا همـان توطئه ترور پیامبر صـلی الله علیه و آله در جریان جنگ تبوک است و یا به تمام فعالیت‌هایی اشاره دارد که منافقان برای برهم ریختن سازمان جامعه اسلامی انجام می‌دادند و به هدف نهایی نرسید. ۲. از آیه بـا توجه به شأن نزول‌های آن به دست می‌آیـد که مسـلمانان در برابر توطئه‌های منافقان هشیار بودنـد و به سـرعت فعالیت‌های تخریبی و سـخنان کفرآمیز آنان را به پیامبر صـلی الله علیه و آله گزارش می‌کردنـد و جلوی توطئه‌ها را می‌گرفتنـد. ۳. در آیه فوق اشـاره شـده که منافقان در سایه جامعه اسـلامی، اسـتفاده‌های مادی می‌بردند و ثروتمند و بی‌نیاز شدند، ولی به جای سپاس‌گزاری و حق‌شناسی، این خدمات را با خیانت و توطئه و انتقام از مسـلمانان پاسخ دادند. ۴. در آیه فوق ضـمیر «فَضـلِه» می‌بایست تثنیه می‌آمـد تا به خدا و پیامبر بر گردد، ولی مفرد آمـده اسـت؛ زیرا بخشـش‌های پیـامبر صـلی الله علیه و آله نیز در حقیقت از خـداست. ۵. این‌که در آیه فـوق راه تـوبه برای منافقـان توطئه‌گر نیز باز گذاشـته شده است، نشانه کمال رأفت و رحمت اسلامی است که حتی توبه مخالفان سرسخت خود را نیز می‌پذیرد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانـان)، ج۲۳، ص: ۱۴۶ آموزه‌هـا و پیام‌هـا ۱. منافقـان در حقیقت کافرنـد. ۲. فرجـام منافقـان، بی‌پناهی و بی‌یاوری در دنیاست. ۳. منافقان را از سوگند دروغ و ناسپاسـی آنان بشناسید. ۴. راه توبه را حتی به روی منافقان باز گذاریـد. *** خـدای متعال در آیات ۷۵ و ۷۶ به کم‌ظرفیت بودن منافقـان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۷۵ و ۷۶. «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللّهَ لَئِنْ آتَانَا مِن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ* فَلَمَّا آتَاهُم مِن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوا وَهُمْ مُعْرِضُونَ؛ از آن (منافق) ان کسانی هستند که با خدا پیمان بسـته بودنـد که: «اگر خـدا ما را از بخشـش خود روزی دهد، قطعاً زکات خواهیم داد؛ و حتماً از شایسـتگان خواهیم شد.»* و هنگامی که (خدا) از بخشـش خود به آنان داد، بدان بخل ورزیدند و روی بر می‌تافتند؛ در حالی که آنان روی گرداننـد.» شأن نزول داسـتان نزول دو آیه فـوق این‌گونه حکـایت شـده است که مردی از انصـار به نـام «ثَعْلَبه» مرتب خـدمت پیـامبر صـلی الله علیه و آله می‌رسـید و اصـرار داشت که ایشان برای ثروتمنـد شـدن او دعا کنـد و حضـرت امتناع می‌کرد و می‌فرمود: مقدار کمی (از مال) که بتوانی حق شـکر آن را ادا کنی، از مقـدار زیـادی که توانـایی سپاس‌گزاری آن را نداشـته باشـی، بهتر است و یـا می‌فرمود: آیا بهتر نیست که به زندگی ساده پیامبر اقتدا کنی؟ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۷ اما سرانجام سوگند یاد کرد که حقوق اموالم را می‌پردازم و پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و پس از مدتی ثروتی سرشار (از طریق ارث یا دامداری) برایش حاصل شد و رفته رفته به اطراف مـدینه کوچ کرد و از نمـاز جماعت و حتی نماز جمعه پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز محروم شـد. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور جمع‌آوری زکات را نزد او فرستاد، و ثَعلبه از پرداخت زکات امتناع کرد و آن را شبیه جِزْیه یا مالیات اهل کتاب خواند و پیامبر صـلی الله علیه و آله که این سـخن را شـنید، فرمود: وای بر ثعلبه! وای بر ثعلبه! سـپس آیات فوق بدین مناسـبت فرود آمد «۱». نکته‌هـا و اشاره‌ها ۱. آیه فوق بـا اشـاره به یکی از صـفات زشت منافقـان می‌فرمایـد: آن‌هـا به هنگام فقر از ایمان دم می‌زننـد، ولی همین‌که به نوایی رسـیدند، غرق دنیاپرستی می‌شونـد و پیمان‌های خود با خدا را فراموش می‌کنند، و همین کم‌ظرفیتی آنان که سـبب بخل و دنیاپرستی و خودخواهی می‌شود، روح نفاق را در آنان پرورش می‌دهد «۲». ۲. مطلب آیه فوق بحثی تاریخی نیست، بلکه بیـان یـک واقعیت اخلاقی و اجتمـاعی است که در هر عصـری و هر جـامعه‌ای نمونه‌هـایی فراوان دارد. ۳. از آیه فـوق اسـتفاده می‌شود که کم‌ظرفیت بودن یکی از نشانه‌هـای منافقـان است؛ زیرا نفاق همان دوگانگی شخصـیت و دو چهره بودن است و

انسان باظرفیت، دو شخصیتی نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۸ ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که اگر انسان ظرفیت نداشته باشد، نعمت‌ها برای او نقمت و بلا می‌شود و از این رو است که مصلحت انسان همواره در داشتن ثروت زیاد نیست. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که اگر کسی در پرداخت حقوق مالی اسلامی بُخل ورزد، و به دنیا دل ببندد، رفته رفته از دین روی‌گردان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را از عهدشکنی و کم‌ظرفیتی و بُخل آنان بشناسید. ۲. کم‌ظرفیتی، زمینه‌ساز بُخل و بخیل بودن، زمینه‌ساز عهدشکنی است. (که همه این‌ها مقدمه بد فرجامی و نفاق است.) *** خدای متعال در آیات ۷۷ و ۷۸ به نقش عهدشکنی و دروغ‌گویی در تثبیت نفاق و آگاهی خدا اشاره کرده و می‌فرماید: ۷۷ و ۷۸. «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقاً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ* أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ؛ و تا روزی که ایشان آن [: خدا] را ملاقات کنند، نفاق را در دل‌هایشان باقی گذاشت؛ بخاطر آنکه با خدا، در مورد آنچه بدو وعده داده بودند، تخلف ورزیدند؛ و بخاطر آنکه همواره دروغ می‌گفتند.* آیا ندانسته‌اند که خدا راز آنان و رازگویی‌شان را می‌داند؛ و اینکه خدا به (اسرار) نهان‌ها بسیار داناست؟!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که بسیاری از گناهان و صفات زشت، علت و معلول یکدیگرند و از این رو است که بُخل و پیمان‌شکنی سبب پیدایش نفاق می‌شود. ۲. مقصود از «روزی که او را ملاقات می‌کنند»، روز ملاقات با خدا و حساب و جزای الهی است که همان روز رستاخیز است. برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که مقصود از آن، لحظه مرگ یا هنگام ملاقات نتیجه بُخل باشد؛ البته این احتمال‌ها قابل جمع نیز هست، ولی ظاهر آیه همان ملاقات با خداست. ۳. مقصود از ملاقات با خدا، دیدن حسّی خدا نیست؛ زیرا او جسم نیست تا دیده شود، بلکه منظور شهود او و یا درک ثواب و کیفر او است «۱». ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیمان‌شکنی و دروغ‌گویی از صفات منافقان است و در حدیثی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «سه چیز در هر کس باشد، منافق است، هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند: کسی که در امانت خیانت کند و در سخن، دروغ گوید و به هنگام وعده، تخلف کند.» «۲» البته این‌گونه احادیث به نفاق اخلاقی اشاره دارد، نه نفاق عقیدتی که با کفر همگام است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۰ ۵. نفاق اقسامی دارد: دو چهره بودن زبانی، رفتاری، قلبی و عقیدتی: - دو چهره بودن با مردم؛ یعنی انسان ثروت داشته باشد، ولی به دیگران کمک نکند. - دو چهره بودن با خدا؛ یعنی با او پیمان ببندد، ولی تخلّف کند. دو چهره بودن در گفتار؛ یعنی انسان دروغ بگوید. دو چهره بودن در عقیده؛ یعنی کسی کافر باشد، ولی خود را مسلمان جلوه دهد. ۶. آیه اخیر به منافقان هشدار می‌دهد که خدا از کفر باطنی، توطئه‌ها، اهداف و نیّت‌های آن‌ها باخبر است؛ پس مراقب رفتار خود باشید. حاجت موری و اندیشه کم‌تر حیوان بر تو پوشیده نمانَد که سمیعی و بصیری (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیمان‌شکنی و دروغ‌گویی سبب پیدایش روحیه نفاق دائمی در انسان است. ۲. عهدشکنی نکنید و دروغ نگویید که خدا از همه اسرار شما آگاه است. *** خدای متعال در آیه ۷۹ به کارشکنی‌های منافقان از راه عیب‌جویی و تمسخر مؤمنان اشاره کرده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۷۹. «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَايَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسانی که از مؤمنانِ داوطلبِ بخشش‌های خالصانه، و (از) کسانی که جز به مقدار تلاششان نمی‌یابند، عیب‌جویی می‌کنند، و آنان را ریشخند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۱ می‌کنند، خدا آنان را (با کیفر خود) ریشخند کند؛ و برایشان عذاب دردناکی است!» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده است که هنگام آماده شدن لشگر اسلام (برای جنگ تبوک) به کمک‌های مردمی نیاز بود، و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را اعلام کرد، مردم توانگر کمک‌های مالی و زکات خود را برای تجهیز رزمندگان اسلام آوردند و برخی کارگران کم درآمد مانند «ابو عقیل انصاری» نیز با اضافه کاری، مقدار کمی خرما تهیه کردند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. منافقان به هر دو گروه ایراد گرفتند و درباره توانگران گفتند: این‌ها ریاکارانه مقدار زیادی کمک کردند و فقیران را که مقدار کمی کمک کرده بودند، تمسخر نمودند

و گفتند: آیا لشکر اسلام به چنین کمکی نیاز دارد؟ آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و منافقان را به شدت تهدید کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیات قرآن استفاده می‌شود که اهمیت در کیفیت کار است؛ یعنی هرگاه عمل با اخلاص و نیّت پاک صورت گیرد، ارزش فوق العاده‌ای دارد، اگر چه اندک باشد و این مطلب از آیه فوق نیز با توجه به شأن نزول آن، قابل استفاده است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۲ ۲. ارزش آن است که در جامعه اسلامی و هنگام بروز مشکلات، همگان احساس تکلیف کنند و هر کس به مقدار توانایی خود کمک نماید و به انتظار کمک توانگران ننشینند. ۳. در حدیثی آمده است که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسیدند: کدام صدقه و کمک از همه برتر است؟ حضرت فرمود: تلاش [و صدقه افراد کم درآمد «۱». ۴. آیه فوق منافقان را به‌جهت عیب‌جویی و ریشخند مسلمانان سرزنش می‌کند، و این دو صفت را از ویژگی‌های منافقان می‌شمارد، ولی این صفات به منافقان صدر اسلام اختصاص ندارد، بلکه در هر زمانی منافقان با ایجاد روح بدبینی و عیب‌جویی، مردم را از کار خیر دلسرد می‌کنند. ۵. مقصود از این جمله که فرمود: «خدا منافقان را مسخره می‌کند.» این نیست که خدا اعمالی همانند آنان انجام می‌دهد، بلکه به باور مفسران، مقصود آن است که مجازات مسخره‌کنندگان را به آنان می‌دهد و با منافقان آن‌گونه رفتار می‌نماید که همچون استهزا شدگان، تحقیر شوند. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که مسخره کردن مؤمنان حرام و سبب عذاب الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان کمک‌های مردمی (برای جبهه‌ها) را زیر سؤال می‌برند. ۲. هر کس به اندازه توان خود امداد رسانی کند که کیفیت کار مهم است. ۳. کیفرهای الهی متناسب با عمل‌کرد افراد است و مسخره کنندگان را مانند گناهشان مجازات می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۳

جایی که استغفار پیامبر (ص) نیز سودی ندارد

خدای متعال در آیه ۸۰ به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می‌دهد که طلب آمرزش برای منافقان سودی ندارد و می‌فرماید: ۸۰. «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَاتَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ اللّهُ لَهُمْ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ وَاللّهُ لَايَهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ برای شان آمرزش بخواهی، یا برای شان آمرزش نخواهی، اگر هفتاد بار برای آنان طلب آمرزش کنی، پس خدا آنان را نمی‌آمرزد! این بدان سبب است که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و خدا گروه نافرمانبرداران را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. «سَبْعِين» (: هفتاد) در آیه فوق برای بیان کثرت آمده است؛ یعنی بر عدد هفتاد به عنوان یک عدد خاص تأکید ندارد، بلکه مقصود آن است که هر قدر برای منافقان طلب آمرزش کنی، باز فایده‌ای ندارد. «۱» ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان کفر پیشه‌ای که مؤمنان را مسخره می‌کردند، چنان گناه سنگینی انجام داده‌اند که با استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نجات نمی‌یابند. ۳. آیه فوق به کفر و فسق (و نافرمانی) منافقان به عنوان سبب عدم پذیرش استغفار و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده است؛ یعنی منافقان خود قابلیت هدایت و آمرزش الهی را ندارند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۴ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. کفر، مانع آمرزش و فسق، مانع هدایت است. ۲. اگر می‌خواهید از شفاعت پیامبر و آمرزش الهی بهره‌مند شوید، از کفر و نافرمانی دست بردارید. ۳. رأفت اسلامی شامل حال منافقان، کافران و فاسقان نمی‌شود. *** قرآن کریم در آیه ۸۱ به کوتاهی و کارشکنی منافقان در جنگ تبوک اشاره کرده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۸۱. «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللّهِ وَكَرِهُوا أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ اللّهِ وَقَالُوا لَاتَنْفِرُوا فِى الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرّاً لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ واپس‌ماندگان، بخاطر مخالفت با فرستاده خدا، به (خانه) نشینی‌شان (در هنگام جنگ تبوک) شادمان شدند؛ و از اینکه با اموالشان و جان‌هایشان، در راه خدا جهاد کنند، ناخشنود بودند؛ و گفتند: «در این گرما، (برای جنگ) بسیج نشوید.» (ای پیامبر به آنان) بگو: «آتش جهنّم گرم‌تر است!» اگر (بر فرض) آنان همواره به طور عمیق می‌فهمیدند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. منافقان برای کارشکنی در جنگ، گرم بودن هوا را بهانه می‌کردند، و خدا نیز از همین گرما استفاده کرد و پاسخی دندان‌شکن به آنان داد؛ یعنی به پیامبر و

مسلمانان آموزش داد که تبلیغات مخالفان را با اصطلاحات خودشان پاسخ دهند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۵ ۲. منافقان درکی عمیق ندارند و ظاهربین هستند؛ از این رو، از خانه‌نشینی و ترک جهاد شادمان هستند؛ زیرا فقط گرمای هوا را در این دنیا می‌بینند، ولی از آتش سوزان دوزخ که برای آنان آماده شده است، غافل‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان چند نشانه دارند: از دستور پیامبر تخلف می‌کنند، از جنگ گریزی شادند، از جهاد با مال و جان ناخشنودند و دیگران را از رفتن به جبهه دلسرد می‌کنند. ۲. در مسائل ژرف‌نگر باشید و در برابر جهاد بهانه‌جویی نکنید. *** خدای متعال در آیه ۸۲ به گریه زیاد به عنوان کیفر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۲. «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيراً جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ پس (منافقان) باید، اندک بخندند و بسیار بگریند! به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق دو گونه تفسیر شده است: نخست آن‌که دستور می‌دهد منافقان باید کم‌تر بخندند و بیشتر گریه کنند؛ زیرا سرنوشت شومی در انتظار آن‌هاست. دوم آن‌که آیه خبر می‌دهد منافقان (در دنیا) مقدار کمی می‌خندند، ولی (در آخرت) بسیار گریه می‌کنند (که خنده‌های دنیا در برابر آن ناچیز است.) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۶ تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است «۱». ۲. منافقان پس از خلافکاری‌های خود می‌پنداشتند پیروز شده‌اند، و از این رو، قهقهه سر می‌دادند، ولی قرآن به آنان اخطار کرد که بسیار گریه کنند؛ زیرا آینده تاریک و عذاب‌آلودی در پیش دارند. ۳. گریه منافقان می‌تواند به جهت عذاب‌های دردناکی باشد که در انتظار آن‌هاست و یا بدین جهت که پل‌های پشت سر خود را خراب کرده‌اند، و یا این‌که استعداد و سرمایه عمر خویش را از دست داده و رسوایی و تیره‌روزی خریده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برخی خنده‌های زودگذر حسرت‌آور است و گریه‌های طولانی در پی دارد. ۲. منافقان به خاطر عمل‌کردشان به حال خود گریه کنند. *** خدای متعال در آیه ۸۳ با اشاره به ترفند دیگر منافقان، دستور مبارزه منفی با آنان را صادر می‌کند و می‌فرماید: ۸۳. «فَإِن رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَن تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَداً وَلَن تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوّاً إِنَّكُم رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۷ و اگر خدا تو را (پس از جهاد) به سوی گروهی از آن (منافق) ان بازگرداند، و از تو رخصت خروج (به سوی میدان جهاد دیگری) بخواهند، پس بگو: «هیچ‌گاه با من خارج نخواهید شد، و همراه من، با هیچ دشمنی نخواهید جنگید؛ [چرا] که شما نخستین بار، به نشستن (در خانه) راضی شدید، پس با متخلّفان بنشینید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان پیشنهاد شرکت در جنگ را داشتند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت و آن‌ها را با «متخلّفان» واگذاشت؛ «۱» زیرا این نوعی ترفند شیطنت‌آمیز از سوی آنان بود، و گرنه اگر آنان به واقع پشیمان می‌شدند و توبه می‌کردند، پیشنهاد شرکت آنان در جهاد پذیرفته می‌شد. ۲. منافقان می‌خواستند با پیشنهاد شرکت در جهاد، بر چهره زشت و خلاف‌کاری‌های گذشته خود سرپوش بگذارند و نوسان‌ها و اعمال ضد و نقیض خود را توجیه کنند، و این یک روش حساب شده و خطرناک بود. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که برخی منافقان از این ترفند استفاده می‌کردند و برخی دیگر به دلیل ترس یا رسوایی حاضر نبودند حتی پیشنهاد شرکت در جنگ را بدهند. ۵. مسلمانان عصر ما نیز با منافقان دو چهره روبه‌رو هستند، و لازم است همچون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دست ردّ بر سینه آنان بزنند و فریب آنان را نخورند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۸ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. به منافقان اجازه ندهید در جبهه حضور یابند و با آنان مبارزه منفی کنید. ۲. سوء سابقه افراد منافق صفت را فراموش نکنید. *** خدای متعال در آیه ۸۴ با اشاره به کفر منافقان، نماز بر مردگان آنان را نیز تحریم کرده و می‌فرماید: ۸۴. «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُم مَاتَ أَبَداً وَلَاتَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ؛ و هرگز بر هیچ یک از آن (منافق) ان که بمیرد، نماز [و دعا] نخوان! و (برای طلب آمرزش) بر قبرش نایست؛ [چرا] که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و مردند در حالی که آنان نافرمانبردار بودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمی‌توانست به طور رسمی دستور قتل و پاک‌سازی منافقان را از محیط جامعه اسلامی صادر کند؛ زیرا آنان در ظاهر مسلمان بودند؛ از این رو، با آنان مبارزه منفی می‌کرد و حتی نماز بر مردگان آنان را تحریم نمود. ۲. هر فرد مؤمن راستین در حال حیات و پس از

مرگ احترام دارد، و از این رو است که غسل، کفن، نماز و دفن مسلمانان با تشریفات محترمانه‌ای همراه است و حتی پس از مرگ نیز در کنار قبر او می‌آینـد و برایش آمرزش می‌خواهنـد. در آیه فوق انجام مراسم نماز، دعا و حضور بر سر قبر منافق ممنوع اعلام شده است تا این افراد از جامعه اسلامی طرد و برای دیگران مایه عبرت شوند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۵۹ ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از نزول این آیه بر منافقانی که در ظاهر مسلمان بودنـد، نماز و دعا می‌خواند و بر سر قبر آن‌ها حاضر می‌شد، ولی پس از نزول آیه فوق این برنامه‌ها تعطیل گردید «۱». ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که ایستادن در کنار قبر مؤمنان و دعا برای آنان جایز است؛ زیرا آیه این کار را برای منافقان منع کرده است؛ بنابراین، این کار برای مؤمنان جایز است. ۵. واژه «لاـ تُصَلِّ» یا به معنای لغوی آن است؛ یعنی برای مردگان منافقان دعا مکن، و یا به معنای اصطلاحی آن است؛ یعنی بر مردگـان منافقان نماز مگزار؛ معنای اول با برخی احادیث «۲» و معنای دوم با ظاهر آیه سازگار است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۰ ۶. آیه فوق خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، ولی در حقیقت تکلیف همه مسلمانان را با منافقان روشن می‌کند. در عصر کنونی نیز مسلمانان می‌توانند از مبارزه منفی علیه منافقان استفاده کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با مردگـان منـافق نیز مبـارزه منفی کنیـد و نماز بر آنان را تحریم نماییـد. ۲. از مراسم عبـادی خود برای مبـارزه تبلیغـاتی علیه مخالفان اسلام استفاده کنید. ۳. منافقـان، کـافرکیش فاسق صـفت‌اند. *** خـدای متعال در آیه ۸۵ اموال و فرزنـدان زیاد را وسیله عـذاب منافقان معرفی می‌کنـد و می‌فرماید: ۸۵. «وَلَا تُعْجِبْکَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ أَن یُعَذِّبَهُم بِهَا فِی الْدُّنْیَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ کَافِرُونَ؛ و اموال آن (منافق) ان و فرزندانشان، تو را به شگفت نیاورد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد، بدین سبب آنان را در دنیا عـذاب کنـد، و جان‌هایشـان بر آیـد در حـالی که آنان کافرنـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها مضـمون این آیه در آیه ۵۵ این سوره گـذشت و نکته‌هـا و اشاره‌هـا و پیام‌هـا در آن‌جـا بیـان شـد. تکرار این آیـات برای نشان دادن اهمیت مطلب است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۱ خدای متعال در آیات ۸۶ و ۸۷ به واکنش منافقان ثروتمنـد در برابر فرمان جهاد و نادانی آنان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۸۶ و ۸۷. «وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَکَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَکُن مَعَ الْقَاعِدِینَ* رَضُوا بِأَن یَکُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَی قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَایَفْقَهُونَ؛ و هنگـامی که سوره‌ای فرو فرسـتاده شود که: «به خـدا ایمان آورید، و همراه فرستاده‌اش جهاد کنید.» سـرمایه‌دارانِ از آن (منافق) ان، از تو رخصت می‌خواهند و می گویند: «ما را رها ساز تا با فرو نشسـتگان باشـیم.»* (منافقان) راضی شدند که همراه (خانه) نشستگان باشند؛ و بر دل‌هایشان مهر نهاده شده؛ پس آنان فهم عمیق نمی‌کنند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. ثروت اندوزی «۱» و دنیا دوستی انسان را از وظایف الهی خویش باز می‌دارد، به گونه‌ای که از جهاد دست می‌کشد و خانه‌نشینی را ترجیح می‌دهد. ۲. منافقان افرادی جنگ گریز هستند؛ زیرا در حقیقت به دین و اهداف الهی جهـاد ایمان ندارنـد، ولی به جهت ترس و دنیاطلبی راه نفاق را در پیش گرفته و در صف مسلمانان مانده‌انـد و برای حفظ ظاهر، از پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۲ اجازه می گیرند که در جهاد شـرکت نکنند، در حالی که هیچ عذری برای ترک جنگ ندارند. ۳. آیه فوق اشاره کرده که منافقان به دلیل بی‌ایمانی و آلودگی به گناه، افرادی نادان هستند و از ایـن رو، از بلنـد همـتی کـه زاییـده فهـم و شـعور و آگـاهی است، بی‌بهره‌انـد، و به دلیـل همین پست همـتی است که حاضـرند با کودکان و خانه نشـینان بمانند و در میدان جهاد شرکت نکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مرفّهان بی‌درد هنگام جهاد به مرخصی می‌روند و خانه نشـینی را ترجیـح می‌دهند. ۲. منافقـان را از جنگ‌گریزی آنان بشناسـید. ۳. منافقان دل مرده‌انـد و شـناخت عمیق ندارند. ۴. منافقـان را از پست همتی و ذلت پـذیری آنان، بشناسـید. *** خـدای متعال در آیه ۸۸ به صـفات و روحیـات پیامبر و مؤمنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۸. «لکِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولئِکَ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ وَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ولی فرسـتاده [خـدا] و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموالشان و جان‌هایشان جهاد کردند؛ و آنان، همه نیکی‌ها مخصوص آنهاست؛ و تنها آنان رسـتگارانند.» تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۳ نکته‌هـا و اشاره‌ها ۱. واژه «خیرات «۱»» لفظی عـام و جامع

است و تمام خیرها، موفقیت‌ها، سعادت‌ها و موهبت‌های مادی و معنوی را شامل می‌شود که همه آن‌ها برای پیامبر و مؤمنان است. ۲. تعبیرهای دو جمله اخیر آیه فوق انحصار را می‌رساند؛ یعنی فقط پیامبر و مؤمنان رستگار واقعی‌اند و تنها آنان استحقاق هر گونه خیر و سعادتی را دارند. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که اگر ایمان با جهاد همراه شود، هر گونه خیر و سعادتی را در پی خواهد داشت و بدون آن‌ها، رستگاری، خیر و برکتی نخواهد بود. ۴. در آیه پیشین، به همت پست منافقان اشاره شد که حاضرند با کودکان در پشت جبهه بمانند، و در آیه فوق به همت بلند مؤمنان اشاره شده است که حاضرند در جهاد با تمام مشکلاتش شرکت کنند تا به رستگاری و سعادت برسند، و این مطلب از روشن‌بینی و بلندهمتی آنان ناشی می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رستگاری و سعادت تنها در سایه ایمان و جهاد به دست می‌آید. ۲. رهبر اسلام و مؤمنان با همه وجود و جان و مال خود در راه خدا مبارزه کنند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۴ خدای متعال در آیه ۸۹ به پاداش‌های اخروی مؤمنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۹. «أَعَدَّ اللّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ؛ خدا برای آنان بوستان‌های (بهشتی) فراهم ساخته که نهرها از زیر [درختان] ش روان است؛ در حالی که در آنجا ماندگارند؛ این، کامیابی بزرگ است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. «خدا بهشت را برای مؤمنان آماده ساخته است.» این تعبیر نشانه احترامی است که خدا برای مؤمنان جهادگر قائل است و آن‌قدر به آن‌ها اهمیت می‌دهد که بهشت را پیش‌تر آماده قدوم آنان می‌سازد. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که بهشت آفریده شده و نعمت‌های بهشتی هم‌اکنون موجود است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پاداش مجاهدان راه خدا از پیش آماده شده و آن، بهشت برین و کام‌یابی بزرگ است. ۲. اگر بهشت می‌خواهید، با جان و مال جهاد کنید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۵ خدای متعال در آیه ۹۰ حساب افراد معذور از جنگ را از متخلفان منافق جدا می‌سازد و می‌فرماید: ۹۰. «وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِیُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِینَ کَذَبُوا اللّهَ وَرَسُولَهُ سَیُصِیبُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ؛ و عذر خواهان از عرب‌های صحرانشین (نزد تو) آمدند، تا به آنان رخصت (ترک جهاد) داده شود؛ و کسانی که به خدا و فرستاده‌اش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه) نشستند؛ بزودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مفسران قرآن درباره این‌که مقصود از «معذوران» در آیه فوق چه کسانی هستند، چند دیدگاه وجود دارد: براساس دیدگاه نخست، مقصود معذوران واقعی هستند که مرخصی می‌خواستند و از این رو، در برابر منافقان از آنان یاد می‌شود. براساس دیدگاه دوم، منظور کسانی هستند که عذرهای واهی و دروغین می‌تراشیدند تا از جهاد فرار کنند، در برابر منافقانی که حتی زحمت عذر تراشی هم به خود نمی‌دادند. براساس دیدگاه سوم، معذوران شامل هر دو گروه است. «۱» در این میان، ظاهر آیه و قرائن کلام با احتمال اول موافق است. ۲. دروغ معمولاً با زبان گفته می‌شود ولی در عمل هویدا می‌شود. شاید مقصود از دروغ‌گویی منافقان در آیه فوق همان دروغ عملی باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. در جنگ، حساب معذوران واقعی را از منافقان دروغ‌گو جدا کنید. ۲. دروغ‌گویان فرو نشسته از جهاد که به کفر گرایند، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ***

چه کسانی از جنگ معاف هستند؟

خدای متعال در آیه ۹۱ به معافیت سه گروه از جنگ اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۱. «لَیْسَ عَلَی الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَی الْمَرْضَی وَلَا عَلَی الَّذِینَ لَایَجِدُونَ مَایُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَی الْمُحْسِنِینَ مِن سَبِیلٍ وَاللّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ؛ بر کم‌توانان و بر بیماران، و بر کسانی که نمی‌یابند چیزی را که (در راه جهاد) مصرف کنند، هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست، هنگامی که برای خدا و فرستاده‌اش خیرخواهی کنند؛ بر نیکوکاران هیچ راه (مؤاخذه‌ای) نیست؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این گونه حکایت شده است که یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت ایشان عرض کرد: من نابینا (و ناتوانم و حتی کسی را ندارم که دست مرا بگیرد و به میدان جهاد بیاورد)، آیا من معذورم؟ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۷

حضرت سکوت کرد و آیه فوق فرود آمد و تکلیف این گونه افراد را روشن ساخت «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق بیان کرده که سه گروه ناتوانان، بیماران و افرادی که وسیله مبارزه ندارنـد، از شـرکت در جنگ معاف‌اند، و این یک قانون عقلی و منطقی است که در اسـلام نیز بر آن تأکید شده است. ۲. مقصود از «ضُـعَفاء» در آیه فوق افرادی هستند که بر اثر پیری یا نقص عضو و یا نابینایی ناتوان شده‌اند. ۳. واژه «حَرَج» در اصـل به معنـای مرکز اجتمـاع چیزی است و از آن‌جا که اجتماع با تنگی و کمبود جا همراه است، این واژه به معنـای «تنگی، ناراحتی، مسـئولیت و تکلیف» نیز آمـده است، و در آیه فوق به همین معنای تکلیف و مسـئولیت است. ۴. واژه «نَصَحُوا» کلمه جامعی است که هر گونه خیرخواهی و اقدام مخلصانه و نصیحت را شامل می‌شود. ۵. آیه فوق شرط معافیت این سه گروه و وظیفه آنـان را در پشت جبهه چنین بیان کرده است که آنان بایـد با رفتار و سـخنان خود مجاهـدان را تشویق کننـد و در تضـعیف روحیه دشمن بکوشند. ۶. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که به طور کلی هیـچ کس از همکاری با مجاهـدان راه خـدا معاف نیست و هر کس نمی‌توانـد اسلحه بردارد، بـا زبـان و تبلیغ و کردار خود پشتیبان رزمنـدگان باشـد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۸ ۷. واژه «غفُور» در اصـل به معنـای پوشانـدن است؛ یعنی خـدا به مقتضای این صـفت خود، پرده بر کار افراد ناتوان می‌کشـد و عذرشان را می‌پذیرد. ۸. واژه «رحیم» به معنای مهربان و مهرورز است که خـدا به مقتضای آن، تکلیف مشـکل بر عهـده کسی ننهاده و افراد ضعیف را از جنگ معاف کرده است. ۹. در آیه فوق آمده است که: «راهی برای مؤاخذه و سرزنش نیکوکاران نیست.» این جمله درباره معـذوران از جنگ آمده است، ولی مخصوص آن‌ها نیست، بلکه یک قاعده کلی است که قوانین و احکام زیادی از آن در فقه اسـتفاده می‌شود؛ برای مثال، اگر کسـی امانتی را نزد انسان امینی بگذارد و بدون افراط و تفریط تلف شود، این شخص امین ضـامن نیست؛ زیرا نیکوکار است. ۱۰. در برخی احادیث حکایت شده که هنگام بازگشت سپاه اسلام از تبوک، پیامبر صلی الله علیه و آله در نزدیـک مـدینه فرمودنـد: شـما در این شـهر مردانی را پشت سـر گذاشتیـد که در تمـام مسیر بـا شـما بودنـد. پرسـیدند: چگونه با ما بودند با این‌که در مدینه ماندند؟ حضـرت پاسخ داد: به این دلیل که آنان به جهت عذر داشتـن نتوانستند در جهـاد شـرکت کننـد (ولی قلب‌های آنان با ما بود.) «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها ۱. سه گروه ناتوانـان، بیمـاران و نـاداران را از حضـور در جبهه‌ها معاف کنید. ۲. معـاف بودن از مرحله‌ای از مراحـل جهـاد، به معنای معـذور بودن از مرحله‌های آسان‌تر نیست و هر کس به قدر توان خود مسئول است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۶۹ خدای متعال در آیه ۹۲ به معافیت گروه چهارم از جنـگ و عشق و اشـک آنان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۹۲. «وَلَـا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَـا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَاأَجِـدُ مَـاأَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الـدَّمْعِ حَزَناً أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ؛ و (نیز تکلیفی نیست) بر کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا سوارشان کنی، گفتی: «چیزی که شـما را بر آن سوار کنم، نمی‌یابم.» (آنان) روی برتافتنـد در حالی که در اثر انـدوه، اشک از چشـمانشان سـرازیر می‌شد! بخاطر اینکه نمی‌یابند چیزی را که (در راه خدا) مصرف کنند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده که هفت نفر از افراد فقیر مـدینه خـدمت پیـامبر صـلی الله علیه و آله رسـیدند و تقاضا کردنـد که وسـیله‌ای برای شـرکت در جهاد در اختیار آنان بگـذارد، اما چون پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـیله‌ای نـداشت، پاسخ منفی داد و آنان با چشـمان اشک‌آلود از خدمت ایشان خارج شدنـد و به نام «بَكّائُون» یعنی گریه کننـدگان مشـهور شدند «۱». نکته‌هـا و اشاره‌ها ۱. در این آیه و آیه قبـل، چهـار گروه از معـاف شدگان از جهاد معرفی شده‌اند و گروه چهارم در حقیقت از گروه سوم که در آیه قبل بیان شد، جدا نیستند، ولی به دلیل امتیازهای ویژه‌ای که این گروه داشـتند، جداگانه ذکر شدند و از آنان قدردانی شد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۰ ۲. از آیه فـوق اسـتفاده می‌شـود که گروهی از یـاران پیـامبر صـلی الله علیه و آله عـاشق جهـاد بودنـد، آن‌گونه که از معـاف شـدن خوشـحال نمی‌شدنـد، بلکه از شدت ناراحتی چشـمانشان اشک آلود می‌گشت. «۱» ۳. براسـاس آیه فوق، افراد بی‌بهره از توان مـالی و وسـایل لازم برای شـرکت در جنگ، نزد پیامبر می‌آمدند و با اصـرار از ایشان وسایل می‌خواسـتند، و این نهایت علاقمندی آنان به جنگ را نشان می‌دهد و همین مطلب رمز پیروزی مسلمانان در صدر اسلام بود و اکنون نیز می‌تواند سبب سرافرازی مسلمانان شود. ۴. از آیه

فوق استفاده می‌شود که گریه مؤمنان به خاطر عشق به جهاد، آن‌قدر ارزش دارد که خدا در قرآن از آن یاد کرده است. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که اسلام دین آخرت و دنیاست و حتی برای جنگ و معافیت از آن، قوانین خاصی دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برخی یاران پیامبر عاشق جهاد بودند. (شما نیز این گونه باشید.) ۲. اگر کسانی به جهت کمبود وسایل نتوانند در جنگ شرکت کنند، معاف هستند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۱ خدای متعال در آیه ۹۳ به ثروتمندان بدون درد و بدون عذری اشاره کرده که از شرکت در جنگ معاف نیستند و می‌فرماید: ۹۳. «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَايَعْلَمُونَ؛ راه (مؤاخذه،) تنها بر کسانی است که از تو رخصت می‌خواهند، در حالی که آنان توانگرند (آنان) راضی شدند به اینکه با (خانه) نشستگان باشند؛ و خدا بر دل‌هایشان مُهر نهاده؛ و از این رو نمی‌دانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از مقایسه آیه فوق با آیه ۸۶ و ۸۷ همین سوره و همسان بودن مضمون آن‌ها، روشن می‌شود که مقصود از گروه فوق، منافقان هستند که با بهانه‌تراشی و رخصت‌طلبی می‌خواستند از شرکت در جنگ معاف شوند. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که ثروتمند بودن نه تنها مسلمان را از شرکت در جهاد معاف نمی‌کند، بلکه مسئولیت او را سنگین‌تر می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. انجام ندادن مسئولیت جهاد، سبب کوردلی و بی‌بصیرتی می‌شود. ۲. ثروتمندان (منافق صفت) را از جهاد معاف نکنید. *** خدای متعال در آیه ۹۴ به عذرتراشی بدون ثمر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۴. «يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَاتَعْتَذِرُوا لَن نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۲ هنگامی که به سوی آن (منافق) ان باز گردید، از شما عذرخواهی می‌کنند؛ بگو: «عذرخواهی نکنید، (ما سخن) شما را تصدیق نخواهیم کرد! [چرا] که خدا ما را از اخبار شما با خبر ساخته؛ و بزودی خدا و فرستاده‌اش، عملتان را می‌بینند؛ سپس به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید؛ و [او] شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد.» شأن نزول آیه فوق در مورد گروهی از منافقان است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از جنگ تبوک دستور داد کسی با آنان نشست و برخاست نکند و سخن نگوید، این گروه منافق که حدود هشتاد نفر بودند، در فشار شدید اجتماعی قرار گرفتند، و در مقام عذرخواهی برآمدند. آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و پیشاپیش از حال آنان خبر داد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیر «يَعْتَذِرُون» فعل مضارع است و از آن استفاده می‌شود که خدا پیش‌تر به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان خبر داده بود که منافقان برای عذرخواهی به زودی نزد شما می‌آیند و شیوه پاسخ‌گویی به آنان را نیز به مسلمانان آموزش داد. ۲. مفسران درباره جمله «سَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُم و رَسُولُه» دو احتمال بیان کرده‌اند: نخست آن‌که راه توبه و بازگشت به سوی منافقان باز است و دیگر آن‌که در آینده نیز خدا و فرستاده‌اش از اعمال و نقشه‌های منافقان آگاه می‌شوند «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۳ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. نسبت به عذرتراشانی که در جهاد شرکت نمی‌کنند، با قاطعیت برخورد کنید و عذر آنان را نپذیرید. ۲. خدا در دنیا و آخرت علیه منافقان افشاگری می‌کند. ۳. خدا از پنهان و آشکار آگاه است. *** خدای متعال در آیه ۹۵ به سوگندهای منافقان اشاره کرده و با دستور به روی‌گردانی از آن‌ها، به شدّت به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹۵. «سَيَحْلِفُونَ بِاللّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ هنگامی که به سوی آنان باز گردید، بزودی برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا از آنان صرف نظر کنید (و درگذرید،) پس از آنان روی گردانید؛ [چرا] که آنان پلیدند؛ و به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان جهنّم است!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق واژه «اعراض» به دو معنا به کار رفته است: نخست می‌فرماید: «منافقان از شما می‌خواهند که از آنان اعراض کنید»؛ یعنی از آنان درگذرید؛ و سپس می‌فرماید: «شما از آنان اعراض کنید»، یعنی با خشم و انکار از آنان رو برتابید و آنان را نبخشید. این دو تعبیر مشابه با دو معنای متضاد، لطافت و زیبایی خاصی به آیه داده است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۴ ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان از مقدسات و حتی نام خدا و سوگند به آن، برای فریب مسلمانان استفاده

می کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. فریب سوگندهای دروغین منافقان را مخورید. ۲. منافقانی را که بدون عذر به جبهه نمی‌روند، تحریم کنید. ۳. منافقان پلید و ناپاک‌اند. (زیرا نفاق سبب آلودگی روح انسان می‌شود.) ۴. دوزخ نتیجه عملکرد خود انسان است. ***
خدای متعال در آیه ۹۶ به نافرمانی منافقان و ناخشنودی خدا از آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۶. «یَحْلِفُونَ لَکُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللّهَ لَایَرْضَی عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِینَ؛ برای شما سوگند یاد می کنند تا از آنان راضی شوید؛ و اگر [شما] از آنان راضی شوید، پس حتماً خدا از گروه نافرمانبرداران راضی نخواهد شد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه پیشین، منافقان برای مؤمنان سوگند یاد می کردند تا آنان را عفو کنند و در برابر آنان واکنش نشان ندهند؛ اما در این آیه می‌خواهند مسلمانان را با سوگند، از خود راضی کنند تا قلباً هم از آن‌ها ناراحت نباشند، بلکه خشنود باشند. ۲. منافقان برای خشنودی مسلمانان اهمیت چندانی قائل نبودند، ولی می‌خواستند کدورت‌های قلبی مؤمنان را بشویند تا در آینده از عکس العمل‌های آنان در امان بمانند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۵ ۳. آیه فوق به مسلمانان هشدار می‌دهد که منافقان فاسق و نافرمان‌بردارند؛ بنابراین، رضایت و خشنودی از آنان صحیح نیست؛ زیرا این دام فریبی است که بر سر راه مؤمنان پهن می کنند. ۴. منافقان و روش‌های آنان در همه عصرها وجود دارند، پس چه نیکو است مسلمانان همواره مواظب باشند تا منافقان با همان نیرنگ‌ها و دام‌ها، مقاصد شوم خود را پیاده نکنند. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان در پی جلب نظر مردم و رضایت آن‌ها هستند و کاری به رضایت خدا ندارند، در حالی که خدا از آنان ناخشنود است؛ بنابراین، اگر کسی رضایت خدا را بخواهد، نباید از منافقان راضی شود و گرنه از راه خدا جدا افتاده است. ۶. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس به قیمت خشم مردم، در پی رضایت خدا باشد، خدا از او راضی می‌شود و مردم را نیز از او راضی می‌سازد، و هر کس با خشم خدا در پی جلب رضایت مردم باشد، خدا از او ناراضی می‌شود و دل مردم را نیز از او خشمگین و ناراضی می کند.» «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان در پی رضایت مردم‌اند، ولی شما در پی رضایت خدا باشید. ۲. خدا از منافقان راضی نیست؛ زیرا فاسق و نافرمان‌بردارند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۶ خدای متعال در آیه ۹۷ منافقان صحرانشین را سرزنش می کند و می‌فرماید: ۹۷. «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ کُفْراً وَنِفَاقاً وَأَجْدَرُ أَلَّا یَعْلَمُوا حُدُودَ مَاأَنْزَلَ اللّهُ عَلَی رَسُولِهِ وَاللّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ؛ عرب‌های صحرانشین، در کفر و نفاق شدیدترند؛ و به ناآگاهی از حدود آنچه خدا بر فرستاده‌اش فرو فرستاده، سزاوارترند؛ و خدا دانای فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات پیشین مطالبی درباره افکار و نقشه‌های شوم منافقان داخل شهر مدینه بیان شد و بدین جهت که مسلمانان نپندارند منافقان تنها این گروه هستند، به منافقان خشن صحراگرد اشاره کرده است که بارها مسلمانان را مورد هجوم قرار دادند. ۲. قرآن کریم در محیط جاهلی جزیرةالعرب ظهور کرد که به تمدن و شهرنشینی اهمیتی نمی‌داد؛ اما اسلام اهمیت ویژه‌ای برای عوامل تمدن‌ساز مانند شهرنشینی قائل شد و از این رو است که در آیه فوق می‌خوانیم: افرادی که در نقاط دور افتاده زندگی می کنند، از نظر معلومات و ایمان مذهبی عقب‌ترند. و در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «به مراکز بزرگ [جمعیت بپیوندید؛ زیرا دست خدا با جماعت است.» «۱» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۷ ۵. واژه «اعرابی» به معنای «صحرانشین «۱»» در برابر شهرنشین، در فرهنگ اسلامی یک مفهوم ارزشی شده است که چندان به مکان جغرافیایی وابسته نیست، بلکه نشان دهنده منطقه فکری و طرز تفکر انسان‌هاست و از این رو است که در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هر کس از شما از دین خود به طور عمیق آگاه نشود، اعرابی است «۲». و یا امام علی علیه السلام خطاب به برخی اصحاب عصیانگرش فرمود: «بدانید که شما بعد از هجرت اعرابی شدید.» «۳» بنابراین، ممکن است کسی در شهر زندگی کند، ولی اعرابی و صحرانشین عقب افتاده و جاهل به شمار آید، و ممکن است کسی در بیابان‌ها و روستاها زندگی کند، اما به خاطر فرهنگ، دانش و ایمانش، انسانی شهرنشین و متمدن به شمار آید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اگر کفر و نفاق با جهل و دوری از فرهنگ همراه شود، انحراف شدیدتر می‌شود. ۲. صحرانشینی یکی از عوامل جهل و ناآگاهی نسبت به فرهنگ دینی است. (پس با مراکز علمی و دینی ارتباط برقرار کنید) *** تفسیر قرآن مهر (ویژه

جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۸ خدای متعال در آیه ۹۸ به صفات برخی صحرانشینان منحرف اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۸. «وَمِنَ الأعْرَابِ مَن یَتَّخِذُ مَایُنْفِقُ مَغْرَماً وَیَتَرَبَّصُ بِکُمُ الدَّوَائِرَ عَلَیْهِمْ دَائِرَةُ السَّوءِ وَاللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ؛ و از عرب‌های صحرانشین کسانی هستند که آنچه را (در راه خدا) مصرف می کنند، زیان می‌شمارند؛ و برای شما حوادثی انتظار می کشند، حادثه بد، بر (خود) آنان است؛ و خدا شنوای دانـاست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشـاره شـده که اعراب بادیه‌نشـین، به دلیـل نفاق، کفر، بُخل و تنگ نظری‌شان، هر گونه خدمت مالی در راه خدا را ضـرر می‌پندارند «۱» و حسادت آنان سـبب می‌شود که همواره در انتظار بروز مشـکلات و مصیبت‌هایی برای دیگران باشند، «۲» در حالی که مؤمنان مصرف مال در راه خدا را تجارتی پر سود می‌دانند و برای دیگران آرزوی خیر و نیکی دارنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مصـرف اموال در راه خدا را ضـرر نپندارید. ۲. منافقان منتظر حوادث تلخ باشـند. *** تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۷۹ خدای متعال در آیه ۹۹ به گروه مؤمنان صحرانشـین اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۹. «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن یُؤْمِنُ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَیَتَّخِذُ مَایُنفِقُ قُرُبَاتٍ عِندَ اللّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَیُدْخِلُهُمُ اللّهُ فِی رَحْمَتِهِ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ؛ و از عرب‌های صحرانشـین کسانی هسـتند، که به خـدا و روز بازپسـین ایمان دارنـد؛ و آنچه را (در راه خدا) مصـرف می کنند، [مایه نزدیکی‌هایی در پیشگاه خدا، و دعاهای فرستاده [او] می‌شمارند؛ آگاه باشید که به راستی این [مایه نزدیکی آنان است. بزودی خدا آنـان را در رحمتش در آورد؛ [چرا] که خـدا بسـیار آمرزنـده [و] مهرورز است.» نکته‌هـا و اشاره‌هـا ۱. در آیات پیشـین حال اعراب صحرانشـین منـافق صـفت بیان شـد و برای این‌که کسـی گمان نکنـد همه اعراب بیابان‌ها این‌گونه‌انـد، در این آیه به صـفات اعراب صحرانشـین مؤمن و نیکوکـار اشاره شـده است. آری، این شـیوه قرآن است که اگر گروهی را سـرزنش می‌کنـد، خوبان آن‌ها را به فراموشی نمی‌سپارد. ۲. در آیه فوق برای بشـارت به مؤمنـان صحرانشـین، تأکیـدهایی پی در پی آورده شـده است «۱» تا نشان دهد آنان با بخشـش‌های خود در راه خدا به طور حتم به او نزدیک و در رحمت الهی غوطه‌ور می‌شوند، و در پایان آیه نیز به دو صـفت آمرزندگی و مهربانی خدا اشاره شده است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۰ ۳. واژه «قُرُبات» جمع «قُرْب» به معنای نزدیکی است، و در این‌جا جمع آمـده است تا نشان دهـد مؤمنان صحرانشـین از انفاق خود، نزدیکی‌ها به سوی خـدا می‌جوینـد؛ اما مقصود از نزدیکی به خـدا، نزدیکی مکانی نیست؛ زیرا خـدا جسم نیست تا در مکانی باشد، بلکه مقصود نزدیکی مقامی یعنی رفتن به سوی او است که کمال مطلق می‌باشد و منظور آن است که صفات جمال و جلال خدا بر صفحه فکر و جان انسان پرتو افکند. ۴. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که اعتقادهـای صـحیح و قصـد قربت افراد در مصـرف اموالشـان، در نزدیکی آن‌هـا به خـدا موثر است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان صحرانشین را در کارهای خیر تشویق کنید. ۲. خـدا مؤمنانی را که اموالشان را با قصد قربت در راه خدا می‌بخشند، غرق در رحمت خویش می‌سازد. ***

اقسام پیروان اسلام

خـدای متعـال در آیه ۱۰۰ به پیش‌گامـان اسـلام و پیروان راستین آنـان و پاداش‌هایشـان اشـاره کرده و می‌فرمایـد: ۱۰۰. «وَالسَّابِقُونَ الأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَالأَنْصَارِ وَالَّذِینَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَضِیَ اللّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی تَحْتَهَا الأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدَاً ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ؛ و پیش‌گامـان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که (به شایسـتگی) در نیکوکاری از آنان پیروی کردنـد، خـدا از آنان خشـنود گشت، و آنان (نیز) از او خشـنود شدند؛ و بوسـتان‌هایی (بهشتی) برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر [درختـان] ش روان است؛ در حـالی که جـاودانه در آن ماندگارنـد، این کامیابی بزرگ است!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شـده است که خـدا از مهاجرین، انصار و تابعین خشـنود می‌باشد؛ زیرا آنان ایمان و اعمال شایسـته داشته‌اند. ۲. در آیه فوق آمـده است که مهـاجرین و انصـار و تابعین نیز از خـدا خشـنود هسـتند؛ زیرا هر چه می‌خواهنـد، خـدا به آنـان بخشـیده و پاداش‌های فوق العاده‌ای به آنان ارزانی داشـته است. ۳. مهـاجرین و انصار پیش‌گامان انقلاب

اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که در هنگام تنهایی، محاصره و خطرات، به یاری او شتافتند. مهاجرین با تحمّل شکنجه‌ها و تهمت‌ها، با عشق سوزان و اراده آهنین کنار پیامبر ماندند و خانه و بستگان خود را رها و به مدینه هجرت کردند. انصار نیز با آغوش باز از پیامبر و مهاجرین استقبال نموده، به آنان مسکن و غذا دادند و با تمام وجود از آنان دفاع کردند. ۴. واژه «احسان» ممکن است بیان وصف برنامه‌هایی باشد که تابعین از آن‌ها پیروی می‌کردند؛ یعنی تابعین از برنامه‌های نیکوی مهاجرین و انصار پیروی می‌کردند. همچنین امکان دارد «احسان» بیان وصف چگونگی پیروی باشد؛ یعنی تابعین به صورت شایسته‌ای از مهاجرین و انصار پیروی می‌کنند «۱». این احتمال نیز وجود دارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد؛ یعنی پیروی تابعین نباید در حرف و ادعا خلاصه شود، بلکه باید پیروی نیکویی در زمینه عقاید، افکار و اعمال شایسته آنان باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۲ ۵. مقصود از «تابعین» همه گروه‌هایی است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله یا زمان‌های بعد به اسلام پیوستند و هجرت کردند و یا مهاجرین را پناه دادند و از اسلام حمایت می‌کردند. و از برنامه و اهداف پیش‌گامان اسلام پیروی نمودند؛ به عبارت دیگر، مسئله هجرت، نصرت و تابعیت به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه محدود نمی‌شود، بلکه این مفهوم‌ها امروز نیز در شکل‌های دیگر وجود دارند و در آینده نیز وجود خواهند داشت و هر کس به نحوی در مسیر آن‌ها قرار گیرد، از تابعین خواهد بود «۱». ۶. درباره این‌که با سابقه‌ترین مسلمان چه کسی بوده است، همه مفسران و مورّخان گفته‌اند که نخستین مسلمان زن، خدیجه- همسر فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله- و نخستین مرد مسلمان حضرت علی علیه السلام است. «۲»- «۳» گفتنی است برخی دانشمندان اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: «نخستین کسی که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد می‌شود، نخستین کسی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۳ است که اسلام آورده و او علی بن ابیطالب است.» «۱» ۷. بسیاری از صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله مردانی بزرگ و شایسته بودند، ولی همه آنان معصوم و بدون خطا و اهل بهشت نبوده‌اند، و این مطلب از سه جهت قابل اثبات است: نخست آن‌که در آیه فوق قید «احسان» درباره تابعین آمده است؛ یعنی تابعین از اعمال و افکار شایسته مهاجرین و انصار پیروی می‌کنند؛ بنابراین، این قید به طریق اولی در خود مهاجرین و انصار نیز هست. دوم آن‌که در قرآن کریم بارها سخن از منافقان گفته شده که به ظاهر مسلمان و یار پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. و در همین سوره نیز مطالب زیادی درباره آنان بیان شده است و در آیه بعد نیز تذکر داده خواهد شد، و نمی‌توان گفت این افراد معصوم و بهشتی هستند. و سوم آن‌که از نظر تاریخی ثابت شده برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از او مرتد یا منحرف شدند و حتی با امام علی علیه السلام جنگیدند. «۲» بنابراین، هر چند پیامبر صحابه بزرگی همچون علی علیه السلام، ابوذر، سلمان و ... داشت، اصحاب منافق صفت و منحرف نیز داشت که در مورد هر گروه بر اساس افکار و عقایدشان حکم می‌شود «۳». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۴ ۸. در برخی تفسیرهای روایی آمده است که مقصود از «سابقین، مهاجرین و انصار کسانی هستند که ایمان آوردند و تصدیق کردند و بر ولایت علی علیه السلام ثابت ماندند «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیش‌گامی در نهضت یک ارزش است و پیش‌گامان در نزد خدا ارزشمندترند. ۲. پیروی از عقاید و کمالات و کردار نیکوی پیش‌گامان اسلام، یک ارزش است. *** خدای متعال در آیه ۱۰۱ به منافقان داخل مدینه و خارج آن و کیفر آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۱. «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَاتَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُم مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ؛ و از اطرافیان شما، برخی عرب‌های صحرانشین منافقند؛ و برخی ساکنان مدینه (نیز) به دو رویی خو گرفته [و سرکشی کرده اند، در حالی که (تو) آنان را نمی‌شناسی، (ولی) ما آنان را می‌شناسیم؛ بزودی آنان را دوبار عذاب می‌کنیم سپس به سوی عذاب بزرگی بازگردانده می‌شوند!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان چنان از حق عاری شده و بر کار خود مسلّط و تمرین کرده «۲» بودند، که می‌توانستند خود را در صف تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۵ مسلمانان راستین جا بزنند بدون آن‌که کسی متوجه آنان شود. ۲. در آیه فوق به منافقان داخل و خارج مدینه توجه داده شده و از مسلمانان خواسته شده است که هر دو

گروه را زیر نظر بگیرند و از منافقان خارج شهر غافل نشوند، ولی توجه داشته باشند که منافقان داخل مدینه بر کار خود مسلطتر و خطرناک‌ترند. ۳. مقصود از این‌که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله منافقان را نمی‌شناسد، شناخت پیامبر با علم عادی و معمولی است، و گرنه اشکالی ندارد که او از طریق وحی و اخبار غیبی از اسرار منافقان آگاه شود. ۴. مقصود از «عذاب بزرگ» همان مجازات‌های روز رستاخیز است، ولی در مورد دو عذاب دیگری که در آیه بدان‌ها اشاره شده، مفسران دو احتمال داده‌اند که براساس نخستین احتمال، مقصود رسوایی اجتماعی منافقان در دنیا و کیفر آنان هنگام مرگ است و براساس احتمال دوم، مقصود از عذاب دوم، ناراحتی درونی منافقان به جهت پیروزی‌های مسلمانان می‌باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مراقب منافقان داخلی و خارجی باشید. ۲. منافقان داخل شهر مرموزتر و خطرناک‌ترند. ۳. منافقان در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شوند. *** خدای متعال در آیه ۱۰۲ به مسلمانان خطاکار توبه کننده امید می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۲. «وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحاً وَآخَرَ سَيِّئاً عَسَى اللَّهُ أن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۶ و (گروه) دیگری که به پیامدهای (گناهان) شان اعتراف کردند، (و) کار شایسته را با (کار) بد دیگری در آمیختند، امید می‌رود که خدا توبه آنان را بپذیرد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده که «أبو لُبابه انصاری» و چند نفر دیگر از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند، ولی پس از نزول آیات سرزنش کننده، پشیمان شدند و خودشان را به ستون‌های مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بستند و سوگند یاد کردند که تا پیامبر آنان را باز نکند، همان‌جا بمانند. پیامبر صلی الله علیه و آله صبر کرد تا آیه فوق فرود آمد و آنان را از ستون باز کرد؛ سپس آن‌ها به شکرانه این موضوع همه اموال خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه کردند تا آن‌ها را در راه خدا مصرف کند؛ زیرا دلبستگی به آن اموال مانع رفتن آن‌ها به جبهه شده بود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله صبر کرد تا آیه بعد فرود آمد و قسمتی از آن اموال را پذیرفت «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «عَسی به معنای «شاید» است که معمولًا در مورد امیدواری و احتمال پیروزی و عدم آن گفته می‌شود؛ یعنی زمینه پذیرش توبه آنان وجود دارد، ولی خدا می‌خواهد آنان را در میان ترس و امید نگاه دارد تا مایه تکامل و تربیت آنان شود «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۷ ۲. به باور برخی مفسران، واژه «عسی اشاره به آن است که گناهکاران باید افزون بر توبه و پشیمانی، کارهای نیکی نیز انجام دهند و گذشته خود را جبران کنند تا توبه آنان پذیرفته شود «۱». ۳. آیه فوق درباره أبو لُبابه و متخلفان جنگ تبوک فرود آمده است، ولی مفهوم آن وسیع است و شامل تمام افرادی می‌شود که اعمال نیک و بد را به هم می‌آمیزند و پشیمان می‌شوند و از این رو است که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «آیه فوق در مورد شیعیان گناهکار ماست.» «۲» یعنی شیعیان گناهکار نیز از مصادیق آیه قرار می‌گیرند. ۴. هر چند جمع زیادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله انسان‌های والاگهر و مجاهدان حقیقی و یاوران دین خدا بودند، ولی از آیه فوق استفاده می‌شود که همه آن‌ها عادل و معصوم نبودند و برخی از آنان مرتکب گناه نیز می‌شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اعتراف به گناه در پیش‌گاه خدا، زمینه‌ساز بخشایش الهی است. ۲. اگر لغزشی داشتید، توبه کنید که خدا آمرزنده و مهرورز است. *** خدای متعال در آیه ۱۰۳ به آداب گرفتن زکات و آثار سازنده آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۳. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۸ از اموال آنان بخشش خالصانه (و مالیات زکات) را بگیر، که بوسیله آن، پاکسازی و رشدشان دهی؛ و برایشان دعا کن؛ [چرا] که دعای تو، برای آنان آرامشی است؛ و خدا شنوای داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. بر طبق شأن نزولی که ذیل آیه قبل بیان شد، این آیه نیز در مورد أبو لُبابه و توبه او است؛ اما این‌که در آن‌جا گفته شده بود پیامبر یک سوم مال پیش‌کشی او را پذیرفت و در این‌جا از زکات مال سخن که از یک سوم کم‌تر است، شاید بدین جهت باشد که پیامبر مقدار اضافی بر زکات را به عنوان کفاره گناه از آنان گرفت. ۲. واژه «صَدَقه» در قرآن کریم گاهی به معنای «زکات» می‌آید و این مطلب در سوره‌های مدنی بیشتر است و در آیه فوق یا به معنای زکات و یا به معنای کفاره گناه و یا بخشش مستحبی خالصانه می‌باشد. «۱» ۳. واژه «مِنْ»

در آیه فوق نشان می‌دهد که زکات همواره جزئی از مال است و شامل همه یا قسمت عمده آن نمی‌شود. ۴. واژه «خُذ» نشان می‌دهد که رهبر مسلمانان و رئیس حکومت اسلامی می‌تواند زکات را از مردم بگیرد و لازم نیست منتظر میل مردم باشد که هرگاه خواستند، زکات را بپردازند. ۵. در آیه فوق بیان شده که زکات پاک کننده است؛ یعنی پرداخت کننده زکات را از رذایل اخلاقی همچون دنیاپرستی و بُخل پاک می‌کند و نیز مفاسد و آلودگی‌هایی را که در جامعه به جهت فقر و فاصله طبقاتی به وجود می‌آید، از صحنه اجتماع پاک می‌سازد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۸۹ ۶. در آیه فوق بیان شده که زکات رشد دهنده است؛ یعنی در دل پرداخت کننده زکات، نهال نوع‌دوستی و سخاوت پرورش می‌یابد و در صحنه اجتماع، پیشرفت اقتصادی به وجود می‌آید. ۷. آیه فوق به پیامبر و ما می‌آموزد که در برابر انجام وظیفه‌هایی واجب مانند زکات نیز از مردم تشکر کنیم، و از طریق معنوی و روانی آنان را تشویق نماییم؛ زیرا که دعا سبب آرامش روحی مردم می‌شود و می‌بینند که اگر در ظاهر چیزی از دست داده‌اند، اما بهتر از آن را به صورت معنوی به دست آورده‌اند. ۸. در احادیث آمده است هنگامی که مردم زکات خود را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آوردند، با عبارت «اللّهم صلّ علیهم» به آنان دعا می‌کرد «۱». ۹. آیه فوق بر طبق شأن نزول درباره توبه ابو لُبابه و دوستانش است، ولی مفهومی وسیع دارد و یک قانون کلی را در مورد زکات و آداب گرفتن آن و آثار سازنده‌اش بیان می‌کند، و از این رو است که در برخی احادیث آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «آیا این آیه در زمان‌های بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جاری است؟ حضرت فرمودند: آری.» «۲» ۱۰. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: هنگامی که آیه زکات [آیه فوق فرود آمد، ماه رمضان بود؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد شخصی به مردم ندا دهد که زکات مانند نماز بر شما واجب شد و زکات طلا، نقره، شتر، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۰ گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش را مشخص کرد و هر سال ماه رمضان مردم با صدای منادی، زکات خود را می‌پرداختند» .
آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مأموران مالیات اسلامی از مردم تشکر کنند و رابطه آنان عاطفی و معنوی باشد. ۲. پرداخت مالیات زکات از یک‌سو آلودگی‌های فرد و جامعه را پاک می‌سازد و از سوی دیگر، تکامل آفرین و رشد دهنده آن‌هاست. ۳. یکی از وظایف رهبر مسلمانان، گرفتن زکات است. *** خدای متعال در آیه ۱۰۴ با بیان این‌که توبه‌پذیر و گیرنده حقیقی زکات خداست، می‌فرماید: ۱۰۴. «أَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ هُوَ یَقْبَلُ التَّوبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَیَأْخُذُ الْصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ؛ آیا ندانسته‌اند که خدا، خود توبه را از بندگانش می‌پذیرد؛ و بخشش‌های خالصانه (و مالیات زکات) را می‌گیرد؛ و اینکه تنها خدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در شأن نزول دو آیه پیشین بیان شد که أبولُبابه و دوستانش که از جنگ تبوک تخلّف کرده بودند، اصرار داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله توبه و اموال آنان را بپذیرد، ولی آیه فوق اشاره دارد که نه تنها توبه‌پذیری کار خداست، بلکه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۱ گیرنده واقعی صدقات نیز خداست و پیامبر و افراد فقیری که صدقات را می‌پذیرند، در حقیقت نمایندگان خدا هستند. ۲. در برخی احادیث آمده است که پیشوایان معصوم شیعه هنگامی که صدقه می‌دادند، گاهی آن صدقه را می‌بوسیدند و یا صدقه را به فقیر می‌دادند سپس می‌گرفتند و بو می‌کردند و می‌بوسیدند و بر می‌گرداندند، و هنگامی که کسی از ایشان می‌پرسید چرا این‌گونه می‌کنید: می‌فرمودند: «صدقه به دست بنده نمی‌رسد، مگر این‌که قبل از آن در دست خدا قرار می‌گیرد و خدا برای انجام هر کاری فرشته‌ای قرار داده است؛ اما صدقه را خودش می‌گیرد.» «۱» ۳. در آیه فوق از «صدَقات» سخن گفته شده که زکات و بخشش‌های دیگری را که برای رضای خدا انجام می‌گیرد، شامل می‌شود و این مطلب از احادیثی که ذیل آیه آمده است، به خوبی روشن می‌شود «۲». ۴. هر چند که اسلام کوشش دارد در جامعه اسلامی نیازمند باقی نماند، ولی در هر جامعه‌ای افرادی از کار افتاده، آبرومند و کودکان یتیم و مانند آن‌ها هستند که لازم است از بیت المال یا با صدقات تأمین شوند؛ آیه فوق با اشاره لطیفی به مسلمانان هشدار می‌دهد که صدقه را با ادب و احترام به آنان بپردازید؛ زیرا گیرنده حقیقی آن خداست و این اشاره لطیف قرآن عظمت حکم زکات و صدقه را نیز مشخص می‌سازد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۲

آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. توبه‌پذیری مخصوص خداست و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله حق چنین کاری ندارد. ۲. گیرنده حقیقی زکات و صدقه خداست. (پس به بهترین صورت بپردازید) *** خدای متعال در آیه ۱۰۵ به دیدن کارها و عرضه اعمال بر خدا، پیامبر و مؤمنان خاص اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۵. «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ؛ و (ای پیامبر) بگو: «عمل کنید! پس بزودی خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان، کردار شما را می‌بینند! و بزودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید؛ و [او] شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آگاهی انسان از این‌که کسانی اعمال او را تحت نظر دارند، اثر عمیقی در پاک‌سازی اعمال و نیت‌های انسان دارد و سبب می‌شود انسان مواظب رفتار خود باشد، به‌ویژه اگر بداند که خدا، پیامبر و مؤمنان برجسته اعمالش را می‌بینند. ۲. در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، بر اساس بسیاری از احادیث، مشهور و معروف است که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از همه اعمال امت آگاه می‌شوند و کردارهای مردم از راه‌های خاصی بر آنان عرضه می‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۳ ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: تمام اعمال مردم، خوب و بد آن، هر روز صبح بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود؛ پس مواظب باشید. (سپس به آیه فوق استشهاد کردند.) «۱» ۴. آیه فوق مطلق است و شامل همه اعمال نهان و آشکار می‌شود، در حالی که بسیاری از اعمال انسان‌ها معمولًا از مؤمنان دیگر پنهان است و از سوی دیگر، غیر مؤمنان نیز اعمال عادی انسان را می‌بینند، در حالی که تکیه آیه بر مؤمنان است؛ بنابراین، روشن می‌شود که مقصود از مؤمنان در آیه، افرادی خاص همچون حضرت علی علیه السلام هستند که جانشینان به حق پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند که از نهان‌ها خبر دارند و از این رو است که در برخی احادیث، مقصود از مؤمنان در آیه «ائمه اطهار علیهم السلام» بیان شده است؛ «۲» ۵. در برخی احادیث تنها از عرضه اعمال بر پیامبر صلی الله علیه و آله سخن به میان آمده، و در برخی از امام علی علیه السلام نام برده شده و در برخی نیز تنها عصر پنج شنبه را وقت عرضه اعمال معرفی کرده و در برخی دیگر هر روز یا هفته‌ای دوبار یا آغاز هر ماه و یا هنگام مرگ و گذاردن در قبر معین شده است «۳»؛ البته این احادیث ممکن است همگی درست باشند و هر کدام مورد و مصداق خاصی از عرض اعمال را بیان کرده باشد؛ همان‌گونه که در مؤسسات گزارش کارکرد روزانه و هفتگی و ماهیانه و سالیانه وجود دارد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۴ ۶. مقصود از «رؤیت» در آیه فوق، علم یا معرفت و یا مشاهده محسوسات است؛ «۱» یعنی خدا که همه جا حضور دارد، همه اعمال را مشاهده می‌کند و بدان‌ها احاطه علمی دارد و مانعی ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز هنگام عرضه اعمال و آگاهی از آن‌ها، خود اعمال را نیز ببینند و همچون فیلمی آن‌ها را مشاهده کنند. ۷. مراقب باشید پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از شما ناراحت نشوند. امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: «طبق بعضی آیات، «۲» به تفسیر برخی از روایات «۳» اعمال انسان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام عرضه می‌شود و از نظر مبارک آنان می‌گذرد. وقتی که آن حضرت به اعمال شما نظر کنند و ببینند که از خطا و گناه انباشته است، چقدر ناراحت و متأثر می‌گردند؟ نخواهید که رسول خدا ناراحت و متأثر شوند؛ راضی نشوید که قلب مبارک آن حضرت شکسته و محزون گردد ...؛ ممکن است در حضور خدای تبارك و تعالی و ملائكهٔ اللّه خجل گردد ...؛ ممکن است خدای نخواسته شما را نفرین کند.» «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اعمال شما زیر نظر خدا و پیامبر و ائمه است (پس مواظب کردار خود باشید). ۲. برای روز بازبینی اعمال آماده باشید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۵ خدای متعال در آیه ۱۰۶ به گروه دیگری از متخلفان اشاره کرده و با معلّق کردن سرنوشت آنان می‌فرماید: ۱۰۶. «وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ و (سرنوشت گروهی) دیگر متوقف بر فرمان خداست، یا عذابشان می‌کند، و یا توبه آنان را می‌پذیرد؛ و خدا دانایی فرزانه است.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق دو گونه حکایت شده است؛ براساس برخی احادیث، آیه در مورد کافرانی است که با مسلمانان جنگیدند و افرادی را شهید کردند، سپس از کفر دست کشیدند و مسلمان شدند «۱» و بر طبق

آیه فوق سرنوشت آنان به فرمان الهی بستگی دارد. برخی مفسران نیز بر آنند که آیه فوق در مورد سه نفر از متخلّفان جنگ تبوک فرود آمده که داستان کامل آن ذیل آیه ۱۱۸ همین سوره می‌آید «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که این مسلمانان گناه‌کار، نه چنان ایمان محکم و اعمال پاکی دارند که بتوانند نجات یابند و نه چنان آلوده و منحرف‌اند که برای همیشه شقاوتمند گردند؛ پس به فرمان خدا واگذار می‌شوند «۳» تا بر اساس علم، حکمت خویش با آن‌ها چگونه معامله کند؟ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۶ ۲. از گروهی در آیه فوق و از گروهی در آیه ۱۰۲ سوره توبه یاد شد که مسلمان متخلف از جنگ تبوک و توبه کننده بودند و امید بخشش آنان می‌رفت. تفاوت این دو گروه در چند چیز است: یکی آن‌که گروه قبلی به سرعت توبه کردند و علامت پشیمانی خود را ظاهر نمودند و خود را به ستون مسجد بستند، ولی این گروه چنین نکردند. دوم آن‌که گروه نخست فقط از جنگ تبوک تخلّف کردند، ولی گروه دوم (بر طبق برخی روایات) به گناه بزرگی همچون کشتن حمزه آلوده بودند و این چیزی نبود که بتوانند به آسانی جبران کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. دست خدا در مجازات یا عفو گناهکاران باز است، ولی براساس علم و حکمت خویش عمل می‌کند. ۲. درباره سرنوشت مسلمانان (خطاکار) داوری نکنید، بلکه سرنوشت آن‌ها را به خدا واگذار کنید. ***

ماجرای مسجد ضرار

خدای متعال در آیه ۱۰۷ به داستان مسجد ضِرار و اهداف منافقان در مورد آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۷. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ و (برخی منافقان) کسانی هستند که مسجدی برگزیدند، برای زیان رساندن، و کفر ورزیدن، و تفرقه‌افکنی بین مؤمنان، و کمینگاهی برای کسی که پیش از [آن با خدا و فرستاده‌اش جنگ کرده بود؛ و به طور تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۷ قاطع سوگند یاد می‌کنند که: «اراده‌ای جز نیکی نداشته‌ایم.» و [لی خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغ گویند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق اینگونه حکایت شده که محرّک اصلی ماجرای مسجد ضرار، مردی از اهالی مدینه به نام «ابو عامر» و از راهبان مسیحی و مرتبط با دربار رومیان بود. او در طرّاحی جنگ احد نیز دخالت داشت و پس از فتح مکه به دربار «هِرَقِل» پادشاه روم رفت تا علیه مسلمانان لشگری بسیج کند و نامه‌ای به منافقان مدینه نوشت و نوید لشگر روم را داد و تأکید کرد که در مدینه پایگاهی برای خود بسازند. منافقان تصمیم گرفتند زیر نقاب مسجد، این برنامه را عملی سازند و از این رو، پیش از جنگ تبوک گروهی از منافقان مدینه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و به بهانه بیماران و پیرمردان اجازه خواستند مسجدی در نزدیکی مسجد قبا بسازند. و از آن حضرت نیز دعوت کردند که خود ایشان آن مسجد را افتتاح کند. پیامبر صلی الله علیه و آله کار را به پس از بازگشت از تبوک حواله کرد. آنان مسجد را ساختند و جوانی مسلمان را به امامت خویش برگزیدند. منافقان پس از بازگشت پیامبر از تبوک نیز آمدند و پیش از ورود ایشان به مدینه، تقاضای خود را بار دیگر مطرح کردند. در این هنگام پیک وحی فرود آمد و آیه فوق و چند آیه بعد را آورد و پرده از اسرار منافقان برداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مسجد مزبور را آتش زدند و پس از ویرانی، آن را به محل زباله‌های شهر تبدیل کردند «۱». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۸ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات گذشته تاکنون به چهار گروه منافقان و متخلفان اشاره شده است: الف- گروهی از عرب‌های صحرانشین که کفر و نفاق شدیدی دارند «۱». ب- گروهی ازمنافقان داخل مدینه «۲». ج- گروهی از متخلفان از جنگ تبوک که گناه کردند ولی با اعتراف و توبه و صدقه بخشوده شدند «۳». د- گروهی سه نفری از منافقان یا گروهی از کافران که سبب شهادت بزرگانی همچون حمزه شدند و سرنوشت آنان به فرمان الهی واگذار گردید «۴». اینک، در آیه فوق به گروه پنجم منافقان اشاره شده که با نقشه‌ای ماهرانه به ایجاد پایگاهی برای دشمن در مدینه اقدام کردند. ۲. واژه «ضِرار» به معنای زیان رساندن عمدی است؛

یعنی هدف منافقان بر خلاف ادعایشان، ساختن مسجد برای کمک به افراد ناتوان و نمازگزاران نبود، بلکه می‌خواستند به مسلمانان ضرر بزنند و حتی اگر بتوانند، نام اسلام را از صحنه روزگار محو کنند. ۳. مسجد قُبا و مسجد ضِرار نزدیک هم بود و منافقان قصد داشتند تا مؤمنان را به دو گروه تقسیم کنند و بین آنان تفرقه افکنند، و از تعبیرهای آیه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۱۹۹ استفاده شده است که نباید فاصله بین دو مسجد آن چنان نزدیک باشد که بر کاهش جمعیت هر یک از آن‌ها اثر بگذارد و جماعت مسلمانان بی‌رونق و بی‌روح شود. ۴. منافقان اهداف شوم خود را در ظاهری زیبا دنبال می‌کردند و قسم می‌خوردند که قصد خیر دارند؛ از این رو، خدا با چهار تأکید «۱» بر دروغ‌گویی آنان گواهی می‌دهد و سوگندهایشان را مردود می‌شمارد. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که نیّت در اعمال مهم‌تر از ظاهر عمل است. اگر مسجد نیز با نیّت زیان رساندن و تفرقه انداختن بنا شود، ثمری ندارد و باید ویران گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان از مذهب علیه مذهب استفاده می‌کنند (پس مسلمانان نباید به دنبال هر ندایی بروند). ۲. منافقان با ظاهری زیبا و با استفاده از مقدساتی همچون مسجد و سوگند، تبلیغات می‌کنند و اهداف شوم خود را دنبال می‌نمایند (پس مراقب باشید). ۳. مواظب پایگاه‌های داخلی دشمن باشید و اهداف آن‌ها را شناسایی (و خنثی) کنید. ۴. وحدت مسلمانان مهم است و حتی اگر ساختن مسجدی سبب تفرقه مؤمنان شود، آن مسجد نامقدس است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۰ عبادتگاه در قرآن و حدیث در اسلام، عبادت‌گاه مسلمانان «مسجد» نام دارد که احکام و مقررات خاصی برای آن قرارداده شده است. الف- مسجد در قرآن ۱. مساجد برای خدا (و پرستش او) است. (جن، ۱۸) ۲. مسجد محل عبادت و توجه به خداست. (اعراف، ۲۹) ۳. بر قبر اولیای الهی می‌توان مسجد ساخت (تا بنای یادبود باشد) (کهف، ۲۱) ۴. ستم‌کارترین مردم کسی است که مانع ذکر خدا در مساجد شود. (بقره، ۱۱۴) ۵. ایمان به خدا و رستاخیز، عامل اساسی آبادی مساجد است. (توبه، ۱۸) ۶. حفظ مساجد و عبادت‌گاه‌های غیرمسلمانان از خرابی و نابودی مهم است. (حج، ۴۰) یادآوری‌ها ۱. در مسجدی که محل توطئه منافقان و دشمنان اسلام شده، نماز نگذارید. (توبه، ۸- ۱۰۷) ۲. ثواب سیراب کردن حاجیان و آباد کردن مساجد، همچون ثواب مومنان مجاهد نیست. (توبه، ۱۹) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۱ ب- مسجد در احادیث ۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: مسجدها خانه‌های خدا در زمین است. (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۴) ۲. همو: هر کس مسجدی بسازد، خدا در بهشت برای او خانه‌ای می‌سازد. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵) ۳. نماز خانه در داخل منزل از امام علی علیه السلام روایت شده است که: در خانه خود اتاق کوچکی قرارداده بود و در آن نماز می‌خواند، و در آن اتاق فقط فرش، شمشیر و قرآن بود. (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۶۱) و از برخی اصحاب امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت به من نوشتند: دوست دارم در خانه‌ات مسجدی برای خودت قرار دهی. (همان، ج ۸۴، ص ۲۴۴) ج- آداب مسجد ۲. مسجد بر اساس تقوی بنا شود. (توبه، ۱۰۸) ۳. مانع ورود مردم به مسجد و یاد خدا در آن نشوید. (حج، ۲۵؛ مائده، ۲؛ بقره، ۱۱۴) ۴. مسجد را برای نمازگزاران پاکیزه کنید. (بقره، ۱۲۵؛ حج، ۲۶) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۲ ۵. احترام مسجد را نگاه دارید و نزدیک آن جنگ نکنید، مگر این‌که مجبور شوید. (بقره، ۱۹۱) ۶. در مسجد همه توجه خویش را به پروردگار معطوف کنید. (اعراف، ۲۸) ۷. مشرکان به مسجد نزدیک نشوند. (توبه، ۲۸) ۸. آبادی و تعمیر مساجد بر عهده مومنان است و مشرکان حق این کار را ندارند. (توبه، ۱۷- ۱۸) ۹. از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که آبادی مسجد آن است که «صدا در آن بلند نکنید، مشغول مطالب باطل نشوید، در آن خرید و فروش نکنید، و کارهای بیهوده را ترک کنید.» (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۵) ۱۰. از امام علی علیه السلام حکایت شده که نماز برای همسایه مسجد نیست مگر در مسجد، مگر این‌که عذری داشته باشد، یا مریض باشد. از ایشان پرسیدند: همسایه مسجد کیست؟ فرمود: هر کس صدای (موذن) را بشنود. (همان، ج ۸۳، ص ۳۷۹) ۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: مسجد را محل عبور و راه قرار ندهید مگر این‌که در آن دو رکعت نماز بخوانید. (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۲۸) یادآوری: برخی مطالب که در آیات مربوط به مسجد الحرام بیان شده است، با الغای خصوصیت شامل مساجد دیگر نیز

می‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۳ د- مساجد با عظمت ۱. مسجد الحرام قبله مسلمانان است. (بقره، ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۵۰) ۲. مسجد الحرام خاستگاه معراج پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (اسراء، ۱) ۳. مسجد الاقصی مقصد معراج پیامبر و اطراف آن مبارک است. (اسراء، ۱) ۴. در احادیث از مسجد قبا، مسجد کوفه، مسجد سهله به عظمت یاد شده است. (ر. ک: میزان الحکمهٔ، ج ۴، ص ۳۹۸) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۴ خدای متعال در آیه ۱۰۸ با معرفی مسجدی نیکو به مسلمانان، به پیامبر دستور مبارزه منفی با مسجد ضرار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۸. «لَاتَقُمْ فِیهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَی التَّقْوَی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِیهِ فِیهِ رِجَالٌ یُحِبُّونَ أَن یَتَطَهَّرُوا وَاللّهُ یُحِبُّ الْمُطَّهِّرِینَ؛ هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! حتماً مسجدی که از روز نخست بر پارسایی (و خود نگهداری) بنیانگذاری شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. به گفته مفسران مقصود از مسجد نیکویی که در آیه فوق بدان اشاره شده، مسجد قُبا است که در نزدیکی مسجد ضِرار قرار داشت و اولین مسجدی بود که در مدینه ساخته شد «۱». البته این احتمال نیز داده شده که مقصود، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه یا هر مسجدی باشد که بر اساس تقوا بنا شود. ۲. واژه «أحَق» به معنای «شایسته‌تر و سزاوارتر» است، ولی در آیه فوق منظور مقایسه بین شایسته و شایسته‌تر نیست، بلکه مقایسه بین مسجد ضِرار ناشایست و مسجد قُبای شایسته است؛ مانند آن‌که بگوییم: برای شما پاکی از ناپاکی بهتر است «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۵ ۳. مقصود از طهارت و پاکیزگی در آیه فوق معنای وسیع آن است؛ یعنی هرگونه پاک‌سازی روح از شرک و گناه و یا پاکی جسم از آثار آلودگی را شامل می‌شود. ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که به اهل مسجد قبا فرمودند: «شما در هنگام پاک ساختن خود چه کاری انجام می‌دهید که خدا شما را این‌گونه ستایش کرد؟ گفتند: ما آثار مدفوع را با آب می‌شوییم.» البته روشن است که این‌گونه احادیث دلیل بر انحصار مفاد آیه نمی‌شود، بلکه بیان یکی از مصادیق آیه است «۱». ۵. از آیه فوق می‌آموزیم که هرگاه چیز بدی را از مردم گرفتیم، چیز نیکویی به جای آن معرفی کنیم؛ اگر نماز در مسجد ضرار ممنوع می‌شود، بی‌درنگ مسجد نیکوی دیگری به جای آن معرفی می‌گردد. آری، این نفی و اثبات روش و شعار اسلام است، یعنی اگر کسی از تفریح‌های ناسالم جلوگیری می‌کند، باید وسایل تفریح‌های سالم را فراهم سازد؛ اگر فحشا و بی‌عفتی ممنوع می‌شود، باید وسایل ازدواج آسان گردد. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که کانون مثبت دینی، پایگاهی است که دو ویژگی داشته باشد: نخست آن‌که شالوده و هدف آن از آغاز پاک باشد. دوم این‌که افراد و حامیان آن، انسان‌هایی درستکار و پاک باشند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۶ ۷. در آیه فوق به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌شود که در مسجد ضرار نماز نگذارد؛ اما مقصود همه مسلمانان هستند و خطاب به آن حضرت از این رو است که وی رهبر و الگوی دیگران می‌باشد. ۸. برخی افراد از آلودگی‌های روحی و جسمی بر اساس فرمان الهی و ترس از جهنم پرهیز می‌کنند؛ اما برخی پاک‌اند؛ زیرا پاکی را دوست دارند، و این خود نوعی کمال برای انسان به شمار می‌رود که در آیه فوق از آن به نیکی یاد شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پایگاه‌های دشمن در شهرهای اسلامی را تحریم کنید، حتی اگر آن پایگاه به نام مسجد بنا شده باشد. ۲. اگر مردم را از رفتن به مراکز فساد باز داشتید، مراکز سالم و شایسته را به آنان معرفی کنید. ۳. علاقه به پاکی نیز خود کمال انسان به شمار می‌رود. ۴. انسان‌های پاک محبوب خدایند. ۵. ارزش هر مسجد به پاک بنیادی و افرادی نیک است که در آن رفت و آمد می‌کنند. *** خدای متعال در آیه ۱۰۹ به مقایسه بین دو گروه مؤمن و منافق و کارهای آنان می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۰۹. «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْیَانَهُ عَلَی تَقْوَی مِنَ اللّهِ وَرِضْوَانٍ خَیْرٌ أَم مَنْ أَسَّسَ بُنْیَانَهُ عَلَی شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِی نَارِ جَهَنَّمَ وَاللّهُ لَایَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۷ و آیا کسی که ساختمانش را بر پارسایی (و خود نگهداری) و خشنودی خدا بنیانگذاری کرده، بهتر است، یا کسی که ساختمانش را بر کنار پرتگاه فرو ریختنی بنیان نهاده است، و او را در آتش جهنّم فرو می‌افکند؟ و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «بُنیان» به معنای ساختمان، «شَفا» به

معنـای لبه چیزی و «جُرُف» به معنای کنار نهر یا چاه است که آب زیر آن را خالی کرده باشـد و «هار» به معنای شـخص یا ساختمان سستی است که در حال سـقوط باشد؛ یعنی «نفاق» ظاهری زیبا دارد، ولی محتوا و بنیان آن سـست و در حال سـقوط است. ۲. تشبیه فوق در نهایت روشـنی، بی‌ثباتی کار منافقان و اسـتحکام کار مؤمنان و برنامه‌های آنان را بیان می‌کند. مؤمنان همچون کسی هستند که ساختمـان خود را بر زمین محکم و بـا مصـالحی پر دوام ساخته است و منافقان همچون کسـی هسـتند که ساختمان خود را بر لبه رودخـانه‌ای کـه سـیلاب زیر آن را خـالی کرده و در حـال سـقوط می‌باشـد بنـا کرده است. ۳. در آیه فوق اشـاره شـده که منافقـان ستم‌کارنـد؛ زیرا با جـدایی از قوانین آفرینش و واقعیت‌ها، هم به خود سـتم می‌کننـد و هم به جامعه، و خدا این‌گونه افراد را هدایت نمی‌کند. ۴. هـدایت الهی یعنی فراهم سـاختن مقـدمات برای رسـیدن به مقصـد، و این هـدایت تنهـا شامل حال گروهی می‌شود که شایسـتگی، استحقاق و آمادگی دارند و از این رو، شامل ستم‌کاران نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۰۸ ۵. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که ارزش کارها و مکان‌ها، به نیّت‌هایی است که شالوده عمل بر آن نهاده می‌شود. آری، برخی مسـجدها انسان‌هـا را به خشـنودی خـدا رهنمون می‌شود و برخی مسـجدها حتی بنیان‌گـذاران خود را به دوزخ می‌افکنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. بنیاد منافقان بر پرتگاهی سـست است. ۲. نفاق و سوء اسـتفاده از مکان‌های مذهبی سـتم‌کاری است. ۳. اموری که زیر ساخت آن‌ها تقواست، بر امور دیگر ترجیـح دهیـد. *** خـدای متعـال در آیه ۱۱۰ به شـک‌آفرینی پایگاه‌هـای منافقان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۱۱۰. «لَـا یَزَالُ بُنْیَـانُهُمُ الَّذِی بَنَوْا رِیبَهً فِی قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ؛ ساختمـانی که آنان ساختنـد، همیشه (به عنوان سبب) تردیـد، در دل‌هایشـان بـاقی می‌مانـد؛ مگر اینکه دل‌هایشـان پـاره پـاره شود، و خـدا دانـای فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. منافقان به طور دائم در یک حالت حیرانی و سرگردانی و شک بسر می‌برند و حتی کانون نفاق آنان، یعنی مسجد ضـرار، به عامل دیگری برای لجـاجت و شـک‌آفرینی تبـدیل می‌شود و پیامبر صـلی الله علیه و آله هر چنـد مسـجد ضـرار را تخریب کرد و سوزانـد، گویی نقش آن از دل پر تردیـدشان از بین نمی‌رود. تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانـان)، ج۲۳، ص: ۲۰۹ ۲. در این آیه اشاره شـده که شبهه و تردیـد، شخصـیت انسان را پاره پاره می‌کند و هر بعد آن را به سوی خاصـی می‌کشد. آری، شک و شـبهه همچون خوره به جـان آدمی می‌افتـد و تـا او را از درون متلاشـی نکنـد، از کـار نمی‌ایسـتد. البته اگر شک عامل حرکت، مطالعه و ژرف‌نگری گردد مفیـد است. آموزه‌هـا و پیام‌ها ۱. همیشه پایگاه‌هـای منافقـان، شک‌آفرین است. ۲. پایگاه‌های شـما تردید آفرین و شـبهه‌انگیز نباشد (بلکه یقین‌آور و دانش‌افزا باشد). *** خدای متعال در آیه ۱۱۱، مؤمنان را به معامله‌ای پر سود بشارت می‌دهد و با یادآوری پاداش مجاهدان می‌فرماید: ۱۱۱. «إِنَّ اللّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَـهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ یُقَـاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللّهِ فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ وَعْـداً عَلَیْهِ حَقّاً فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنْجِیلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَی بِعَهْـدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِـرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بَایَعْتُم بِهِ وَذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ؛ در حقیقت خـدا، از مؤمنـان جان‌هایشـان و اموالشـان را خریـداری کرده، به (بهـای) اینکه بهشت برای آنـان باشـد؛ (چراکه) در راه خـدا پیکار می‌کنند، و می‌کشند و کشته می‌شوند؛ [این وعده حقّی است، که در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست؛ و چه کسی به عهدش، از خـدا وفادارتر است؟! پس بخاطر معامله‌تان، که با او معامله کردید، شادمان باشـید؛ و تنها این کامیابی بزرگ است!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۰ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق یک تشبیه زیباست و حال مجاهـدان و پاداش آنان را با یک مثال تجارت بیان کرده «۱» است؛ به این بیان که در هر معامله یا تجارتی پنج رکن اساسـی وجود دارد که عبارت‌اند از: - خریدار که در این‌جا خـدا خریـدار جان و مال مؤمنان معرفی شده است. - فروشـنده که مؤمنان مجاهد هسـتند. - کالای مورد معامله که در این‌جا جان‌هـا و اموال مؤمنـان است. - بهـای کالاـ که در این‌جا بهشت بهایی است که خـدا می‌پردازد. خرّم آن روز که جان می‌رود انـدر طلبت تا بیایند عزیزان به مبارک بادم (سـعدی) - سند معامله که در این‌جا تورات، انجیل و قرآن به عنوان سه سند محکم این معامله معرفی شده‌اند. ۲. در معامله فوق، افزون بر ارائه سـندهای محکم، اشاره شده که خود خریدار، یعنی خدا، وفادارترین شـخص نسبت به عهـد خـویش می‌باشـد که از ارائه هر سـندی مهم‌تر است. ۳. خـدا وفادارترین شـخص در وعـده‌های خود است؛ زیرا هم قـدرت

پرداخت دارد و هم نیـازی نـدارد تا بهای دیگران را نپردازد، و هم کاری بر خلاف حکمت انجام نمی‌دهـد؛ بنابراین، هر چنـد بهای این معـامله بهشت است، خطرهـای تجارت نسـیه را نـدارد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۱ ۴. در پایـان معامله، به خریـدار تبریـک و مژده می‌دهنـد که معـامله پر سودی کرده و به کامیـابی و رسـتگاری رسـیده است. قالب مجروح اگر در خاک و خون غلطد چه باک روح پاک اندر جوار لطف ربّ العالمین (سـعدی) ۵. آیه فوق نشان دهنـده اوج لطف الهی به انسان است؛ زیرا خدا با آن‌که مالک همه جهان است و کسـی بر او حقی ندارد، مواهبی را که خود به بندگان بخشـیده، از آنان می‌خرد و بهایی صد چنـدان در برابر آن‌ها بر عهـده می‌گیرد و می‌پردازد و جهادی را که موجب سـربلندی و پیروزی ملت‌هاست، به عنوان کالای معامله از انسان می‌خرد. ۶. در حدیثی آمده است: هنگام نزول آیه فوق پیامبر صـلی الله علیه و آله در مسجد بود و حضرت آیه را با صدای بلند خواند و مردم تکبیر گفتند. مردی از انصار پرسید: آیا این آیه بود که فرود آمد؟ حضرت پاسخ داد: آری، و آن مرد گفت: چه معـامله پر سـودی! نه این معـامله را پس می‌دهیم و نه اگر از مـا پس خواسـتند، می‌پـذیریم!» «۱» نوحه لاـیق نیست بر خاک شـهیدان زآن‌که هست کم‌ترین دولت ایشـان را بهشت برترین (سـعدی) ۷. در حـدیثی از امام صادق علیه السـلام آمده است: «برای بدن‌های شمـا بهـایی جز بهشت نیست، پس خود را به کم‌تر از آن نفروشـید.» «۲» تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۲ ۸. از آیه فوق اسـتفاده می‌شود که ارزش مجاهدان و جهاد، مخصوص تعالیم اسـلام نیست، بلکه در یهودیان و مسیحیان نیز مطرح بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا خریدار شـماست؛ پس خود را به دیگران نفروشـید و با او معامله کنید که معامله با خدا پر سود و پرداخت آن یقینی است. ۲. هدف جهاد اسـلامی کمک به راه خداست. ۳. بهشت، پاداش مجاهدان است چه شـهید شوند و یا زنده بمانند و دشـمن را نابود کنند. *** خدای متعال در آیه ۱۱۲ ویژگی‌های مؤمنان مجاهد را برمی‌شـمارد و می‌فرماید: ۱۱۲. «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِـدُونَ السَّائِحُـونَ الرَّاكِعُـونَ السَّاجِـدُونَ الآمِـرُونَ بِـالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُـونَ عَـنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَـافِظُونَ لِحُـدُودِ اللّهِ وَبَشِّرِ الْمُـؤْمِنِينَ؛ (آن مؤمنان)، توبه کننـدگان، پرسـتش کننـدگان، سـتایش کننـدگان، روزه‌داران، رکوع کنندگان، سـجده کنندگان، فرمان دهندگان به [کـار] پسـندیده، و منع کننـدگان از [کـار] ناپسـند، و پاسـداران مرزهـای خداینـد؛ و مؤمنـان را مژده ده!» نکته‌هـا و اشاره‌ها ۱. واژه «سـائِحُون» در اصـل به معنای سـیاحت، اسـتمرار و جریان است و تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۳ مفسران در مورد مقصود آیه فوق چنـد احتمال داده‌اند: – منظور رفت و آمد در کانون‌های عبادت و مساجد است؛ همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیـه و آلـه آمـده است: «سـیاحت امت من در مساجـد است.» «۱» – مقصود روزه‌داری است؛ زیرا روزه یـک کـار مستمر سراسـر روز است؛ همان‌گونه که از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده است: «سائِحان روزه‌دارانـنـد.» «۲» – مقصود از سـیاحت، گردشـگری و جهـان گردی است. – منظور از سـیاحت، حرکت به سوی جهـاد و میـدان مبـارزه است؛ همان‌گونه که در حـدیثی از پیامبر صـلی الله علیه و آله آمـده است: «سـیاحت امت من جهاد در راه خـداست.» «۳» – مقصود از سـیاحت، سیر عقلی و فکری در مسائـل جهان هستی است. البته معنای اول با سـیاق آیه سازگارتر است، ولی مانعی نـدارد که همه این معانی در آیه فوق اراده شـده باشد. ۲. در میان نُه صفت که برای مؤمنان مجاهد در آیه فوق شمرده شد، شش صفت اول به جنبه خودسازی و تربیتی افراد مربوط است، و صفت هفتم و هشتم (امر به معروف و نهی از منکر) به وظایف اجتماعی و پاک‌سازی محیط جامعه ارتباط دارد. وقت سخن مترس و بگو آنچه گفتنی است شمشـیر روز معرکه زشت است در نیـام تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۴ صفت نهم (حفاظت از حدود الهی و اجرای قوانین) به مسـئولیت‌های همگانی در مورد تشـکیل حکومت صالح و شـرکت فعّال در مسائل مثبت سیاسی مربوط می‌باشد. ۳. همه صـفات فوق به صورت اسم فاعل آمده است تا بر ثبات دلالت داشـته باشد؛ یعنی رسوخ و ثبات این کمالات در انسان مطلوب است. ۴. بشارت مطرح شـده که در آیه فوق به صورت مطلق آمده است و مفهوم وسـیعی دارد که شامل هر نوع خیر و سعادتی می‌شود. ۵. براساس برخی احادیث، مقصود از کسانی که صـفاتشان در آیه فوق شمرده شده، اهل بیت علیهم السلام هستند. «۱» روشن است که این‌گونه احادیث مصداق کامل این آیه را بیان می‌کند، ولی مفهوم آیه به آنان محدود نمی‌شود.

آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان مجاهدی اهل بهشتند که خود را با عبادت بسازند و در برابر مسئولیت‌های اجتماعی نیز از خود واکنش نشان دهند. ۲. در کنار جامعه‌سازی به خودسازی اقدام کنید که هر دو مطلوب اسلام است. *** خدای متعال در آیه ۱۱۳ به ناشایسته بودن طلب آمرزش برای مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۳. «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُوْلِي قُرْبَى مِن بَعْدِ مَاتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ؛ برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، شایسته نیست که برای مشرکان تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۵ – پس از آنکه برایشان روشن گردید که آنان اهل دوزخند- طلب آمرزش کنند؛ و گرچه نزدیکان (شان) باشند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده است که گروهی از مسلمانان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرض کردند: آیا برای پدران ما که در عصر جاهلیت از دنیا رفتند، آمرزش می‌طلبی؟ آیه فوق فرود آمد و به همگان هشدار داد که هیچ کس حق ندارد برای مشرکان طلب آمرزش و استغفار کند «۱»- «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. استغفار برای مشرکان ممنوع است؛ از سویی طلب آمرزش نوعی اظهار محبت و پیوند با مشرکان است که قرآن کریم بارها آن را ممنوع کرده است، «۱» و از سوی دیگر، این کاری بیهوده است؛ زیرا مشرکان قابلیت آمرزش ندارند. ۲. این آیه اشاره دارد که در نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پیروان او، عقاید و مکتب زیر بناست و در مواقع تعارض این زیر بنای اساسی با پیوند خویشاوندی و پیوندهای مشابه، آن را مقدم می‌دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اصل، پیوند مکتبی است و پیوندهای خویشاوندی تحت شعاع آن قرار گیرد. ۲. برای مشرکان طلب آمرزش نکنید که کاری بیهوده است و آنان اهل جهنّم می‌باشند. *** خدای متعال در آیه ۱۱۴ به طلب آمرزش ابراهیم برای آزر و سبب آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۴. «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لأَبِيهِ إِلَّا عَن مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ؛ و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرِ (مادرش یا عموی) ش نبود، جز بخاطر وعده‌ای که آن را به او وعده داده بود؛ و [لی هنگامی که برای او تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۷ روشن شد که وی دشمن خداست، نسبت به او، وعده (اش) را کنار گذاشت؛ قطعاً ابراهیم بسیار غمخوار (و) بردبار بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. سوره توبه در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی در سال نهم هجری فرود آمده و آیه فوق جزو این سوره است؛ از سوی دیگر، مسلمانان در آیاتی دیگر مانند آیه ۴۷ سوره مریم «۱» و آیه ۸۶ سوره شعراء «۲» و آیه ۴ سوره ممتحنه «۳» خوانده بودند که ابراهیم علیه السلام برای آزر استغفار کرد، در حالی که آزر یک مشرک بود؛ از این رو، این پرسش در ذهن‌ها جای می‌گرفت که اگر طلب آمرزش برای مشرکان جایز نیست، چرا ابراهیم برای آزر استغفار کرد؟ آیه فوق در پاسخ به این پرسش، توجه داد که وضع پدران مرده شما با آزر متفاوت است. ۲. از آیات فوق استفاده می‌شود که ابراهیم علیه السلام انتظار داشت به وسیله وعده استغفار به آزر، او را به سوی ایمان و توحید جذب کند و در حقیقت استغفار او آن بود که «خدایا گناهان گذشته او را ببخش و او را هدایت‌نما.» اما هنگامی که آزر با حالت شرک از دنیا رفت، دیگر ابراهیم برای او استغفار نکرد «۴». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۸ ۳. از آیه فوق براساس این تفسیر استفاده می‌شود که مسلمانان می‌توانند برای دوستان و بستگان مشرکشان تا هنگامی که در حیات هستند، آمرزش مطلبند و برای هدایتشان دعا کنند، ولی پس از مرگ کفرآلود آنان، دیگر جای استغفار باقی نمی‌ماند و از این رو بود که در آیه قبل به مسلمانانی که برای نیاکان خود تقاضای استغفار داشتند، پاسخ منفی داد و آن را ممنوع اعلام کرد. ۴. «آزر» که در قرآن به عنوان پدر ابراهیم از او یاد شده، در حقیقت پدر مادر او یا عمویش بوده است، ولی در فرهنگ عرب گاهی پدر مادر و عمو، پدر نیز گفته می‌شود. بررسی این مطلب ذیل آیه ۷۴ انعام آمده است. ۵. واژه «اوّاه» در اصل به معنای «ناراحتی» است، و نیز به معنای کسی به کار می‌رود که بسیار دعا می‌کند و کسی که خاشع باشد، و به معنای مهربان، توبه‌کار و بایقین نیز آمده است «۱». آری، ابراهیم علیه السلام فردی دعا کننده، فروتن، مهربان، با یقین و بردبار بود. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیامبران الهی در مورد کافران نیز وفای به عهد می‌کردند و این درسی بزرگ برای همه مؤمنان است. ۷. از آیه فوق استفاده می‌شود که هرگاه مطلب حقی سبب بدگمانی نسبت به برخی کارهای اولیای الهی

شود، لازم است با توضیح و توجیه صحیح بدگمانی برطرف گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیامبران الهی پیوند مکتبی را بر پیوند خویشاوندی مقدم می‌دارند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۱۹ ۲. با توضیحات مناسب، بدگمانی‌ها را از پیامبران برطرف کنید. ۳. به وعده خویش وفا کنید، اگر چه به مشرکان وعده داده باشید. ۴. هرگاه دشمنی کسی با خدا آشکار شد، از او بیزاری بجویید. *** خدای متعال در آیه ۱۱۵، مجازات قبل از آگاهی‌بخشی را نفی کرده و می‌فرماید: ۱۱۵. «وَمَا كَانَ اللّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُم مَايَتَّقُونَ إِنَّ اللّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ و خدا هرگز گروهی را بعد از آنکه آنان را راهنمایی کرد، گمراه (و مجازات) نمی‌کند؛ تا آنچه را (باید از آن) خودنگهداری کنند، برایشان روشن بیان کند؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق دو گونه حکایت شده است: یکی آن‌که آیه در مورد گروهی از مسلمانان است که قبل از فرود آمدن واجبات، از دنیا رفتند و جمعی پنداشتند که شاید گرفتار مجازات الهی شوند، آیه فوق فرود آمد و این مطلب را نفی کرد، «۱» و دیگر آن که گروهی از مسلمانان قبل از نزول آیات سابق، برای مشرکان استغفار می‌کردند و اینک نگران اعمال گذشته خود بودند، آیه فرود آمد و به آنان اطمینان داد که به خاطر اعمال گذشته‌ای که ناآگاهانه انجام داده‌اند، مجازات نخواهند شد «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۰ البته ممکن است هر دو شأن نزول صحیح باشد؛ زیرا قابل جمع است؛ یعنی آیه به دو مناسبت مقارن فرود آمده باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره لطیفی به این حقیقت است که همواره گناهان، سرچشمه گمراهی بیشتر و دور ماندن از مسیر هدایت است. آری، اگر کسی خلاف تقوا عمل کرد، خدا او را رها می‌کند و سرگردان، گمراه و به مجازات الهی گرفتار می‌شود. «۱» ۲. آیه فوق به قانونی اشاره دارد که عقل انسان آن را تأیید می‌کند؛ یعنی تا وقتی قانون‌گذار حکمی را بیان نکرده، نباید کسی را به خاطر آن مجازات کند؛ به عبارت دیگر، مسئولیت و تکلیف پس از بیان قانون است که از این مطلب با عنوان قاعده «قُبح عقاب بلا بیان» و اصل «برائت» یاد می‌شود؛ یعنی تا هنگامی که دلیلی بر وجوب یا حرمت چیزی نداشته باشیم، مسئولیتی در برابر آن نداریم و برای ما مجاز است «۲». ۳. در تفسیر آیه فوق، از امام صادق علیه السلام آمده است: « [خدا کسی را مجازات نمی‌کند] تا زمانی که به او بفهماند و معرفی کند که چه چیزهایی موجب خشنودی و چه چیزهایی موجب خشم او است.» «۳» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۱ برخی مفسران این حدیث و تعبیرات آیه را شاهد آن گرفته‌اند که آیه فوق شامل بیان مستقلات عقلیه (مانند خوبی عدالت و زشتی ظلم) نمی‌شود؛ زیرا این‌ها موضوع‌های مبهمی نیست تا نیاز به بیان داشته باشد. ۴. در آیه فوق به علم بی‌پایان الهی اشاره شده است؛ یعنی این مطلب از علم الهی سرچشمه گرفته و علم الهی اقتضا دارد تا چیزی را برای مردم بیان نکرده، کسی را در برابر آن مسئول نداند و مؤاخذه نکند. ۵. هدایت و گمراهی انسان از سوی خدا به معنای جبر نیست، بلکه او مطالب را بیان و مقدمات گمراهی و هدایت را برای انسان فراهم می‌نماید و عوامل خودنگهداری و پارسایی را بیان کرده و اتمام حجّت می‌کند و این خود انسان است که تصمیم می‌گیرد کدام راه را انتخاب کند، ولی از آن‌جا که این مقدمات از خداست، هدایت و گمراهی به او نسبت داده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مجازات، پس از بیان و روشنگری و اتمام حجّت است. ۲. خلاف پارسایی و تقوا عمل نکنید که رها، سرگردان و مجازات می‌شوید. *** خدای متعال در آیه ۱۱۶ به قدرت و حکومت الهی و ولایت منحصر به فرد او اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۶. «إِنَّ اللّهَ لَهُ مُلْكُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُم مِن دُونِ اللّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَانَصِيرٍ؛ براستی که خدا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط برای اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و جز خدا، هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۲ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. براساس آیه فوق با توجه به این‌که همه قدرت‌ها در جهان هستی از آن خداست، شما نباید بر غیر او تکیه کنید و با بیگانگان پیوند دوستی برقرار سازید و آنان را پناه‌گاه خود قرار دهید «۱». ۲. مقصود از این‌که سرپرست و یاوری غیر خدا نیست، آن است که بر غیر او به طور مستقل تکیه نکنید و منظور آن نیست که از اسباب طبیعی جهان برای رسیدن به اهداف خود استفاده ننمایید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. زندگی، مرگ و همه چیز جهان به دست خداست. ۲. هیچ تکیه‌گاهی غیر از خدا ندارید. (پس فقط از او یاری بجویید.)

***

ماجرای متخلفان از جنگ تبوک

خـدای متعال در آیه ۱۱۷ به فـداکاری پیـامبر صـلی الله علیه و آله و یـارانش در جنـگ تبوک و رحمت الهی بر آنـان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۷. «لَقَـد تَابَ اللّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِمَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَـابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ مسلّماً خـدا [بـا رحمت خویش بر پیـامبر و مهاجران و انصار بازگشت، که در هنگامه سـختی (در جنگ تبوک) از او پیروی کردنـد؛ بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های دسته‌ای از آنان، (از حق) منحرف شود؛ سپس [خدا] توبه آنان را پذیرفت؛ [چرا] که او [نسبت به آنان مهربانی مهرورز است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۳ شأن نزول به گفته مفسران، آیه فوق درباره جنگ تبوک نازل شده است که مسلمانان در آن جنگ با مشکلات زیادی روبه‌رو بودند؛ به گونه‌ای که گروهی از آنـان متزلزل شدنـد و تصـمیم گرفتنـد بازگردنـد ولی با لطف و توفیق الهی پا بر جا ماندنـد. همچنین این آیه درباره «أبو حیثَمه» فرود آمـده که بر اثر سـستی به جنگ تبوک نرفت و در سایه درختی در کنار همسران و آب خنک و غذای نیکویی آسوده بود که ناگهان بیاد پیامبر صلی الله علیه و آله در بیابان‌های سوزان افتاد و به حرکت در آمد و بدون آن‌که با کسی سخنی بگوید، به سرعت رفت تا در تبوک به سپاه اسـلام ملحق شد و پیامبر صلی الله علیه و آله به او خوش آمد گفت و برای او دعا کرد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از توبه خـدا بر پیامبر صـلی الله علیه و آله بازگشت خـدا با رحمت خود و توجه او به بنـدگان است؛ پس لازمه این سخن، گناه‌کار بودن پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه ایشان معصوم بود و گناهی مرتکب نمی‌شد. ۲. در آیه فوق انحراف و تخلف تنهـا به گروهی از مؤمنـان نسـبت داده شـده است؛ اما توبه الهی شامل همه است، و این نشان می‌دهـد که توبه در این‌جا به معنـای پـذیرش عـذر از گنـاه نیست، بلکه همان رحمت خاص الهی است که به یاری پیامبر صـلی الله علیه و آله و مهاجران و انصار آمد و آنان را در امر جهاد ثابت قدم ساخت. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۴ ۳. در آیه فوق، جنگ تبوک «ساعت عُسرت» «۱» نامیـده شده است؛ زیرا مشـکلات زیاد اقتصادی، مسیر طولانی مدینه تا تبوک، بادهای سوزان بیابان‌ها، نداشـتن مرکب کافی، فصل گرما و خشک‌سالی، دشمن قوی همچون امپراطوری روم شرقی و کمبود مواد غذایی، رزمندگان اسلام را در فشار قرار داده بود و از این رو، سپاه اسلام در این جنگ «جیش العُسرَة» نامیده شد، ولی با این همه مسلمانان به سوی دشمن حرکت کردند و درسـی بزرگ به همه جهانیان و نسل‌ها دادنـد. ۵. واژه «زَیْغ» به معنـای تمایـل و انحراف از حق به سوی باطـل است؛ یعنی در میـان مسلمانان افراد سست عنصری بودند که فکر بازگشت را در سر می‌پروراندند، ولی لطف خدا و روحیه عالی اکثریت مجاهدان، آنان را از این فکر منصرف ساخت. ۶. جنگ تبوک برای مسلمانان چند دستاورد مهم در برداشت: الف- روحیه قوی رزمندگان اسلام به اثبات رسـید و آشـکار شـد که آنان از رویارویی با نیرومندترین ارتش زمان نیز بیمی ندارند. ب- سپاهیان چهل هزار نفری رومیان عقب‌نشینی کردند و با سپاه سی‌هزار نفری مسلمانان (که ساز و برگ کافی نداشتند) مقابله نکردند و مسلمانان نیز پس از مشورت و در اثر خسـتگی، بازگشـتند و به روم حمله نکردند، اما همین پیمودن راه مدینه تا تبوک، مقدمه لازم برای فتح شام در زمان‌های بعد را فراهم کرد. ج- بسـیاری از قبایـل و امرای اطراف تبوک به خـدمت پیـامبر صـلی الله علیه و آله آمدنـد و با تفسـیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۵ او پیمـان عـدم تعرّض امضا کردنـد و فکر مسـلمانان از جانب آنان آسوده شـد. د- امواج اسـلام به داخل مرزهـای امپراطوری روم نفوذ و توجه همگان را به خود جلب کرد. ۷. در جنگ تبوک، پیامبر صـلی الله علیه و آله به امام علی علیه السـلام دستور داد که در مدینه بماند و این تنها جنگی بود که علی علیه السلام در آن حضور نداشت؛ البته این اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله بـدین جهت بود که سپاهیان اسـلام برای مدت طولانی از مدینه دور می‌شدند و امکان داشت برخی منافقان که در مدینه مانـده بودنـد، با همکاری مشـرکان به مـدینه حمله کننـد و زنان و کودکان را بکشـند، ولی وجود حضـرت علی علیه السـلام سـدّی

نیرومنـد در برابر توطئه آنان بود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا، پیامبر و رزمندگان را در صـحنه‌های خطرناک مورد لطف خاص خویش قرار می‌دهـد. ۲. یـاران واقعی رهبر کسـانی هسـتند که در شـرایط دشـوار از او پیروی کننـد. ۳. اگر دل‌هـای شـما به سـوی انحراف نزدیـک شـد، بی‌درنـگ به خود آییـد و توبه کنیـد تـا لطف خـدا شامل حال شـما شود. *** خـدای متعال در آیه ۱۱۸ به محاصره اجتمـاعی متخلفان جنگ تبوک و توبه آنان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۱۱۸. «وَعَلَی الثَّلَاثَةِ الَّذِینَ خُلِّفُوا حَتَّی إِذَا ضَاقَتْ عَلَیْهِمُ الْأَرْضُ بِمَـا رَحُبَتْ وَضَـاقَتْ عَلَیْهِمْ أَنْفُسُـهُمْ وَظَنُّوا أن لَامَلْجَأَ مِنَ اللّهِ إِلَّا إِلَیْهِ ثُمَّ تَـابَ عَلَیْهِمْ لِیَتُوبُوا إِنَّ اللّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۶ و (نیز) بر آن سه [نفر] که (از شـرکت در جنـگ تبوک) وا مانـده بودنـد، تـا آنگاه که زمین با همه پهناوری بر آنان تنگ شـد، و آنان از خودشان به تنگ آمدنـد، و دانسـتند که هیچ پناهگاهی از (عذاب) خدا جز به سوی او نیست؛ سپس خـدا (با رحمتش) به سوی آنان بازگشت، تا توبه کننـد؛ [چرا] که خـدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است.» شأن نزول داسـتان نزول آیه فوق این‌گونه حکـایت شـده است که سه نفر به نام‌هـای «کَعْب بن مالـک» و «مَرارهٔ بن ربیع» و «هِلال بن امیّه» به خـاطر سستی، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به جنگ تبوک نرفتند، و هنگام بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله عذرخواهی کردند، ولی پیامبر پاسـخ آنان را نـداد و دسـتور داد دیگران نیز با آنان سـخن نگویند و حتی زنان آن‌ها نیز کناره گرفتند و فضای دنیا برای آنان تنگ شـد و به کوه‌های اطراف مـدینه پناه بردند؛ سپس از یکدیگر نیز جدا شدند و به زاری و توبه روی آوردند و سـرانجام پس از پنجاه روز توبه آنان پـذیرفته شد و آیه فوق در این باره فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیر «خُلِّفُوا» به معنای «پشت سر گذاشته شـده» است. این تعبیر اشاره می‌کنـد که وقتی این افراد سـستی می‌کردنـد، مسـلمانان به آنان بی‌اعتنایی کرده، و به سوی جهاد پیش می‌رفتنـد، و یـا اشاره می‌کنـد که پیامبر صـلی الله علیه و آله عـذر آنان را نپـذیرفت و قبول توبه آنان به عقب افتاد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۷ ۲. آیه فوق و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن سه نفر، یک روش آموزنده برای مبارزه با گناه‌کـاران را به نمایش گذاشـته است؛ یعنی برای مجازات مجرمان می‌توان از راه محاصـره اجتماعی و قطع رابطه با آنان، دنیا را بر آن‌هـا تنـگ کرد و آنـان را تحـت فشـار قرار داد و ایـن مجـازات از هر نـوع زنـدانی برای آنـان سـخت‌تر است. این چنین کیفری نه هزینه‌ای در بردارد و نه موجب تنبلی و بدآموزی افراد می‌شود. این مجازات نوعی اعتصاب و مبارزه منفی جامعه در برابر افراد فاسد است که می‌تواند جامعه را از افراد آلوده پاک‌سازی کند. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که ناامیدی از مردم، زمینه‌ساز توجه به خدا و توبه است. ۴. آیه فوق اشاره دارد که هر توبه انسان با دو توبه خـدا همراه است؛ یعنی نخست خـدا با رحمت خویش به سوی بنده باز می‌گردد و به او توفیق توبه می‌دهد، سپس بنده توفیق توبه می‌یابد، آن‌گاه خدا توبه او را می‌پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. تحریم و مبارزه منفی با خلاف‌کاران یکی از شیوه‌های تربیتی اسلام است. ۲. توفیق توبه در سـایه لطف و عنایت الهی است. ۳. با بی‌اعتنایان به جهاد، بی‌اعتنایی کنیـد و آنان را وانهید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۸ خدای متعال در آیه ۱۱۹، مؤمنان را به پارسایی و همراهی با راست‌گویان امت فرا می‌خوانـد و می‌فرماید: ۱۱۹. «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و با راست‌گویان باشـید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات متعددی از قرآن کریم ویژگی‌های «صادقان» بیان شده است. آنان افرادی راست‌گو و راست‌کردار هسـتند که تعهدات خود در برابر ایمان به خدا را به انجام می‌رسانند و تردیدی به خود راه نمی‌دهند و از انبوه مشکلات نمی‌هراسند و با ثبات قدم به فداکاری می‌پردازند «۱». ۲. از برخی احادیث که از پیامبر صـلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، استفاده می‌شود که هر چند مفهوم آیه عام است و همه صادقان امت را شامل می‌شود، در این آیه مقصود مصداق کامل راست‌گویان راست‌کردار، یعنی امام علی علیه السـلام و سایر ائمه علیهم السـلام مرادند. در حدیثی آمده است که پس از نزول آیه، سـلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا منظور آیه عام است یا خاص؟ حضـرت پاسخ داد: «همه مؤمنان به انجام دستور آیه مأمورند، ولی عنوان «صادقین» مخصوص برادرم علی علیه السـلام و اوصـیای بعد از او تا روز رستاخیز است.» «۲» در برخی احادیث نیز آمـده که امام علی علیه السلام به این مطلب

استناد می‌کرد تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۲۹ و حتی از طریق اهل سنت نیز روایت شده که مقصود آیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت او می‌باشند. «۱» ۳. در آیه فوق دو شاهد بر خاص بودن آن وجود دارد: نخست آن‌که واژه «مَعَ» به جای «مِن» استفاده شده است؛ یعنی اگر مقصود از صادقین همه راست‌گویان امت بودند، می‌فرمود: «شما هم از راست‌گویان باشید.» و نمی‌فرمود: «شما با راست‌گویان باشید.» و دیگر این‌که چون به صورت مطلق به همراهی با صادقین و پیروی از آنان دستور می‌دهد، می‌توان دریافت که صادقین معصوم هستند «۲» و در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد. ۴. واژه «صادقین» جمع است، و مقصود معصومان اهل بیت علیهم السلام در طول اعصار هستند که در هر زمان وجود دارند و مردم باید همراه و پیرو آنان باشند. ۵. مقصود از همراهی با صادقان این نیست که انسان فقط همنشین آنان باشد، بلکه منظور همگامی با آنان و پیروی از آنان است. ۶. از این‌که تقوا، پارسایی و حفظ خود از عذاب الهی را با همراهی صادقان آورده است، استفاده می‌شود که این دو در همدیگر اثر دارند؛ یعنی اگر انسان بخواهد واقعاً خود را حفظ کند، لازم است با معصومان همراه شود و هر کس به واقع با معصوم همگام شود، باتقوا و محفوظ می‌ماند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۰ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با صادقان و راست‌کرداران و رهبران معصوم همگام شوید و از آنان جدا نگردید. ۲. ایمان بدون تقوا و رهبران صادق، کافی نیست. *** خدای متعال در آیه ۱۲۰ به پاداش‌های سختی‌ها و مشکلات مجاهدان اشاره کرده و با هشدار به مسلمانان می‌فرماید: ۱۲۰. «مَاکَانَ لِأَهْلِ الْمَدِینَهِٔ وَمَنْ حَوْلَهُم مِنَ الأَعْرَابِ أن یَتَخَلَّفُوا عَن رَسُولِ اللّهِ وَلَا یَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَفْسِهِ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ لَایُصِیبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَانَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَهٌٔ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَلَایَطَأُونَ مَوْطِئاً یَغِیظُ الْکُفَّارَ وَلَایَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَیْلًا إِلَّا کُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللّهَ لَایُضِیعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ؛ بر ساکنان مدینه و کسانی از عرب‌های صحرانشین که اطراف آنان هستند سزاوار نیست، که از فرستاده خدا تخلّف ورزند، و بخاطر (حفظ) جان‌هایشان، از جان او روی برتابند؛ این بخاطر آن است که آنان هیچ تشنگی و رنج، و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و بر هیچ قدمگاهی که کافران را به خشم آورد، گام نمی‌نهند، و به هیچ هدفی (از ضربه و قتل) از دشمن نمی‌رسند، مگر اینکه بخاطر آن، کار شایسته‌ای برای آنان نوشته می‌شود؛ [چرا] که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق بر حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید و از آن به عنوان یک وظیفه همگانی مسلمانان یاد شده است؛ زیرا رهبر رمز بقا و حیات یک ملت است و تنها گذاردنش او و آیین اسلام و موجودیت مسلمانان را به خطر می‌اندازد. ۲. در آیه فوق به مسلمانان مدینه و اطراف آن دستور داده از پیامبر و جان او محافظت کنند و این، بدین جهت است که در آن عصر مدینه کانون اسلام بوده است، ولی بدان معنا نیست که این حکم مخصوص مردم مدینه و اطراف آن است، بلکه وظیفه اطاعت از رهبری و حفاظت از جان او برای همه مسلمانان و در همه عصرها برقرار است. ۳. در آیه فوق به هفت مورد از مشکلات مسلمانان در جنگ‌ها اشاره شده، ولی این موارد برخی مصادیق آن‌هاست و در حقیقت، تمام سختی‌های جهاد پاداش دارد. ۴. آیه فوق اصول جنگی زیر را به مسلمانان آموزش می‌دهد: الف- از دستور رهبری تخلّف نورزید. ب- از جان رهبر به خوبی حفاظت کنید. ج- در برابر سختی‌ها مقاومت نمایید. د- دشمنان کافر را با عملیات خود به خشم آورید. ه- هر گونه سختی که در جهاد تحمّل کنید، «۱» ثواب کار شایسته‌ای برای شما نوشته می‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۲ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. هر نوع سختی و ناراحتی را در راه جهاد تحمّل کنید که به عنوان اعمال صالح شما ضبط می‌شود. ۲. رزمندگان اسلام، نیکوکاران واقعی هستند و خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد. ۳. حفظ جان رهبر اسلام را بر جان خود مقدم دارید. ۴. کاری کنید که کافران به خشم آیند. *** خدای متعال در آیه ۱۲۱ به پاداش‌های دیگر مجاهدان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۱. «وَلَایُنفِقُونَ نَفَقَهًٔ صَغِیرَهًٔ وَلَا کَبِیرَهًٔ وَلَایَقْطَعُونَ وَادِیاً إِلَّا کُتِبَ لَهُمْ لِیَجْزِیَهُمُ اللّهُ أَحْسَنَ مَاکَانُوا یَعْمَلُونَ؛ و هیچ هزینه کوچک یا بزرگی را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، و هیچ درّه‌ای (و سرزمینی) را نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنان نوشته می‌شود؛ تا خدا آنان را به [عنوان بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پاداش دهد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیر «أحسَن» در آیه فوق یا صفت افعال

مجاهدان است که براساس آن، معنا این‌گونه می‌شود: «خدا این اعمال را به عنوان بهترین اعمالی که مجاهدان انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.» و یا صفت پاداش مجاهدان است که در این صورت آیه این‌گونه معنا می‌شود: «خدا آن‌ها را بهتر از آنچه انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۳ ۲. این آیه اشاره دارد که کار جبهه‌ها و رزمندگان نزد خدا به طور دقیق حساب شده و ثبت است و همه کمک‌های مالی کوچک و بزرگ و هر گام رزمندگان نوشته می‌شود، تا مورد محاسبه و پاداش قرار گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا هرگونه کمک مالی به جبهه‌ها و هر گام مثبت را پاداش می‌دهد. ۲. اعمال مجاهدان را ثبت کنید و پاداش دهید. ***

گروهی برای جنگ و گروهی برای علم

خدای متعال در آیه ۱۲۲ به جهاد علمی مسلمانان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۲. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و هرگز مؤمنان همگی بسیج نمی‌شوند؛ پس چرا از هر گروهی از آنان، دسته‌ای بسیج نمی‌شوند (و کوچ نمی‌کنند)، تا در دین، فهم عمیق نمایند؛ و تا قومشان را به هنگامی که به سوی آنان باز می‌گردند، هشدار دهند؟! تا شاید (از مخالفت خدا) بیمناک شوند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق سه گونه حکایت شده است: نخست آن‌که آیه در مورد عرب‌های صحرانشین است که همگی برای فراگیری معارف اسلامی به سوی مدینه حرکت کردند و سبب مشکلات اقتصادی مردم شدند. آیه فوق فرود آمد و به آنان دستور داد که همگی دیار تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۴ خود را ترک نکنند و اگر گروهی برای کسب معارف اسلامی بیایند و در بازگشت برای مردم خود بازگو کنند، کافی است «۱». دوم آن‌که آیه فوق در مورد حرکت به سوی جهاد است؛ زیرا پس از سرزنش متخلّفان جنگ تبوک، همه مسلمانان مکلّف، در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه تنها می‌ماند، آیه فوق فرود آمد و دستور داد گروهی در مدینه بمانند و معارف را از پیامبر صلی الله علیه و آله بیاموزند و هنگامی که مجاهدان از جنگ بازگشتند، برایشان بیان کنند «۲». سوم آن‌که آیه فوق در مورد گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله است که برای تبلیغ اسلام به میان قبایل صحرانشین رفتند و مورد استقبال قرار گرفتند؛ اما برخی بر آنان خرده گرفتند که چرا پیامبر را رها کرده و به این‌جا آمده‌اید؟! آنان ناراحت شدند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتند؛ آیه فوق فرود آمد و برنامه تبلیغی آنان را تأیید کرد «۳». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق با توجه به شأن نزول‌هایی که بیان گردید، سه گونه تفسیر می‌شود: نخست آن‌که «مسلمانان به عنوان واجب کفایی وظیفه دارند که از هر جمعیتی، عدّه‌ای برخیزند و برای فراگیری معارف اسلامی به مراکز بزرگ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۵ اسلامی بروند و پس از یادگیری علوم، به شهر و دیار خود بازگردند و به تعلیم دیگران بپردازند.» «۱» دوم آن‌که: در هنگام جهاد، گروهی به جبهه بروند و گروهی دیگر بمانند و پس از بازگشت مجاهدان، معارف را به آنان بیاموزند «۲». سوم آن‌که: گروهی از مسلمانان به عنوان واجب کفایی به جبهه بروند و در صحنه جهاد با تعالیم اسلامی آشنا شوند و آثار عظمت و حقانیت اسلام را با چشم ببینند و بعد از بازگشت، برای دوستان خود بازگو نمایند. «۳» در مجموع تفسیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد، ولی تفسیر دوم با سیاق آیات قبل و بعد سازگارتر است و تفسیر سوم جالب و جذّاب است؛ البته این احتمال نیز هست که هر سه تفسیر مقصود باشد. ۲. اگر آیه فوق در مورد شرکت گروهی در جهاد باشد، ناسخ و منافی آیات قبل نیست که همگان را به شرکت در جنگ فرا می‌خواند؛ زیرا هر کدام متعلق به ظرف زمانی خاص است؛ یعنی هنگامی که مسلمانان با امپراطوری بزرگ روم روبه‌رو بودند، همه باید در جهاد شرکت می‌کردند، اما در جنگ‌های کوچک باید گروهی در پشت جبهه بمانند و به جهاد علمی بپردازند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۶ ۳. مقصود از «تَفقُّه در دین» همان فهم و درک عمیق همه معارف دینی است که شامل اصول عقاید، فروع و احکام می‌شود «۱» و اگر در عصر ما واژه «فقیه» به متخصصان فروع دین گفته می‌شود،

یک اصطلاح خاص است، و گرنه از منظر قرآن «فقیه» کسی است که در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، عقاید، کلام، فقه، اصول، رجال و ... متخصص شود. ۴. مقصود از «دین» مجموعه‌ای از عقاید، احکام و مطالب اخلاقی است که به نام اسلام خوانده می‌شود. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که تحصیل علم و دانش در زمینه همه معارف اسلامی، یک واجب کفایی است؛ یعنی همواره باید گروهی از مسلمانان به تحصیل علم بپردازند و برای تبلیغ به اطراف جهان بروند؛ به عبارت دیگر، تحصیل و آموزش معارف دینی هر دو واجب کفایی است. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که اسلام برای تعلیم و تعلّم اهمیت زیادی قائل است، تا آن‌جا که مسلمانان را به دو گروه جهادگران نظامی و جهادگران علمی تقسیم می‌کند و گروهی از مسلمانان را از خدمت نظامی و سربازی معاف می‌نماید تا به تحصیل علم بپردازند. ۷. آیه فوق ریشه تشکیل حوزه‌های علمیه و تشکیل نهاد عالمان دین در اسلام است و این آیه شعار تمام روحانیان اسلام در طول اعصار بوده و هست. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۷ ۸. از آیه فوق استفاده می‌شود که هدف از تحصیل معارف اسلامی هشدار به مردم و هشیار کردن آن‌ها و نجات از غفلت و بی‌تفاوتی است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. همه مسلمانان در یک جا نمانند و برخی برای کسب دانش اسلامی سفر کنند. ۲. دانش آموختگان اسلام، پیام حیات‌بخش خود را به مردم برسانند. ۳. مسلمانان وظیفه دارند به دو صورت جهاد کنند: جهاد نظامی و جهاد علمی. ۴. همه معارف دین را به طور عمیق فراگیرید. ۵. برای تبلیغ کردن مبلّغان اسلامی، مردم هم‌وطن مبلّغ در اولویت هستند. *** خدای متعال در آیه ۱۲۳ به مؤمنان فرمان می‌دهد که با دشمنان نزدیک‌تر مبارزه کنید و بر آن‌ها سخت بگیرید: ۱۲۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کافران که نزدیک شما هستند، پیکار کنید؛ و باید (آنان) در شما سختی (و خشونت) بیابند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق دستور می‌دهد که در مبارزه، از دشمنان نزدیک‌تر شروع کنید و این مطلب ممکن است به چند دلیل باشد: الف- خطر دشمنان نزدیک از دشمنان دور بیشتر است. ب- آگاهی ما نسبت به دشمنان نزدیک بیشتر است و این، راه پیروزی را هموار می‌کند. ج- پرداختن به دشمنان دور این خطر را دارد که دشمنان نزدیک از پشت سر حمله کنند. د- هزینه مبارزه با دشمنان نزدیک کم‌تر و پیروزی بر آنان آسان‌تر است. ۲. در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و هنگام نزول آیه فوق اسلام بر جزیرهٔ العرب مسلّط شده بود؛ بنابراین، احتمال دارد مقصود از دشمنان نزدیک در آن زمان «امپراطوری روم شرقی» بوده باشد. «۱» ۳. قانون فوق ممکن است موارد استثنایی نیز داشته باشد؛ برای مثال، هنگامی که دشمنان دورتر خطرناک‌ترند، لازم است اول به سراغ آنان شتافت. ۴. هر چند آیه فوق در مورد پیکار با دشمن است، روح آیه شامل مبارزات فکری، منطقی و تبلیغاتی نیز می‌شود؛ «۲» یعنی در این موارد نیز باید فاصله‌های معنوی رعایت شود و از دشمنان نزدیک‌تر آغاز گردد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۳۹ ۵. آیه فوق اشاره دارد که در برابر دشمن نمایش قدرت داشته باشید تا آنان از سرسختی، صلابت، خشونت «۱» و آمادگی شما آگاه شوند و همین مطلب موجب عقب‌نشینی و شکست روحی آنان گردد. ۶. در تاریخ اسلام می‌خوانیم هنگامی که مسلمانان برای زیارت کعبه به مکه آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد هنگام طواف با سرعت بدوند تا ورزیدگی خود را به دشمنان نشان دهند و یا در هنگام فتح مکه دستور داد مسلمانان شبانگاهان همگی در بیابان آتش افروزند و در برابر ابوسفیان- بزرگ مکه- رژه روند تا قدرت سپاه اسلام را درک کند. ۷. در پایان آیه فوق بیان شده که خدا با افراد باتقوا، پارسا و خویشتن‌دار است، و این مطلب اشاره دارد که شدت عمل و خشونت با کافران باید همراه با تقوا باشد و از حدود انسانی تجاوز نکند و از همین جهت است که در تاریخ اسلام حکایت شده پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام جنگ سفارش می‌کرد به زنان کافران آسیبی نرسانند و به درختان صدمه نزنند «۲». ۸. برخی مفسران بر آنند که آیه فوق به جهاد آزادی‌بخش اسلامی اشاره دارد و مقصود از آن جهاد دفاعی نیست و از این رو است که صفات رزمندگان اسلامی را بیان می‌کند و شرایط هجوم کافران را بیان نمی‌نماید «۳». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۰

آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برای پیکار با کافران، از دشمنان نزدیک‌تر آغاز کنید. ۲. سپاه اسلام در برابر کافران، صلابت، هیبت، سخت‌گیری و خشونت داشته باشد. ۳. سخت‌گیری و خشونت با دشمنان، با رعایت مرزهای تقوا همراه باشد. ۴. با تقوا باشید که خدا با افراد پارسا و خویشتن‌دار است. ***

تاثیرات قرآن

خدای متعال در آیه ۱۲۴ به تأثیرات مثبت قرآن بر دل‌های آماده اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۴. «وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هـذِهِ إِيمَاناً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَاناً وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ؛ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، پس کسی از آن (منافق) ان می گوید: «کدام یک از شما، این (سوره) ایمانش را افزون ساخت؟!» و امّا کسانی که ایمان آورده‌اند، پس بر ایمانشان افزوده؛ در حالی که آنان شادی می کنند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که منافقان کفرپیشه می‌خواستند با این سخنان بگویند که قرآن محتوای چشمگیری ندارد و به آیات الهی بی‌اعتنایی کنند. ۲. آیه فوق مردم را به دو گروه تقسیم می کند: گروه نخست کسانی هستند که دل‌های آماده و مُستعِد دارند و از هر سوره قرآن درسی تازه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۱ می‌آموزند و بر ایمان آنان افزوده می‌شود. و گروه دوم بیمار دلانی هستند که قرآن بر آنان تأثیر مثبتی ندارد، و در آیه بعد به سرنوشت آنان اشاره می‌شود. آری، قرآن همچون باران است که در باغ سبزه رویاند و در شوره‌زار خَس. ۳. واژه «بشارت» به معنای سرور و شادی است که آثارش در چهره انسان ظاهر گردد. این واژه نشان می‌دهد که آیات قرآن چنان اثر تربیتی در مؤمنان دارد که نشانه‌های شادی در چهره‌هایشان آشکار می‌شود. ۴. در جهان کنونی می‌بینیم که برخی مسلمانان نه تنها خواندن یک سوره در آن‌ها اثر نمی کند، بلکه یک ختم قرآن نیز در آنان اثری نمی گذارد، در حالی که آیات قرآن اثر خود را از دست نداده است؛ بنابراین، روشن می‌شود که این حجاب‌ها و بیماری دل‌ها و آلودگی‌هاست که مانع نفوذ و تأثیر آیات در قلب‌ها می‌شود. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که ایمان انسان قابل کم و زیاد شدن است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. یکی از معیارهای شناخت مؤمنان از منافقان، بررسی تأثیرات قرآن بر آن‌هاست. ۲. قرآن مایه افزایش ایمان و شادی مؤمنان است. *** خدای متعال در آیه ۱۲۵ به تأثیرات منفی قرآن بر بیماردلان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۵. «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ؛ و امّا کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، پس آنان پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛ و مردند در حالی که آنان کافرند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. قرآن در آیه فوق به این حقیقت اشاره می کند که برای تأثیر برنامه‌های تربیتی تنها فاعلیت فاعل کافی نیست، بلکه قابلیت قابل نیز شرط است؛ یعنی تنها وجود برنامه سازنده و تأثیرگذاری همچون قرآن برای رشد و تربیت افراد کافی نیست، بلکه روح پذیرش و آمادگی انسان‌ها نیز شرط است. ۲. واژه «رِجْس» در لغت به معنای موجود پلید و ناپاک است که این پلیدی گاهی از نظر غریزه، گاهی از نظر فکری و گاهی از جهت شرعی است؛ یعنی برخی چیزها از نظر غریزه ناپسند و پلیدند و برخی چیزها از نظر فکری و یا شرعی ناپسند می‌باشند. «۱» ۳. در آیه فوق از «نفاق» به عنوان یک بیماری و پلیدی یاد شده است؛ زیرا روح و فکر این‌گونه افراد دو چهره به انحراف‌های روانی و اخلاقی آلوده است و اگر انسان روحیه سالمی داشته باشد، دو چهره نخواهد بود. «۲» ۴. منافقان کفرپیشه نه تنها از قرآن بهره مثبت نمی‌برند، بلکه در برابر هر سوره جدیدی نافرمانی تازه‌ای می کنند که این لجاجت‌ها در روح آنان ریشه می‌دواند و سرانجام راه بازگشت آنان را می‌بندد و به حال کفر از دنیا می‌روند. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که بیماری‌های روحی و نفاق دارای مراتبی است که برخی عوامل، آن را افزایش و گسترش می‌دهد. ۶. قرآن همچون باران رحمت الهی است که اگر بر جسد مرداری در تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۳ گودالی ببارد، نه تنها به حال آن مفید نیست، بلکه سبب فساد و بدبویی آن می‌شود و این نه به خاطر باران است بلکه بخاطر آن مردار است. آری: باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس آموزه‌ها و پیام‌ها ۱.

بیمار دلی و نفاق مانع استفاده از قرآن است. ۲. منافقان بدفرجام‌اند و در نهایت با حالت کفر از دنیا می‌روند. ۳. اگر می‌خواهید از قرآن بهره ببرید، نفاق و پلیدی را از خود دور سازید. *** خدای متعال در آیه ۱۲۶ به آزمایش‌های بیدار کننده و هر ساله الهی اشاره کرده که به حال منافقان کفرپیشه تأثیری ندارد و می‌فرماید: ۱۲۶. «أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَايَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ؛ و آیا (منافقان) نمی‌بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! سپس توبه نمی‌کنند، و آنان متذکّر (هم) نمی‌گردند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مفسران در مورد آزمایش‌های مکرر الهی در مورد منافقان کفرپیشه که در آیه فوق بدان‌ها اشاره شده، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و مصادیقی همچون بیماری، گرسنگی، پرده برداشتن از اسرار منافقان و مشاهده آثار عظمت اسلام و حقانیّت پیامبر صلی الله علیه و آله در پیروزی در میدان جهاد، بر شمرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد که امتحان در آیه فوق مفهوم جامعی دارد و همه آن موارد از مصادیق آن است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۴ ۲. آزمایش انسان‌ها از سنت‌های الهی است که در آیات متعددی بدان اشاره شده است؛ اما به نظر می‌رسد که در آیه فوق از آزمایش خاصی برای منافقان کفرپیشه یاد شده است، «۱» به گونه‌ای که خودشان نیز متوجه آن آزمایش‌ها می‌شوند، ولی باز از خواب غفلت بیدار نمی‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. حوادث و آزمون‌های الهی برای بیداری و توبه افراد است. ۲. منافقان اهل بیداری و توبه نیستند. ۳. اهداف آزمایش را برای آزمون دهندگان بیان کنید که موجب بیداری و بازگشت (و جبران گذشته) است. *** خدای متعال در آیه ۱۲۷ به واکنش منافقان در برابر نزول سوره‌های قرآن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۷. «وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَايَفْقَهُونَ؛ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، برخی آن (منافق) ان به برخی (دیگر) نگاه می‌کنند (در حالی که می‌گویند:) آیا هیچ کس شما را می‌بیند؟ سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند)؛ خدا دل‌هایشان را (از رحمت) منصرف ساخته؛ بخاطر آنکه آنان گروهی هستند که فهم عمیق نمی‌کنند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۵ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره کرده که منافقان از نزول آیات قرآن نگران هستند. این نگرانی یا بدین جهت است که بیم دارند اسرارشان فاش شود و یا به خاطر کوردلی و عدم درک عمیق آن‌هاست. ۲. مفسران درباره جمله آخر آیه فوق دو احتمال داده‌اند: یکی آن‌که جمله خبری باشد، و دیگر آن‌که جمله نفرین به منافقان باشد؛ یعنی «خدا دل‌های آنان را از حق منصرف سازد.» ولی احتمال اول مناسب‌تر است. ۳. یکی از نشانه‌های منافقان کفرپیشه آن است که نسبت به نزول آیات الهی ناخشنودند و به یکدیگر نگاه کرده و می‌گویند: آیا کسی شما را می‌بیند؟ «۱» و از جلسات قرآن می‌گریزند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان مطالب را به طور عمیق درک نمی‌کنند. (شما این‌گونه نباشید.) ۲. منافقان قرآن گریزند. (شما این‌گونه نباشید.) ۳. از آیات قرآن روی بر متابید و در مورد آن‌ها ژرف‌نگر باشید. *** خدای متعال در آیه ۱۲۸ به دلسوزی و رنج‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مردم اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۸. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَاعَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۶ بیقین، فرستاده‌ای از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ (و) بر (هدایت) شما حریص است؛ (و نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برخی مفسران بر آنند که دو آیه آخر سوره توبه، آخرین آیاتی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، «۱» و در واقع اشاره به تمام مسائلی است که در این سوره گذشت. ۲. در آیه فوق نفرمود: «پیامبر از شماست» بلکه فرمود: «پیامبر از خودتان است.» گویی پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده خدا ظاهر گردیده، و از این رو، با دردها و مشکلات آنان آشنا و شریک غم‌های آنان است. ۳. واژه «حَرِیص» در اصل به معنای شدت علاقه به چیزی است و در آیه فوق می‌خوانیم: «پیامبر بر شما حریص است» یعنی به هرگونه خیر، سعادت و پیشرفت شما عشق می‌ورزد «۲». ۴. آیه فوق اشاره دارد که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله دستورهای مشکل و فرمان جهاد با امپراطوری روم می‌دهد و با کفر و نفاق به شدّت برخورد می‌کند، در حقیقت یک نوع محبت و لطف او است و او به آزادی، شرف، عزت و هدایت و پاک‌سازی جامعه شما عشق می‌ورزد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳،

ص: ۲۴۷ ۵. واژه «رَئُوف» به محبت و لطف مخصوص در مورد فرمان‌برداران اشاره دارد، ولی واژه «رحیم» به رحمت در مورد گناهکاران اشاره می کند. البته این دو واژه اگر جداگانه استعمال شوند، ممکن است به یک معنا باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هدایت مردم سر از پا نمی‌شناخت و غمخوار و دوستدار مومنان بود. (شما نیز این گونه باشید.) ۲. رهبر اسلامی، از مردم، غمخوار مردم، علاقمند به مردم و دلسوز مؤمنان باشد. *** خدای متعال در آیه ۱۲۹ به پیامبر صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد و می‌فرماید: ۱۲۹. «فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّهُ لَاإِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ؛ و اگر (مردم) روی برتافتند، پس بگو: «خدایی که هیچ معبودی جز او نیست مرا بس است؛ تنها بر او توکّل کردم؛ و او پروردگار تخت بزرگ (جهانداری و تدبیر هستی) است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق با اشاره به احتمال سرکشی مردم، به پیامبر صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد خدایی که عرش و عالم بالا و جهان ماورای طبیعت با همه عظمتش در اختیار او است، پیامبرش را تنها نمی گذارد «۱». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۸ ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که تکیه‌گاهی نیکو است که خود تنها باشد و تکیه‌گاهی نخواهد و افزون بر جهان ماده، جهان ماورای طبیعت نیز در اختیار او باشد. آری، به بیان نورانی امام حسین علیه السلام در دعای عرفه: «هر که تو را ندارد، چه دارد و هر که تو را دارد، چه ندارد؟» «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آموزه آیه برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که سرکشی و رویگردانی مردم در روحیه شما، تأثیر منفی برجای نگذارد. ۲. یک تکیه‌گاه برای انسان کافی است و آن خدای متعال است. «۲» *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۴۹ منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسة التمهید، قم، ۱۳۸۳ ش، الطبعة الاولی. ۲. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۳. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، مطبعه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش، ۴ جلدی. ۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۲۷ ش، ۱۲ جلدی. ۶. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۰ ق، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۰ ۸. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، ۳۰ جلدی. ۹. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۹۸۱ م، ۷ جلدی. ۱۰. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۱۱. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۱۴۰۴ ق، ۴ جلدی. ۱۲. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۴۰۶ ق، ۱۸ جلدی. ۱۳. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ۴ جلدی. ۱۴. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم. ۱۵. نشر کتابخانه آیة‌اللّه مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۱۶. تفسیر رومن الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۴ ش، ۱۴ جلدی. ۱۷. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ ش، ۱۰ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۱ ۱۸. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۱۳۱۷ ش، ۴ جلدی. ۱۹. تفسیر منهج الصادقین ی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش، ۱۰ جلدی. ۲۰. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳ ش، ۴ جلدی. ۲۱. تفسیر اثنی

عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۴ جلدی. ۲۲. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۳۸۰ ق، ۱۸ جلدی. ۲۳. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۴۱ ش، ۷ جلدی. ۲۴. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۳۴۵ ش، ۱۰ جلدی. ۲۵. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم ۱۳۹۶ ق، ۲ جلدی. ۲۶. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۱۳۹۷ ق، ۸ جلدی. ۲۷. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۶ ش، ۶ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۲ ۲۸. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش، ۱۰ جلدی. ۲۹. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۳۰. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۸ جلدی. ۳۱. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۳۲. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ ش، ۱۲ جلدی. ۳۳. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش، ۱۴ جلدی. ۳۴. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۷۵ ش، ۹ جلدی. ۳۵. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ش، ۲ جلدی. ۳۶. التفسیر المنسوب الی الامام الی محمد الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۳۷. تفسیر الحبری، ابو عبداللّٰه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق، ۱ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۳ ۳۸. درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن (منطق تفسیر قرآن)، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲ ش. ۳۹. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۴۱. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق، ۱۰ جلدی. ۴۲. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۴۳. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔ‌المعارف اسلامیهٔ، ۱۴۱۲ ق، ۱ جلد. ۴۴. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش، ۷ جلدی. ۴۵. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق، ۱ جلد. ۴۶. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ ش، ۱۴ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۴ ۴۷. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱۴۱۲ ق، ۱ جلدی. ۴۸. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۱۴۰۷ ق، ۶ جلدی. ۴۹. آشنائی با قرآن (۱)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۵۰. آشنائی با قرآن (۲)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲ ش. ۵۱. تفسیر تسنیم تفسیر قرآن کریم، عبداللّٰه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۵۲. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۵۳. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی،

قم، ۱۴۰۴ ق. ۵۴. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۵۵. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵۶. المسند، ۱۴۱۵ ق، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۵ ۵۷. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۵۸. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۹. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۶۰. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۶۱. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۶۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۶۳. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۶۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۶۵. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۶۶. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۶۷. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۶ ۶۸. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۹. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۷۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۷۱. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۷۲. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق، چاپ دوم. ۷۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۷۴. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۷۵. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۷۶. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۷۷. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۷۸. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۷ ۷۹. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۸۰. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، المطبعهٔ الاسلامیهٔ، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۸۲. تأثیر قرآن در ادب فارسی ۸۳. تحریر الوسیله، روح اللّه موسوی خمینی (قدس سره)، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم. ۸۵. تفسیر سوره حمد، روح اللّه موسوی خمینی (قدس سره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ش، چاپ هفتم. ۸۶. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، چاپ دوم. ۸۷. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۸۸. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۸۹. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۹۰. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۸ ۹۱. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۹۲. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۹۳. چهل حدیث، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول. ۹۴. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ

شیرازی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۹۵. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۹۶. الدرّ المنثور فی تفسیر الماتور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۹۷. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۹۸. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۹۹. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۰۰. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۵۹ ۱۰۱. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۰۲. شرح دعای سحر، روح اللَّه خمینی، سید احمد فهری زنجانی، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۰۳. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی (قدس سره)، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۰۴. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات حفظی، بی‌تا. ۱۰۵. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی (گردآورنده)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش. ۱۰۶. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۰۷. فی ضلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۸. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۰۹. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۱۰. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۱۱. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۶۰ ۱۱۲. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، ۱۹۸۷ م، چاپ دوم. ۱۱۳. کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللَّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۴. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۵. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۱۶. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۱۷. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۸. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۱۹. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۱۲۰. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللَّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۲۱. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۲۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۶۱ ۱۲۳. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۴. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۱۲۵. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۶۲ صفحه سفید

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج۲۳، ص: ۲۶۳ انتشارات تفسیر و علوم قرآن تقدیم می‌کند: الف: کتاب‌های منتشر شده: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱) ترنم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۲) شمیم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۳) باران مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۴. پرسش‌های قرآنی جوانان (۵) دانش مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۵. پرسش‌های قرآنی جوانان (۶) علوم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۶. فلسفه احکام (۲) حکمت‌ها و اسرار نماز- احمد اهتمام ۷. آموزه‌های عاشورا- محمدعلی رضایی‌اصفهانی ۸. تفسیر قرآن‌مهر، سوره یوسف علیه السلام- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی ب: کتاب‌های در دست

انتشار: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۴)– محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. فلسفه احکام (۳) خداشناسی از راه کیهان‌شناسی– احمد اهتمام ۳. ترجمه آموزشی قرآن– محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۴. ترجمه تفسیری قرآن– محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۵. اعجاز و شگفتی‌های علمی قرآن– محمدعلی رضایی‌اصفهانی و محسن ملاکاظمی ۶. قرآن و علوم پزشکی– حسن رضا رضایی ۷. قرآن و مدیریت– محسن ملاکاظمی ۸. سیمای سوره‌های قرآن– محمدعلی رضایی‌اصفهانی یادآوری: مراکز پخش کتاب‌های فوق در صفحه شناسنامه همین کتاب آمده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار–ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ

تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

